

مجموعه اسناد مصوب  
هفدهمین پلنوم (وسیع)  
کمیته مرکزی  
حزب توده ایران

فروردین ۱۳۶۰



مجموعه اسناد مصوب هدف همین پلنوم (و سیج) کمیته مرکزی، عزیز خود ۱۰۰/۱۰۰

پلانی (۱۰۰)

—

۳

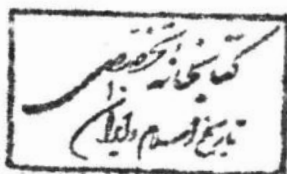
۲۴



انتشارات حزب توده ایران

مجموعه اسناد مصوب  
هفدهمین پلنوم (وسیع)  
کمیته مرکزی  
حزب توده ایران

فروردین ۱۳۶۰







---

انتشارات حزب توده؛ ایران . ۱۶ آذر . شماره ۶۸ .

مجموعه: اسناد محبوف هفدهمین پلنوم (وسیع)

کمیته مرکزی حزب توده ایران ، فروردین ۱۳۶۰

چاپ اول . فروردین ۱۳۶۰

حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است

---

بها ۱۰۰ ریال

## فهرست

- تشکیل هفدهمین بلوم (وسع) کمیته مرکزی حزب نوده ایران ..... ۵
- اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب نوده ایران ..... ۵
- کرارین هیئت سیاسی به هفدهمین بلوم (وسع) کمیته مرکزی حزب نوده ایران ..... ۱۱
- برنامه حزب نوده ایران  
برای تثبیت و تحکیم و گسترش همهجانبه انقلاب  
ضدامپریالیستی و مردمی ایران ..... ۱۵۹
- پیام بلوم هفدهم (وسع) کمیته مرکزی حزب نوده ایران  
به همه رفقای حزبی، همه هواداران و دوستان حزب ..... ۱۶۳
- پیام بلوم هفدهم (وسع) کمیته مرکزی حزب نوده ایران  
به همه سربوها و بارمانها و شهدای انقلابی ..... ۱۷۱
- دربارہ اساسنامه ..... ۱۸۱
- دولنامه عمومی بلوم هفدهم (وسع) کمیته مرکزی حزب نوده ایران ..... ۱۸۷



اطلاعیه دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره  
تشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع)  
کمیته مرکزی حزب توده ایران



در فروردین ماه ۱۳۶۰ هفدهمین  
پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب  
توده ایران، با حضور اعضاء اصلی  
و مشاور و گروهی از مسئولان و  
کادرهای حزبی تشکیل شده. پلنوم،  
طبق دستور کار خود، وظائف زیرین  
را به انجام رسانید:

(۱) گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی  
درباره فعالیت حزب، در فاصله بین پلنوم  
شانزدهم و پلنوم هفدهم، توسط رفیق  
نورالدین گیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی  
حزب توده ایران، به اطلاع پلنوم رسید.  
پلنوم گزارش هیئت سیاسی را مورد  
بحث و بررسی قرارداد و پس از تذکراتی



به اتفاق آراء تصویب کرد.

(۲) طرح برنامه حزب توده ایران در مرحله کنونی انقلاب ایران، از جانب هیئت سیاسی کمیته مرکزی به پلنوم ارائه شد.

پلنوم طرح برنامه حزب را مورد بحث و بررسی قرارداد و پس از اصلاحاتی باتفاق آراء تصویب کرد.

(۳) پیشنهاد چند اصلاح در اساسنامه حزب از جانب هیئت سیاسی به پلنوم ارائه شد.

پلنوم به اتفاق آراء پیشنهادهای اصلاحی در اساسنامه حزب را تصویب کرد.

(۴) پلنوم پیامی را خطاب به رفقا، هواداران و دوستان حزب به اتفاق آراء تصویب کرد.

(۵) پلنوم پیامی را خطاب به نیروها، سازمانها و نهادهای انقلابی به اتفاق آراء تصویب کرد.

(۶) پلنوم اعضاء اصلی و مشاور خود را باتفاق آراء تکمیل کرد و اعضاء هیئت سیاسی، هیئت دبیران کمیته مرکزی را باتفاق آراء انتخاب نمود.

(۷) پلنوم، رفیق نورالدین کیانوری را، باتفاق آراء، به مقام دبیر اول کمیته مرکزی

حزب توده ایران انتخاب کرد.

۸) با قطعنامه عمومی درباره کار پلنوم، که باتفاق آراء بتصویب رسید، هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران پایان یافت.

هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، که در لحظات سرنوشت سازی در تاریخ انقلاب و میهن ما تشکیل شد، نه فقط با تصویب اسناد مهمی که راهگشای فعالیت آتی حزب است، بلکه بویژه بانشان دادن وحدت بیسابقه ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی در رهبری و در سراسر حزب، دارای اهمیت تاریخی است. بدون تردید، تشکیل پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی فصل نوینی را در تاریخ حزب ما در پیکار بخاطر آرمان والای طبقه کارگر و در راه استقلال، آزادی و ترقی میهن ما گشوده است. مصوبات هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی میتواند و باید تمام نیروی حزب ما را برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران بسیج کند.

اسناد مصوبه پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران در «نامه مردم»

انتشار خواهد یافت و به اطلاع همگان خواهد  
رسید.

دبیرخانه کمیته مرکزی  
حزب توده ایران

۱۳۶۰ ار ۱۹

گزارش هیئت سیاسی  
به هفدهمین پلنوم  
(وسیع)  
کمیته مرکزی  
حزب توده ایران



رفقای عزیز!

هیئت سیاسی کمیته مرکزی به من ماموریت داده است که گزارش فعالیتش را در فاصله زمانی میان پلنوم شانزدهم و پلنوم هفدهم و همچنین پیشنهادهایش را برای کار آینده حزب به آگاهی کمیته مرکزی برسانم.

این گزارش شامل دو بخش است. در بخش اول تحلیل مختصری از اوضاع درون کشور و اوضاع جهان در لحظه کنونی داده شده، در بخش دوم فعالیت رهبری حزب در فاصله میان دو پلنوم به آگاهی رفقا رسانده می شود.

بر پایه رهنمودهای پلنوم شانزدهم، هیئت سیاسی طرح تازه ای برای برنامه حزب در مرحله کنونی تکامل جامعه ایران تهیه کرده است که برای اظهار نظر و تصویب به پلنوم پیشنهاد می شود.



# بخش اول

## تحلیل مختصری از اوضاع ایران و جهان در لحظه کنونی

### الف. اوضاع درونی ایران:

مهم‌ترین ویژگی اوضاع سیاسی درون کشور در لحظه کنونی این است که انقلاب ایران به دنبال دستاوردهای بسیار با اهمیت و درخشانی که در نبرد سرفروشت‌ساز نیروهای انقلاب با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی بدان رسیده است، اکنون یکی از دشوارترین مراحل روند تثبیت و تحکیم و گسترش خود را می‌گذراند. جبهه متحد نیروهای غارتگر امپریالیستی، ارتجاع سیاه جهانی و ضدانقلاب داخلی که با پیروزی انقلاب ایران ضربه دندان‌شکنی خورده‌اند، به هیچ‌قیمتی حاضر نیستند روند تثبیت و تحکیم و گسترش این انقلاب را به‌عنوان یک دگرگونی بازگشت‌ناپذیر بپذیرند. آن‌ها تمام نیروی جهنمی خود را برای براندازی این انقلاب و بازگشت اوضاع ایران و منطقه به دوران تسلط بی‌چون‌وچرای امپریالیست‌ها به کار گرفته‌اند. همان‌طور که می‌دانیم در

دو سال گذشته توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم یکی پس از دیگری طرح‌ریزی شد و به موقع اجرا در آمد و یکی پس از دیگری در برابر ایستادگی دلیرانه مردم ایران و نیروهای راستین انقلاب باشکست مفتضحانه پایان یافت. هم‌اکنون نبرد برای درهم‌شکستن ششمین توطئه امپریالیسم که به صورت تحمیل جنگ تجاوزکارانه دارودسته صدام‌خائن به میهن ما پیاده شد، با تمام شدت در جریان است. در واقع باید گفت که این توطئه به طور عمده در همان روزهای نخست باشکست روبرو گردید. هدف این تجاوز نه کم و نه بیش، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران و مستقر ساختن رژیم دست‌نشانده امپریالیسم، یعنی دارودسته اشرف - اویسی - بختیار و زوائدشان براریکه قدرت در میهن ما بود. این نقشه با اشتراك مستقیم امپریالیسم آمریکا و انگلیس و فرانسه و یارانشان با همکاری مرتجع‌ترین دولت‌های منطقه، یعنی اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، اردن، ترکیه، پاکستان، عمان و شیخ‌نشینهای عربی خلیج فارس تنظیم شد و دارودسته صدام‌تک‌ریتی و ضدانقلاب ایران مأمور اجرای آن گردیدند.

مقاومت دلیرانه و حماسه‌ای نیروهای انقلابی ایران این توطئه را در همان روزهای نخست با ناکامی روبرو ساخت. مسلم است که این شکست هم، دشمنان انقلاب ایران را از ادامه توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی باز نخواهد داشت. هم‌اکنون به موازات ادامه تجاوز عراق که ظاهراً عمده‌ترین هدفش تشدید دشواری‌های ناشی از جنگ و ناتوان ساختن جمهوری نوپنیا

میهن ما در برابر توطئه‌های امپریالیستی و ضدانقلابی است، توطئه‌هفتم نیروهای ضدانقلاب داخلی و امپریالیسم و ارتجاع جهانی در شرف انجام و توطئه‌های دیگر در حال تدارک است.

عمده‌ترین هدف توطئه‌ای که در جریان است، این است که توده‌های وسیع مردم را از انقلاب روگردان سازند و میان نیروهای انقلابی تخم نفاق و چنددستگی بیفشانند و اگر موفق شدند، جنگ خانگی را به انقلاب ایران تحمیل کنند.

دستگاه جنایتکار دولت ریگان این هدف را پنهان نمی‌کند و خود را برای بهره‌گیری از چنین امکانی آماده می‌سازد.

الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا با بی‌شرمی بی‌نظیری که آزر ویژگی‌های امپریالیست‌هاست، اظهار داشت: در صورت آغاز جنگ داخلی در ایران، ایالات متحده آمریکا امکان خواهد داشت، به طرف مورد نظر کمک سریع نماید. تشکیل ارتش واکنش سریع و تمام تدارکاتی که آمریکا در اطراف ایران می‌بیند، برای همین نقشه احتمالی است (کیهان، ۱۷ اسفند ۱۳۵۹).

ولی با گسترشی که جنبش انقلابی میهن‌ما، بویژه پس از اشغال مرکز توطئه آمریکایی در تهران پیدا کرد، با شناخت روزافزونی که توده‌های مردم ما از دشمنان واقعی انقلاب پیدا کرده و می‌کنند، در صورتی که گردان‌های فعال انقلابی بتوانند همه نیروهای خلق را برای رویارویی با این توطئه تجهیز نمایند، می‌توان

امیدوار بود که این توطئه هم با شکستی ننگ آور  
برای توطئه گران و جاده صاف کن هایش پایان پذیرد.

## دستاوردهای انقلاب ایران

جبهه متحد براندازی می کوشد این طور تبلیغ کند  
که گویا انقلاب ایران باشکست رو برو شده و هیچ چیز  
به دست نیآورده و حتی وضع مردم از دوران سلطه  
خاندان پهلوی و رژیم ساواکی اش بدتر شده است.  
ولی واقعیات سرسخت که هنوز آن قدر زنده هستند که  
نمی توان فراموششان کرد عکس این تبلیغات زهر آگین  
و گمراه کننده را شهادت می دهند. انقلاب ایران در  
نخستین دو سال زندگی خود، علی رغم همه فشارها و همه  
دسائس امپریالیست ها و ضدانقلاب داخلی، علی رغم نقش  
ترمز کننده دولت «گام به گام لیبرال» که کارگزاران  
امپریالیسم در تار و پودش راه یافته بودند، علی رغم تلاش  
هواداران سلطنت مشروطه و رژیم سلطنتی مشروطه  
(جبهه ملی - نهضت آزادی)، علی رغم کوشش آن نیروها  
و شخصیت های سیاسی و روحانی نما که می کوشیدند انقلاب  
را در چهارچوب تامین کامل منافع سودجویانه کلان -  
سرمایه داران و بزرگ مالکان نگه دارند، توانست:

- رژیم منفور و جابر سلطنتی را بزباله دان تاریخ بفرستد؛

- دست خاندان جنایت پیشه پهلوی و بخش

چشم گیری از نوکران و وابستگان کلان سرمایه دار و  
بزرگ مالک را که تکیه گاه اصلی آن رژیم را تشکیل  
می دادند، از زندگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران

قطع کند؛

- حاکمیت ساواک جنایتکار را براندازد و هزاران زندانی سیاسی را آزاد سازد؛

- بخش قابل توجهی از جنایت کاران را که علیرغم تلاش «گام به گام» برای فرار دانشان از کشور به دست نیروهای انقلاب گرفتار شدند، مجازات نماید؛

- بخشی از سرمایه های غارت شده این جنایتکاران و سایر جنایتکاران فراری را که در ایران به جا مانده بود - و در این چهارچوب نزدیک به ۷۰ درصد از واحدهای صنعتی بخش خصوصی و همه بانک ها را - به تملک خلق غارت شده بازگرداند؛

- به تسلط غارتگرانه و جابرانه امپریالیست ها به سرکردگی امپریالیسم آمریکا پایان بخشد و راه استقرار استقلال واقعی را در زندگی سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی کشور بگشاید؛

- قرارداد فنکین نواستعماری ایران و آمریکا را پاره کند، ایران را از پیمان نظامی امپریالیستی سنتو بیرون آورد و به جرگه کشورهای غیرمتعهد پیونددهد؛  
- دهها هزار زالو و جاسوس آمریکائی وانگلیسی و فرانسوی و آلمانی و ژاپنی را که تمام شریان های حیاتی زندگی کشور ما را قبضه کرده بودند و خون ملت را می مکیدند و ثروت های ملی ما را چپاول می کردند به خانه هایشان روان کند؛

- پایگاه های نظامی امپریالیسم آمریکا را برچیند و ارتش ایران را از زیر سلطه مطلق ارباب های آمریکایی خارج سازد؛

- داغ‌ننگ ژاندارم منطقه بودن را از چهره میهن عزیز ما بزداید و آن را به مهد انقلاب و به یکی از دژهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه مبدل سازد؛

- با اقدام تاریخی دانشجویان مسلمان پیر و خط امام در منفجر ساختن «ستاد براندازی انقلاب ایران»، یعنی جاسوسخانه آمریکا در تهران، ماسک از چهره کریه امپریالیسم جهانخوار آمریکا و دست‌نشانندگان و مزدوران و سازشکاران و تسلیم‌طلبان که در مقامات حساس و دولت انقلاب رخنه کرده بودند، بردارد و دولت «گام به گام» را که در جهت مسخ کردن انقلاب ایران عمل می‌کرد برکنار سازد؛

- با وجود همه خرابکاری‌ها و تحریکات دامنه‌دار از طرف ضدانقلاب و تسلیم‌طلبان، اولین گام‌ها را در راه درپیش گرفتن یک سیاست خارجی که تضمین‌کننده منافع و استقلال میهن باشد، بردارد؛

- روابط سیاسی را با دشمن اصلی و شماره یک خلق‌های ایران، آمریکا و دست‌نشانندگان مستقیمش: اسرائیل، مصر، آفریقای جنوبی، دولت‌های پادشاهی دست‌نشانده و وابسته اردن و مغرب قطع کند و برعکس رشته‌های دوستی و همکاری را با کشورهای مبارز جنبه پایداری کشورهای مسلمان و مترقی عربی مستحکم سازد و گام‌هایی در زمینه عادی کردن مناسبات با بعضی دیگر از کشورهای جنبه جهانی ضد امپریالیستی بردارد؛

- برای پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب، برای مبارزه پیگیر با دسائس و توطئه‌های



ضدانقلاب نهادهای انقلابی بوجود آورد؛  
 - قانون اساسی را که باوجود داشتن نارسائی‌ها و کمبودها دارای جنبه‌های مثبت بسیاری است، تدوین کند و براساس آن نهادهای دولتی را ایجاد نماید؛  
 - درصدد چشم‌گیری از ساواکی‌ها و مزدوران رژیم سرنگون‌شده و وابستگان به سازمانهای جاسوسی امپریالیستی را از دستگامهای دولتی و فرهنگ و نیروهای مسلح پاکسازی نماید؛  
 - گام‌های معینی درجهت حل برخی از مهمترین مبرم‌ترین مسائل اجتماعی مانند پایان بخشیدن به تسلط غارتگرانه فئودالی و نیمه فئودالی بزرگ مالکان و کوتاه کردن دست تجار بزرگ، غارتگر از راه ملی کردن تجارت خارجی و برقراری کنترل دولت بر توزیع داخلی بردارد.

باوجود چنین دستاوردهایی بازهم از آن سخن گفتن که انقلاب ایران باشکست روبرو شده و کاری انجام نداده یا از سوءنیت است و یا از بسته بودن چشم و گوش حکایت می‌کند.

اهمیت تاریخی این دستاوردها بازهم چشم‌گیرتر و با اهمیت‌تر می‌شود، وقتی در نظر بگیریم که در چه شرایط دشواری بوجود آمده‌اند. واقعیت این است که نیروهای راستین و وفادار انقلاب این کامیابی‌ها را در نبرد دشوار با ۳ عامل دشمن و مخالف و ترمزکننده به دست آورده‌اند.

این سه عامل عبارتند از:

- تلاش دشمن برای ناکام ساختن انقلاب؛

- تلاش طبقات و اقشار مرفه و استثمارگر برای  
قرمز کردن پیشرفت انقلاب؛

- پیامدهای منفی اشتباهات، مطلق‌گرایی‌ها،  
قدرت‌طلبی‌ها و انحصارطلبی‌ها، خودمحوری‌ها در صنفوف  
نیروهای انقلابی که این خود محصول موضع و دید  
طبقاتی این نیروهاست.

تجربهٔ دو سال گذشته شواهد بسیاری را نشان  
می‌دهد که هر یک از این ۳ عامل به نوبهٔ خود ضربات  
دردناکی به روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب وارد  
ساخته‌اند و وضع دشوار و بغرنج کنونی محصول تأثیر  
مشترک این ۳ عامل تخریبی است.

(۱) آماج و شیوه‌های عمل دشمنان انقلاب. دشمنان  
سرسخت و آشتی‌ناپذیر انقلاب ایران عبارتند از:  
امپریالیستها و ارتجاع جهانی و بویژه ارتجاع منطقه  
به سرکردگی امپریالیسم‌ها، متجاوز و جنایتکار آمریکا  
و کلیهٔ پشتیبانان و بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی،  
یعنی کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، رباخواران  
و سفته‌بازان، ساواکی‌ها و سرسپردگان آن رژیم در  
ارتش و پلیس و ژاندارمری و ادارات دولتی، همهٔ  
غارتگران و زورگویان در شهر و روستا که بخشی از  
کشور گریخته و در خارج دست‌اندرکار توطئه‌اند و  
بخشی در کشور مانده و از دست‌زدن به هیچ جنایتی  
روگردان نیستند.

هدف این دشمنان انقلاب ایران از همان روزهای  
اوج‌گیری جنبش انقلابی مردم ایران روشن بود و در این

خلاصه می‌شد که به هر قیمت این انقلاب را در هر مرحله‌ای که میسر شود باشکست روبرو سازند و مانند اندونزی و شیلی و مصر اوضاع دوران گذشته را بازگردانند. اسنادی که تاکنون انتشار یافته و تمام رویدادهای دوسال گذشته، این حقیقت را تایید کرده‌اند که دشمنان انقلاب ایران به سرکردگی امپریالیسم آمریکا حتی يك لحظه هم از تدارك و به کار انداختن همه امکانات خود برای درهم شکستن قطعی انقلاب ایران دست برنداشته‌اند. طبق ارزیابی حزب توده ایران، تاکنون از طرف امپریالیستها و ارتجاع منطقه هفت توطئه براندازی برای درهم شکستن انقلاب ایران تدارك دیده شد و به موقع اجرا درآمد.

اول، توطئه کودتای نظامی در روزهای پیش از ۲۲ بهمن؛  
دوم، توطئه منحرف ساختن انقلاب به کمک دولت لیبرال‌ها؛

سوم، توطئه اعمال فشار از راه محاصره اقتصادی پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا و در ارتباط با آن تلاش مجدد برای منحرف ساختن انقلاب ایران در ماه‌های آخر سال ۱۳۵۸ با بهره‌گیری از رویداد افغانستان؛  
چهارم، تجاوز به طبرس و تدارك كزده‌تای سرتاسری در ارتباط با آن؛

پنجم، كزده‌تای نوزدهم ششم، تجاوز عراق به ایران؛  
هفتم، ایجاد تشنج در سراسر ایران در ماه‌های بهمن و اسفند.

هدف همه این توطئه‌ها و بویژه توطئه تجاوز نظامی آمریکائی - صدامی به ایران، جلوگیری از تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی و تضعیف اقتصادی و اجتماعی کشور تاحد فروریزی نظام انقلابی و آماده شدن زمینه برای دست‌اندازی به قدرت ازسوی ضدانقلاب سرسپرده بوده و هست.

کوچکترین تردیدی نمی‌توان داشت که در آینده هم این تلاش هرروز باشدتی بیشتر و دامنه‌ای پهناورتر ادامه پیدا خواهد کرد. اگر امپریالیسم آمریکا هنوز پس از ۲۰ سال دست از محاصره اقتصادی و انواع تحریکات نظامی تاحد تدارك تجاوز به خاک کوبا، برنداشته و فکر برانداختن رژیم انقلابی کوبا را از سر خود بیرون نکرده است، روشن است که در مورد ایران، همان‌طور که امام خمینی به درستی بیان داشته، تا آخر عمرمان با آمریکا در ستیز خواهیم بود. اهمیت استراتژیک اقتصادی و سیاسی و نظامی میهن ما در نقشه‌های تجاوزگرانه و استیلاجویانه امپریالیسم جهانی آن قدر بزرگ است که پیروزی انقلاب شکوهمند ما، خواب‌راحت را از این دشمنان شمارهٔ یک محرومان سراسر جهان ربوده است. انقلاب ایران در سراسر جهان ردیوژدر منقطهٔ خاور نزدیک و میانه و خلیج فارس مانند زلزله مهیبی، فتنه‌ها یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های غارت و تجارز امپریالیستی راویران کرده، بلکه پایگاه‌های دیگر را به شدت متزلزل و آسیب‌پذیر ساخته است. باین تئیر عظیم جهانی و بویژه منقطه‌ای، کاملاً قابل فهم است که آتش کینه امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم

آمریکا علیه انقلاب ایران خاموش شدنی نباشد و انقلاب ایران در آینده هم مانند گذشته به طور مداوم و بدون انقطاع باسنگین ترین توطئه های جنایتکارانه آن روبرو گردد.

۴) نیروهای ترمزکننده انقلاب. در درجه اول عبارتند از سرمایه داری لیبرال و اقلیت مرفه که در دوران طاغوت از امتیازات گوناگون مادی برخوردار بوده اند.

واقعیت این است که این اقلیت اجتماعی در دوران فرمانروائی رژیم وابسته آریامهری در چهارچوب معینی در مبارزه برای پایان بخشیدن به استبداد و محدود ساختن غارت بی بندوبار انحصارهای امپریالیستی و طبقات حاکمه وابسته به آن شرکت داشتند. علت آن هم کاملاً روشن است. فرمانروایان دوران طاغوت، یعنی انحصارهای امپریالیستی، خاندان پهلوی و طبقات حاکمه بزرگ مالک و کلان سرمایه دار و دستگاه فاسد و دزد اداری-ارتشی، پلیسی-ساواکی آنچنان بی پروا ثروت های ملی و محصول دسترنج توده های ده ها میلیون زحمتکش و تولید کنندگان جامعه ما را به یغما می بردند که میدان عمل برای سودجویی و ثروت اندوزی اقلیت میانی سرمایه داری به طور نسبی تنگ می گردید. این اقلیت را با اساس غارتگری امپریالیستی و سرمایه های وابسته و رژیم آریامهری اختلافی نداشته اند، هم شاه را قبول داشتند و هم مشروطه سلطنتی و هم مناسبات با دنیای امپریالیستی را. این آقایان تنها خواستار آن بودند که از این نعم عظیم و گسترده، کلاه بزرگ تری نصیبشان گردد.

تلاش این قشر و سازمان‌ها و شخصیت‌های سیاسی وابسته به آن از همان روزهای اوج جنبش انقلابی همواره و بدون وقفه در این جهت بود که از زرف‌ترشدن و فراگیرترشدن انقلاب جلوگیری نمایند و انقلاب را در چهارچوب تنگ‌تأمین سود حداکثر برای سرمایه‌داری لیبرال ایران محصور و محبوس نگه‌دارند. موضع... گیری‌های روشن «جبهه ملی» و «نهضت آزادی» و سازمان‌های سیاسی وابسته به بورژوازی لیبرال در دوران اوج گیری جنبش انقلابی و اختلاف نظر جدی آنان با سمت گیری قاطع ضد امپریالیستی، ضد غارتگری و مردمی امام خمینی، بهترین معرف ماهیت سیاسی این قشر بورژوازی بود. با توجه به خصوصیات طبقاتی این قشر کاملاً روشن بود که همراهی آنها با انقلاب مشروط بوده است و بدون تردید، در صورت پیروزی انقلاب و بیرون رفتن آن از چهارچوب مورد علاقه لیبرال‌ها، تمام نیروی خود را برای ترمز کردن پیشرفت انقلاب و در صورت توانائی بازگرداندن آن به چهارچوب مورد نظر به کار خواهند انداخت.

درست بر پایه همین شناخت ویرگی دوگانه این قشر بود که شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در تحلیل سیاسی خود در زمینه روند آینده انقلاب به این نتیجه رسید که:

«... حال این سؤال پیش می‌آید: آن یکپارچگی که جنبش انقلابی ایران در جریان سرنگون کردن رژیم از خود نشان داد تا چه وقت ادامه خواهد یافت و موضعگیری اقشار و طبقات گوناگون در جریان تحول آینده چگونه خواهد بود؟



... مسلم آن است که طبقه کارگر و به همراه این طبقه سایر قشرهای زحمتکش شهر و روستا باتمام قوا برای رسیدن به همه هدف‌های که انقلاب ملی و دمکراتیک درپیش دارد، تلاش خواهند کرد و تا آخر پیگیرانه درمواضع انقلابی خواهند ایستاد ...

... مسلم است که سرمایه‌داری لیبرال، که تاکنون باجنبش همراه بوده، می‌کوشد جنبش را درچارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه‌های خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید. تجربه همه انقلابها نشان داده است که باگسترش جنبش انقلابی درجهت‌خواستهای طبقات و قشرهای محروم جامعه، این سرمایه‌داری لیبرال حاضر شده است از انقلاب روبروگرداند و با باقی‌مانده‌های نیروهای ضدانقلاب سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان به‌کاراندازد. باید انتظارداشت که در درون جنبش انقلابی مابین ماهم، همین پدیده‌ها رشد کند. حتی پیش از پیروزی انقلاب، سرو-صداهایی از تدمرضایت این بخش از محتوای مترقی نظریات آیت‌الله خمینی در زمینه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی به‌گوش می‌رسید و این تدمرضایت روز به‌روز شدت پیدا می‌کند. این جناح‌می‌کوشد انقلاب را درچارچوب رفرازدوم برای اسلام جمهوری، انتخاب مجامع شور و تأمین برخی آزادی‌های دمکراتیک نگهدارد و

## در زمینه اقتصادی همان راه فلاکت با سرمایه داری را ادامه دهد.

این بود ارزیابی حزب توده ایران در اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب، و تجربه دو سال گذشته درستی بدون کوچکترین خدشه این ارزیابی را به وسیع ترین اقشار توده های محروم جامعه ما و به ویژه به بخش عظیمی از مبارزان انقلابی که در آن زمان با این ارزیابی موافقتی نداشتند، نشان داد. تنها يك نمونه از این رشد شناخت می تواند این تحول عظیم را نشان دهد. آیت الله مهدوی کنی، وزیر کشور در روز جمعه ۲۴ بهمن ۱۳۵۹ در همدان ضمن خطبه در نماز جمعه، ارزیابی زیر را درباره نقش این قشر می دهد:

قبل از انقلاب خیلی ها با ما بودند، ولی بعد، راهشان جدا شد و خیلی از تجار نیز روش خود را تغییر دادند و اکنون از موقعیت سوء استفاده کرده و سودهای کلان به جیب زده اند. این ها... مردم را ناراضی می کنند و به انقلاب ضرر به می زنند. بورژوازی لیبرال ایران با تمام نیروی سیاسی و

اقتصادی خود در دو سال اخیر و به ویژه در ۸ ماهه دوات «گام به گام» که تقریباً به طور یکدست در اختیار نمایندگان سیاسی این قشر قرار گرفته بود، کوشید تا از گسترش انقلاب و سمعته گیری ضد امپریالیستی و خلقی اش یعنی در جهت برانداختن همه جانبه هر گونه تسلط امپریالیستی بر زندگی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشور ما و در جهت محدود ساختن غارت طبقات مالک و سرمایه دار به سود محرومان جامعه جلوگیری نماید. خط اساسی

سیاست لیبرالها عبارت بود از نگهداری کامل نظام سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی گذشته در ایران و نگهداری مناسبات یکجانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، با برخی تعدیلات و اگر برقراری مناسبات گذشته با آمریکا موقتا میسر نباشد، تحکیم این مناسبات با اروپای غربی و ژاپن. مسلم است که چنین سیاستی جوابگوی «حداقل» خواسته‌های آمریکا و هم‌دستانش در ایران است، چون آمریکا این سیاست را به درستی مانند جاده صاف کن بازگشت مناسبات گذشته، یعنی برقراری تسلط جهانی امپریالیسم بر تمام شئون زندگی اجتماعی میهن ما ارزیابی می‌نماید.

**۳) پیامدهای ناشی از اشتباهات، مطلق‌گرایی‌ها، قدرت‌طلبی‌ها، انحصارطلبی‌ها و خودمحوری‌ها درصوف نیروهای انقلابی.**

بدون تردید این پیامدهای منفی و درموردی بسیار منفی، درعین آن که بخش عمده آن رانمی‌توان به حساب دشمنی آگاهانه با انقلاب گذاشت، مانند ترمزدردناکی روند گسترش انقلاب شکوهمند میهن ما را کند می‌کند و در عمل آب به آسیاب امپریالیسم و ضدانقلاب می‌ریزد و به بورژوازی لیبرال ضربه خورده امکان می‌دهد که از آن به‌زیان انقلاب بهره‌گیری نماید.

این ویژگی‌ها دریک سمت قرار ندارد: هم در «چپ» است و هم در راست، درحالی که منشاء پیدایش هر دو گرایش «چپ» و راست همان اقشار خرده‌بورژوازی هستند.

این ویژگی‌ها را درست راست در چهره گروه‌های متجاوز، فاشیست‌مآب، چماقدار و گردانندگان آن می‌بینیم. این شیوه که امروز مسلماً جولانگاه عناصر ناشناخته ضدانقلاب و ساواک‌گردیده و کم‌کم علیه همان محافلی وارد عمل شده‌اند که ابتدا خود در بوجود آوردن آن موثر بوده‌اند، محصول برداشت انحصارگرانه از قدرت برای سرکوب هر نظر مغایر با نظریات تنگ مبتکرین آن است.

رواج این شیوه موجب می‌شود که تنگ‌نظران از یک سو میدان جنبه متحدنیروهای راستین انقلاب را تنگ‌کنند و گردان‌های ارزشمندی را که می‌توانند در این میدان، در نبرد مشترک برای عمده‌ترین آماج‌های همگانی محرومان جامعه فعالانه و سازنده شرکت نمایند، از این میدان خارج سازند و از سوی دیگر راه را برای نفوذ فرصت‌طلبان و عوامل دشمن که خیلی زود می‌توانند رنگ و ماسک ریا و تزویر بر چهره خود بزنند، به درون صف مبارزان انحصارطلب باز نمایند. تجربه تاریخی نشان داده که صف گروه‌های انحصارطلب خیلی زود جولانگاه عناصر دشمن می‌شود.

در سمت «چپ»، همین انحصارطلبی و مطلق‌گرایی و خودمحوری در میان آن گروه‌های چپ‌گرا دیده می‌شود که افراد آن به‌طور عمده مانند انحصارطلبان راست‌گرا و قشری در موضع‌گیری‌های خود صداقت دارند، ولی به‌علت همان ویژگی‌های پراانحراف‌عملا در سمت‌گیری نادرست نسبت به ضروریات انقلاب در لحظه تاریخی

کنونی قرار گرفته‌اند. در این مورد هم، اقدامات آشوبگرانه، تشنج‌انگیز، تخریبی یعنی اعمال فشار و توسل به قهر برای تحمیل نظریات تنگ گروهی به دیگران، جانشین بر خورد خلاق انقلابی می‌شود. ما شاهد آن هستیم که این روش‌ها عیناً مانند انحراف سر کوبگرانه راستگرایان، میدان رشد انحراف زورمدارانه چپ‌روها یعنی نوعی از گرایشهای «انقلاب فرهنگی» مائوئیستی که عاقبتش به شیوه‌های وحشیانه پل پوت‌ها پایان می‌یابد، گردیده‌اند. قشری‌گری در مقامات حاکمیت موجب اشتباهات، زیاده‌روی‌ها، و در پیامد آن‌ها، زیان‌های جبران‌ناپذیر در زمینه ازدست‌دادن نیروهای سازنده انقلاب از یکسو و ازدست‌دادن امکانات و فرصت‌های گرانبها در بسیاری از زمینه‌ها از سوی دیگر گردیده و قشری‌گری و خودمحوری در «چپ» موجب دست‌یازی به اقدامات تخریبی، تفرقه‌جویانه شده، و پیامد هر دوی این‌ها آن است که میدان برای فعالیت دشمنان انقلاب و بهره‌گیری لیبرال‌های سازشکار و تسلیم‌طلب به‌طور چشم‌گیری مساعد گردیده است.

توجه به این عوامل ۳ گانه اهمیت و ارزش تاریخی دستاوردهای انقلاب را چشم‌گیرتر می‌سازد.

این خود نشانه نیروی عظیم توده‌ای و مردمی انقلاب است که علی‌رغم همه این عوامل منفی توانسته است هر روز در سمت‌گیری‌های اساسی، یعنی مبارزه برای ریشه‌کن‌ساختن سلطه امپریالیسم، مبارزه برای ریشه‌کن‌ساختن آثار استبداد سلطنتی و مبارزه برای محدود‌ساختن امکانات غارتگری بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران

و تامین آزادی و شرایط زندگی بهتر برای محرومان جامعه، دستاوردهای خود را گسترش دهد.

## حاکمیت در دوران پس از پیروزی انقلاب

مهمترین پیامد پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در هم شکسته شدن سلطهٔ غارتگرانهٔ امپریالیستی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بر میهن، و سرنگون شدن حاکمیت رژیم استبدادی سلطنتی بود که در حقیقت چیزی جز تملوز حاکمیت بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی خاندان پهلوی نبود. با سرنگونی حاکمیت این نظام، راه برای به قدرت رسیدن نیروهای جبههٔ ضدامپریالیستی و ضداستبدادی که در آن طیف پهناوری از نیروها منجمله کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، کسبه، روشنفکران و سرمایه‌داری لیبرال قرار داشتند، هموار گردید. در این جبهه گرایشهای گوناگون سیاسی، از طیف وسیع هواداران اسلام تا پیروان پیگیر سوسیالیسم علمی، شرکت داشته‌اند. برجسته‌ترین شخصیت مذهبی-سیاسی و اجتماعی دوران اخیر جامعه ما، امام خمینی، که با مبارزه پیگیر و آشتی‌ناپذیر خود علیه نظام وابسته و مستبد سلطنتی و تسلط امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از اعتماد وسیع‌ترین اقشار خلقهای میهن ما برخوردار بود، به‌عنوان رهبر این حاکمیت جدید انقلابی

مورد تأیید مردم قرار گرفت.

باپیروزی تاریخی نیروهای انقلابی بر باقی مانده های سرسخت نیروهای ضدانقلاب در ۲۲ بهمن، نظام دولتی جدید برآمده از انقلاب به صورت دولت موقت از یک سو و نهادهای انقلابی یعنی شورای انقلاب، کمیته ها و دادگاههای انقلابی که زادگاه سپاه پاسداران انقلاب شد، مستقر گردید.

پایگاه طبقاتی این حاکمیت جدید در دوران اولیه اش تمام جبهه ضدامپریالیستی و ضداستبدادی بود و درست به علت همین پایگاه طبقاتی از همان اولین روزهای استقرار حاکمیت جدید دوگرایی کاملاً مشخص در درون آن پدیدار گردید:

از یک سو دولت موقت که تقریباً یکپارچه در دست نمایندگان سیاسی بورژوازی لیبرال ایران بود و از سوی دیگر جناح مردمی حاکمیت که مورد اعتماد و تأیید جناح مردمی جبهه نیروهای ضدامپریالیستی و ضداستبدادی یعنی نیروهایی قرار گرفتند که علاوه بر برانداختن استبداد، خواستار استقلال همه جانبه و دگرگونی های اجتماعی به سود محرومان بودند. نبرد برای تعیین سمت گیری انقلاب میان این دو گرایی آغاز گردید و هر روز شدیدتر شد.

در مرحله اول، این مبارزه در حاکمیت، به طور عمده دور مسئله مناسبات انقلاب ایران با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تراکم می شده. سمت گیری و عملکرد جناح لیبرالی، یعنی دولت نماینده

بورژوازی لیبرال و لیبرال‌هایی که در نهادهای انقلابی جای گرفته بودند، در خط‌سازش با امپریالیسم آمریکا، نگاهداری نظام سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی، سازش با کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان وابسته، کوشش برای بازگرداندن مالکان و سرمایه‌داران فراری و عفو جنایتکاران بازداشت‌شده و تأمین «آزادی‌های لیبرالی» برای وابستگان به امپریالیسم و موضع‌گیری دشمنانه و آشتی‌ناپذیر علیه پیروان سوسیالیسم علمی در ایران و کشورهای سوسیالیستی، و به تبعیت از آن، دشمنی آشکار با جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و بویژه با جبهه پایداری خلق‌های عرب علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی قرارداد داشت.

در مقابل این جناح لیبرالی، سمت‌گیری سیاسی جناح مردمی حاکمیت، در عین این که به خودی‌خود بهیچوجه از همگونی و یکپارچگی در هیچ زمینه‌ای برخوردار نبود، به‌طور عمده در خط عدم‌سازش با آمریکا، ریشه‌کن کردن تسلط امپریالیستی و در درجه اول تسلط امپریالیسم آمریکا، مجازات خائنین و سرسپردگان اصلی رژیم سرنگون‌شده، مصادره‌داری خائنین فراری و لزوم انجام اقداماتی در جهت محدود کردن غارت غارتگران و به‌سودم‌حرومان جامعه قرار داشت.

در زمینه برخورد با گرایش‌های پیرو سوسیالیسم علمی، با کشورهای سوسیالیستی و جنبش‌های رهایی‌بخش، بین موضع‌گیری این دو جناح ضمن وجود همگونی‌ها



دربخشی، اختلاف نظرهای جدی که ناشی از همان موضع گیری متفاوت در مناسبات با امپریالیسم جهانی بود، وجود داشت و هنوز هم وجود دارد.

اوج درگیری این دو گرایش در آبان ماه ۱۳۵۸ بود که از یک سو جناح لیبرال کار تدارک سازش با امپریالیسم آمریکا را تاحد دیدار و مشاوره با برژینسکی، یعنی گرداننده همه توطئه های خصمانه علیه انقلاب ایران، به پیش برد و در جهت دیگر نیروهای جناح مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب با اشغال ستاد اصلی ضد انقلاب و توطئه، یعنی جاسوسخانه آمریکا، توطئه سازش را نقش بر آب ساخت و دولت لیبرال ها را برکنار کرد. از این تاریخ حاکمیت جمهوری اسلامی در ترکیب آزادی که به طور عمده نماینده جناح مردمی نیروهای انقلابی است، مستقر گردید.

برکنار شدن دولت نه یزده سرما به داری لیبرال به این معنا نبود که لیبرال ها از همه دستگیرهای حاکمیت برکنار شده اند، بلکه برعکس برای مدت طولانی در شورای انقلاب نقش بسیار مهم و مؤثری را حفظ کردند و تا تشکیل دولت جدید، در شهریور ماه ۱۳۵۹، تقریباً همه وزارتخانه ها را در اختیار خود نگهداشتند.

به این ترتیب تا تکمیل نهادهای نظام جمهوری اسلامی، یعنی شروع کار مجلس شورای اسلامی و انتخاب دولت و شورای عالی قضائی، حاکمیت دوگانه وجود داشت و حتی گرایش لیبرالی سازش با امپریالیسم

آمریکا در عملکرد دولت و بویژه وزیر خارجه آن، حاکم بود. تنها با آغاز کار دولت جدید است که می‌توان گفت حاکمیت جناح مردمی بر جناح لیبرالی برپایه نسبتاً محکمی استوار گشته است.

## ترکیب حاکمیت در مرحله نوین

### ۱. از لحاظ پایگاه طبقاتی

عناصر حاکمیت کنونی کشور به طور عمده عبارتند از: نهادهای قانونی شامل مقام رهبری، رئیس‌جمهور، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی قضائی، دولت، شورای نگهبان قانون اساسی، سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی یعنی دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌های انقلاب، جهاد سازندگی، بنیاد مستضعفان و غیره. ترکیب طبقاتی این نهادها به طور عمده مخلوطی است از ملیف و اپسنگان و نمایندگان اقلیت‌ها گوناگون مردمی تا نمایندگان بورژوازی لیبرال. ولی تفاوت محاسباتی کیفیت ترکیب حاکمیت کنونی با ترکیب دوران پیش از انتخاب نهادهای قانونی، در وزن مخصوص جناح‌های مختلف این طیف در حاکمیت است. اگر در دوران دولت موقت و فوملیت شورای انقلاب و دولت پیش از دولت کنونی، نمایندگان بورژوازی لیبرال و زنه سنگینی را در حاکمیت دولتی تشکیل می‌دادند، در حاکمیت کنونی این وزنه به میزان قابل توجهی سبک‌تر شده است. ترکیب اکثریت مجلس و ترکیب دولت کنونی بیان‌گر آن

است که وزنه نمایندگان اقشار گوناگون مردمی در حاکمیت قانونی سنگین شده است. سمت گیری اقدامات این حاکمیت هم، در همه زمینه‌ها یعنی هم در سیاست داخلی، هم در سیاست اقتصادی و هم در سیاست خارجی بیانگر این واقعیت است که وزنه سرمایه‌داری لیبرال که با تمام نیروی خود در جهت سازش با امپریالیسم آمریکا، مخالفت با هر گونه محدودیت در زمینه غارتگری بزرگ مالکان و سرمایه‌داران عمل می‌کند، در این حاکمیت کم‌شده و نقش موثر فلج‌کننده خود را تاحدی از دست داده است.

در نهادهای انقلابی، یعنی دادگاههای انقلاب، کمیته‌های انقلابی و سپاه پاسداران، این تقسیم‌قدرت باز هم بیشتر به سود نمایندگان و وابستگان به جناح مردمی است. البته این به آن معنا نیست که وابستگان به سرمایه‌داری لیبرال، بزرگ‌مالکان و حتی عناصر وابسته به ضدانقلاب سازمان‌یافته در این نهادها، ریشه‌کن شده و حضور ندارند. برعکس و با کمال تاسف باید این واقعیت را که امام خمینی بارها یادآور شده، پذیرفت که این عناصر ضدانقلاب و سازشکار در همه این نهادها نفوذ کرده و با ماسک ریا و تزویر، با تظاهر به افراطی‌گری مذهبی، ستیز با هر گونه خواست به‌حق توده‌ها و هر گونه افکار آزادمنشانه مترقی و پیشرو، در جهت ایجاد نارضایتی در میان مردم و تحریک، تشنج و بی‌ثباتی عمل می‌کنند.

وظیفه نیروهای راستین انقلاب این است که با

تمام نیرو از گرایش‌های ضدامپریالیستی، مردمی و آزادمنشانه نیروهای موثر در حاکمیت کنونی پشتیبانی کنند، سمت‌گیری‌های محافظه‌کارانه، واپس‌گرایانه را افشا کنند و نیروهای راستین انقلاب را از زیان‌های جبران‌ناپذیر این گرایش‌ها برحذر دارند.

## ۲. از لحاظ موضع‌گیری سیاسی و اجتماعی

از این دیدگاه در بخش موثر و تعیین‌کننده حاکمیت کنونی یعنی اکثریت مجلس شورای اسلامی، دولت و شورای عالی قضائی، دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌ها و سپاه پاسداران<sup>۳</sup> گرایش مشخص مشهود است که با خصیصه‌های انحصارطلب، واقع‌بین و روشن‌بین می‌توان آن‌ها را تعریف کرد.

جناح انحصارطلب حاکمیت که خصیصه آن عبارت است از افراطی‌گری قشری، امتناع از به رسمیت شناختن هرگونه حق برای دگراندیشان - حتی حق دفاع از میهن، حق انتخاب شغل، و دره‌وارد با کمال تأسف نه‌چندان نادر حق زندگی کردن - هنوز نیرومند است و با ایجاد جو فشار، مجموعه اقدامات حاکمیت را تحت‌تاثیر موضع‌گیری‌های زیانبار خود که موجب ناتوان کردن جبهه پایداری در برابر دشمنان انقلاب می‌گردد، قرار می‌دهد.

نمونه بارز روش این جناح که به صورت حمله گروههای فشار به مراکز فعالیت حزب توده ایران، حزبی که تمام فعالیتش در جهت پشتیبانی از انقلاب و از جمهوری اسلامی است، مشاهده شد و ناتوانی مقامات موثر حاکمیت در مقابل اعمال غیرقانونی این قشر، در فشارهایی بازتاب می یابد که اکنون بیش از ۸ ماه است به حزب ما وارد می آید و از دادن مراکز حزب ما خودداری می شود، درحالی که این فشارها با قانون اساسی که مورد پذیرش حاکمیت است مبیانت آشکار دارد.

ولی آنچه می تواند بعنوان پدیده امیدبخش در نظر گرفته شود، این است که در جریان برخورد حاکمیت با دشواریهای گوناگون زندگی روزمره، در رودرروئی با قوطه های دشمنان خارجی و درونی انقلاب، با خرابکاری سرمایه داران لیبرال و با دشواری های روزافزون ناشی از دگرگونی های بنیادی در نظام وابسته سیاسی-اقتصادی - فرهنگی «آریامهری»، گرایش واقع بینی و روشن بینی در حاکمیت، در همه زمینه ها رشد می کند. سرعت این رشد هنوز کم است، ولی می توان امید داشت که زندگی، این آموزگار بزرگ، برای سرعت بیفزاید. بدون تردید مبارزه بیکر توده های عظیم زحمتکشان میهن ما در راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران که تامین کلیه حقوق اقتصادی - سیاسی و فرهنگی این توده ها در کنار تلاش عمده برای درهم شکستن همه قوطه های دشمنان انقلاب ایران به سرکردگی امپریالیسم

آمریکا، جزء جدائی‌ناپذیر آن است، این گرایش واقع‌بینی و روشن‌بینی را درحاکمیت ایران تقویت خواهد کرد.

## وضع در میدان نبرد انقلابی در لحظه کنونی

در لحظه کنونی در میهن ما مبارزه تاریخی نیروهای راستین انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی در چند جبهه با شدت روزافزونی در جریان است. در این ارتباط باید این حقیقت را یادآور شد که ترکیب نیروهای خلقی و مردمی شرکت‌کننده در همه این جبهه‌ها یکسان نیست و بغرنجی و درهم‌پیچیدگی خاصی که یکی از ویژگی‌های انقلاب شکوهمند میهن ماست، ناشی از همین ناهمگونی ترکیب نیروها است.

### الف. در جبهه مبارزه برای پایان دادن به تسلط امپریالیسم

در این جبهه بدون تردید دشوارترین و سرنوشت‌سازترین نبرد نیروهای راستین ضدامپریالیستی علیه دسایس و توطئه‌های رنگارنگ دشمنان انقلاب ایران یعنی امپریالیست‌ها و ارتجاع جهانی و ضدانقلاب داخلی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در جریان است. این مبارزه در تمام شئون زندگی اجتماعی در میدان‌های نبرد سیاسی - نظامی، اقتصادی و فرهنگی

باشدت بی سابقه‌ای جریان دارد. امپریالیسم جهانی و سرسپردگانش در ایران، تمام نیروی جهنمی خود را به کار انداخته‌اند تا انقلاب ایران را با شکست روبرو سازند و اوضاع گذشته را بازگردانند.

در این نبرد ۴ نیرو فعالانه شرکت دارند: نیروهای جبهه براندازی، نیروهای جبهه سازش و تسلیم، نیروهای جبهه پایداری و نیروهای بینابینی.

### ۱. نیروهای جبهه براندازی

که مستقیماً زیر رهبری امپریالیسم آمریکا عمل می‌کند، به‌طور هم‌زمان روی ۳ نقشه که هدف همه آنها یکی است و تنها راه‌های رسیدن به آن متفاوت است، عمل می‌کند. این ۳ نقشه به ترتیب عبارتند از:

نخست برانداختن حاکمیت کنونی و روی کار آوردن یک دولت میانه‌رو، نظیر دولت «گام به گام موقت» یعنی دولتی که «منافع حیاتی» آمریکا را در ایران و منطقه تامین و تضمین کند؛

دوم تدارک یک کودتای ضدانقلابی از راه دامن زدن هرچه وسیعتر به تشنجات داخلی برای جلوگیری از تثبیت حاکمیت جمهوری اسلامی و تدارک زمینه برای یک اقدام قهرآمیز ضدانقلاب سازمان یافته در ایران، در ارتباط مستقیم با دخالت نیروهای ضدانقلاب در خارج از کشور به کمک دولت‌های ارتجاعی منطقه که در جبهه دشمنان انقلاب ایران صف‌بندی کرده‌اند. خبرهای تردیدناپذیری در دست است که دولت‌های مصر، ترکیه، عراق، عربستان سعودی، عمان و پاکستان

دست در دست ضدانقلاب ایران به رهبری اشرف و اویسی و بختیار در این نقشه دست‌اندر کارند و ستادهای خارجی نیروهای وابسته به این نیروهای ضدانقلاب هم اکنون علاوه بر پایتخت‌های کشورهای عمده امپریالیستی یعنی واشنگتن - لندن - پاریس در پایتخت‌های کشورهای یادشده در بالا نیز مشغول شدیدترین فعالیت هستند.

**سوم** نقشه نهائی دخالت مستقیم نظامی امپریالیسم امپریالیسم آمریکا نیروی عظیم نظامی در منطقه بوجود آورده است. این واقعیتی است که چنین تمرکز نیروئی از سوی امپریالیسم پس از جنگ دوم جهانی بی سابقه است! اکنون بیش از ۶۰ ناو جنگی آمریکا وانگلیس و فرانسه و ده‌ها هزار سرباز متجاوز آمریکائی در نزدیکترین فاصله از سرحدات ایران، دست در دست نیروهای بزرگ نظامی وابسته و زیر فرمان امپریالیسم پی‌درپی، «مانور» می‌دهند و آماده می‌شوند تا در صورت شکست نقشه‌های دیگر امپریالیستی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران، مستقیماً وارد عمل شوند.

تصور این که آمریکا از تجربه تلخ تجاوز در ویتنام درس گرفته و یا این که به علت وجود اتحاد شوروی در شمال ایران، به چنین ماجرای خطرناکی دست نخواهد زد، درست نیست. یکی از ویژگیهای سیاست خارجی آمریکا در دوران پس از جنگ دوم جهانی همان ماجراجوئی بیرون از هرگونه «منطق سالم» سیاسی است. حزب توده ایران بارها و بارها در مورد اینگونه ماجراجوئی‌های سیاست خارجی استیلاجویانه



امپریالیستی و بویژه امپریالیسم هار و متجاوز آمریکا  
هشدار داده و رویدادهای تاریخی با دقت ریاضی، درستی  
این هشدارها را تأیید کرده‌اند.

یکی از عواملی که بویژه دست‌یازی امپریالیسم  
آمریکا را به‌چنین ماجراجویی تشویق می‌کند، همانا  
وجود يك موضع‌گیری شدید خصمانه نسبت به جنبه  
جهانی سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی، نه تنها  
توسط بازماندگان طبقات حاکمه ارتجاعی یعنی غارتگران  
بزرگ مالک و کلان‌سرمایه‌دار و ضدانقلاب «آریامهری»،  
بلکه علاوه بر آن‌ها در میان بخش مهمی از حاکمیت  
کنونی ایران است.

تجربهٔ تاج ۲۸ مرداد نشان داد که دنبال کردن  
يك چنین سیاست دشمنانه نسبت به نیروهای پیرو  
سوسیالیسم علمی در ایران و در جهان می‌تواند راه  
را برای تدارك کودتای امپریالیستی - ارتجاعی و یا  
لااقل برای روی کار آمدن يك دولت «میان‌رو و عاقل»  
که به گفتهٔ مقامات آمریکائی ضامن نگهداری منافع  
آمریکا در ایران و در منطقه است، هموار سازد.

آمریکا از تجربهٔ افغانستان که در آن بخش  
قابل توجهی از نیروهای موثر جمهوری اسلامی ایران  
عملا در دام نقشه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا  
افتادند و به‌جای آن که در جهت خنثی‌ساختن این توطئه  
خطرناک امپریالیستی آمریکا و پاکستان و چین که  
کامیابیش مستقیما خطر عظیمی برای جمهوری اسلامی  
ایران بوجود می‌آورد، گام بردارند، عملا در جهت  
حمایت از آن اقدام کرده و می‌کنند، بهره‌گیری و

نتیجه گیری می کند و به همین علت با تمام نیروبادکنک های دروغین تبلیغاتی «خطر کمونیسم»، «خطر حمله شوروی»، «خطر کودتای حزب توده ایران» را باد کرده و به فضا می فرستد تا درست مانند هفته های پیش از ۲۸ مرداد زمینه را برای توطئه خود آماده سازد.

نیروهای مشخص جبهه براندازی در درون کشور عبارتند از بقایای وابستگان رژیم سرنگون شده، یعنی بزرگ مالکان، کلان سرمایه داران وابسته، سرسپردگان و مزدوران آن رژیم، یعنی ساواکی ها و نظایرشان در دستگاه های دولتی و نیروهای مسلح؛ اوباش و چاقمقداران و هروئین فروشان و دزدان و قاچاقچیان حرفه ای که همیشه در خدمت ساواک بوده اند. به این نیروها اضافه می شوند ستون پنجم سیاسی آمریکا که به صورت گروهک های فاشیست مآب چپ نمای چینی-آمریکائی مانند «رنجبر»، «پیکاری ها»، «اتحادیه کمونیستها»، «کومله»، جناح قاسملو در حزب دمکرات کردستان ایران و سایر دسته های ضدانقلابی در کردستان و بلوچستان و نظایرشان فعالیت می کنند. عملکرد این گروهک ها از بدو پیدایش تا کنون به طور پیگیر در جهت تفرقه اندازی در میان نیروهای راستین انقلاب و متشنج ساختن محیط برای هموار ساختن راه فعالیت ضدانقلاب است. این پدیده، تنها ویژه انقلاب ایران و جامعه ایران نیست. این یک پدیده جهانی است و تعریف روشن و ساده آن همان «چپ» آمریکائی است. نقش چپ آمریکائی عینا همان نقش اسلام آمریکائی است. اگر توانست در جایی قدرت دولتی را قبضه کند، سیاست

جنایت‌بار «پول‌پوت» و حفیظ‌الله‌امین را در کامبوج و افغانستان تکرار خواهد کرد، تا توده‌های مردم را از کمونیسیم واقعی بیزار کند و اگر نتوانست، آن وقت نقش تفرقه‌انداز خود را برای جلوگیری از گسترش و به هم پیوستگی جنبش انقلابی و پس از پیروزی برای ناکام ساختن و درهم شکستن انقلاب ایفا خواهد کرد. در شیلی و پرتغال نقش این جنایتکاران به بارزترین شکلی نمایان گردید و اکنون انقلاب میهن ما جلوانگاه آنان است.

## ۲. نیروهای جبهه سازش و تسلیم

ازلحاظ طبقاتی سرمایه‌داری لیبرال و روشنفکران و کارمندان مرفه و ممتاز جامعه «آریامهری» و از لحاظ سیاسی تقریباً همه غرب‌زدگان جامعه که میهن‌برایشان جز میدان درآمدهای کلانی با هدف خرج کردن آن در پاریس و لندن و واشنگتن مفهومی ندارد، در این جبهه گردآمده‌اند. هدف نهائی این نیروها با هدف نیروهای جبهه براندازی عیناً یکی نیست. این‌ها خواستار احمیاء نظام «آریامهری» در همه ابعادش نیستند. آرزوی این نیروها این است که نیروهای رادیکال و پیگیر ضدامپریالیست و خلقی را از حاکمیت دواتی برکنار کنند و با امپریالیست‌ها به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در چهارچوب تضمین منافع حیاتی امپریالیسم یعنی نگهداری نظام سرمایه‌داری وابسته به دنیای امپریالیستی در ایران، ادامه وابستگی نظامی ایران به

آمریکا و غرب، اتخاذ يك سياست آشكار و روشن کمونيسم‌ستیزی در داخل، شوروی‌ستیزی، همکاری با ديگر کشورهای ارتجاعی منطقه، خودداری از همکاری با کشورهای مترقی عرب و جهان، خودداری از پشتیبانی از جنبش‌های رهائی‌بخش ملی و بویژه جنبش خلق فلسطين، کنار آیند. خلاصه آرزوی این نیروها عبارت است از تحمیل يك راه‌حل شبیه ترکیه دوران پیش از کودتای نظامی و یا یونان و اسپانیا و پرتغال، یعنی نظامی که ظاهر دموکراتیک داشته باشد، ولی در عین حال با هزاران زنجیر به اردوگاه امپریالیستی وابسته باشد. این نیروها تا حد پذیرش نظام «سلطنتی مشروطه» آماده سازش و عقب‌نشینی هستند.

در لحظه کنونی که این نیروها به میزان زیادی از حاکمیت برکنارند، هدف فوری و مبرم آنان با هدف حداقل جبهه‌براندازی یعنی امپریالیسم و ضدانقلاب کاملاً منطبق گردیده است و هر دو تمام تلاش خود را به کار می‌برند تا دولت کنونی را سرنگون کنند و «دولت میانه‌رو و معتدل و عاقل» جایگزین آن سازند که دارودسته ریگان آن را حافظ منافع حیاتی آمریکا در ایران و منطقه - تکرار می‌کنیم حافظ منافع حیاتی آمریکا در ایران و در منطقه - می‌داند و امیدوار است که با روی کار آمدن چنین دولتی «مناسبات تنگاتنگ گذشته تجدید شود».

سازمان‌های سیاسی مشخص این اردوگاه عبارتند از «جبهه ملی» و گروه‌ها و گروهک‌های وابسته به آن، «نهضت آزادی»، دفتر هماهنگی مردم با رئیس‌جمهور و ۴۵

گروه‌های کوچک‌تری مانند «جاما» و نظائر آن هم هستند که ضمن دعوی استقلال و داشتن نظریات ویژه در عمده‌ترین موضع گیریه‌ها، از این جنبه تبعیت می‌کنند. نمایندگان سیاسی این «جنبه سازش و تسلیم» یک‌رنگ و یک‌دست نیستند و از طیف رنگارنگی تشکیل می‌شوند که یک‌طرف آن امثال امیرانتظام و فزیه و مراغه‌ای و برخی دیگر از رسواشدگان وابسته به امپریالیسم و در طرف دیگر آن شخصیت‌های لیبرال مانند مهندس بازرگان قرار گرفته‌اند، یعنی کسانی که مانند او واقعا یک لیبرال آب‌کشیده هستند یعنی «صادقانه» و «با اعتقاد» از نظام سرمایه‌داری دفاع می‌کنند و از شنیدن نام کارگر و دهقان و پیشه‌ور و زحمتکش و حقوق این زحمتکشان دچار تشنج عصبی می‌شوند و بر همین پایه هم «صادقانه» و «با اعتقاد» در دام امیرانتظام‌ها و «امیرانتظام»‌های هنوز رسوا نشده می‌افتند و به دست آن‌ها اداره می‌شوند.

### ۳. نیروهای جنبه پایداری

اکثریت مطلق کارگران و دهقانان و اقشار زحمتکش پیشه‌ور و کسبه و روشنفکر، مبارزان دلیلی جنبه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی که در سپاه پاسداران، بسیج، سمن‌سغان و داوطلبان جهاد سازندگی و نیروهای راستین هوادار انقلاب، چه مذهبی و چه سیاسی، ارتش عظیم این جنبه را تشکیل می‌دهند.

جنبه نیروهای پایداری از طیف وسیع و رنگارنگی بوجود آمده که مجموعه آن در یک شعار اشتراک نظر

و عمل دارند و آن مبارزهٔ پیگیر و آشتی‌ناپذیر در راه پایان‌بخشیدن به تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم و ضدانقلاب «آریامهری» است. این طیف که به شدیدترین وجهی مورد نفرت اردوگاه امپریالیستی و ضدانقلاب و همچنین سازشکاران و تسلیم‌طلبان است، از یک سو قشری‌ترین عناصر مذهبی و ازسوی دیگر پیروان راستین سوسیالیسم علمی را دربرمیگیرد. در میان این دو انتها نیروی وسیع مبارزان مذهبی پیرو خط امام خمینی و سایر نیروهای صادق‌خلقی و مردمی ضد امپریالیست و ترقی‌خواه مبارزه می‌کنند. باکمال قاسف، این واقعیت را باید یادآور شد که بی‌تجربگی، تنگ‌نظری و انحصارطلبی نیروهای قشری موجب شده است که این جنبه نتواند از تمامی نیروهای خود بهره‌گیری کند و چنین وضعی درچنین مرحلهٔ دشواری از نبرد تاریخی انقلاب ایران علیه دشمنان و سازشکاران زبان‌های جبران‌ناپذیری را به انقلاب وارد ساخته است. این تنگ‌نظری امکان‌دادر است که عناصر دشمن مزورانه خود را با مسلمان‌نمائی در بسیاری از نهادهای انقلابی جای دهند و از این مواضع حساس به‌طور مداوم بذر نفاق بی‌فشانند.

دشمنان انقلاب ایران مانند سازشکاران و تسلیم‌طلبان به این واقعیت بسیار در بسته‌اند و بانام نیرو بدوسیلهٔ تحریکات دامنه‌دار خود درصددند تسویه این پدیدهٔ زبان‌پرورندهٔ سمیت‌گیری، اساساً همهٔ تبدیلات رادیکالی دشمن مسدود صدای آمریکا، بی‌بی‌سی، رادیو

اسرائیل، قاهره، بغداد، رادیوهای بختیار و اویسی و همچنین روزنامه‌های وابسته به گروههای سازشکار و تسلیم طلب لیبرال در ایران همگی در جهت ایجاد و ژرف کردن شکاف در درون جبهه نیروهای پایداری است.

در نبرد سرنوشت سازی که اکنون میان هواداران

و دشمنان انقلاب ایران در جریان است، نیروهای انقلابی ایران می‌توانند مانند گذشته روی پشتیبانی بی‌دریغ و همه‌جانبه مجموعه نیروهای جبهه جهانی ضدامپریالیستی، یعنی خانواده کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری انقلابی کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و جنبشهای راستین رهایی‌بخش ملی و شوراهائی که در آن‌ها این نیروها قدرت دولتی را در دست دارند، تکیه کنند. این پشتیبانی بی‌دریغ تاکنون، چه در دوران نبرد تاریخی برای سرنگونی رژیم سلطنتی و چه در دوران نبرد برای تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی و چه در مبارزه علیه توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا و همدستانش و بویژه در جریان محاصره اقتصادی کمک‌های گرانبهایی به انقلاب ما کرده و بدون تردید، این پشتیبانی در همه ابعادش در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

#### ۴. نیروهای بینابینی

در کنار ۳ اردوگاه عمده میدان نبرد کشور ما نیروهای بینابینی دیگری به صورت سازمانها و گروهها و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی وجود دارند که هویت دوگانه از خود نشان می‌دهند: از یک طرف سیاست خود

را در چهارچوب مواضع پیگیر و آشتی‌ناپذیر ضد - امپریالیستی اعلام می‌دارند و از طرف دیگر در عمل با جبهه نیروهای سازشکار و تسلیم‌طلب و حتی در مواردی با نیروهای براندازی همگامی عملی دارند.

این نیروهای بینابینی که به‌طور مشخص در یکی از ۳ اردوگاه سیاسی بالا قرار نگرفته‌اند، عبارتند از: سازمان مجاهدین خلق، گروه اقلیت سازمان چریکهای فدایی خلق و گروه‌های چپ‌گرای نظیرشان مانند راه کارگر. البته این گروه‌های بینابینی در مواضع یگانه قرار ندارند، و در عین نزدیکی نسبی با یکدیگر، به‌ویژه در عملکرد سیاسی اختلافات جدی با یکدیگر دارند. این نیروها به‌طور عمده در مواضع ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و هواداری از خواسته‌های خلق جای گرفته‌اند، ولی در عمل، در ارزیابی دقیق لحظه دچار چپ‌روی جدی شده و در پیامد این موضع‌گیری چپ‌روانه که آن‌ها را به اقداماتی در جهت تضعیف و براندازی حاکمیت کنونی، یعنی اکثریت مجلس و دولت کشانده است، عملاً بالیرال‌ها و نیروهای خواهان براندازی جمهوری اسلامی در یک جبهه قرار گرفته‌اند. تحلیلی که این نیروها برای موضع‌گیری خود ارائه می‌دهند بر این پایه است که گویا خطر عمده برای سرنوشت انقلاب ایران، حاکمیت کنونی است و نه امپریالیسم در درجه اول و نه سرمایه‌داری لیبرال به‌عنوان جاده صاف کن بازگشت آن. آنها این‌طور بیان می‌کنند که گویا با کنارزدن حاکمیت کنونی از قدرت حاکمه (اکثریت مجلس و دولت کنونی) مهم‌ترین سدی ۴۹



که درس‌رأه گسترش و اعتلای انقلاب وجود دارد، شکسته خواهد شد و در نتیجه قدرت حاکمه به دست نیروهای رادیکال انقلابی، (منظور خود آنهاست) خواهد افتاد.

همان‌طور که میدانیم تجربهٔ بسیاری از انقلابها و در دوران نزدیک، تجربهٔ انقلاب پرتغال، به‌باززترین شکلی نشان داد که چه پیامدهای دردناکی ممکن است از این‌گونه ارزیابی‌های خیال‌پرستانه و ماجراجویانه برای سرنوشت انقلاب به‌بار آید. البته باید اضافه کنیم که مسئولیت سنگینی در این زمینه متوجه نیروهای راست افراطی انحصارطلب است که با اقدامات ضدآزادی خود موجب تشدید نفاق و چنددستی در میان نیروهای راستین هوادار انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی میهن ما شده‌اند.

ارزیابی حزب ما از این جریان‌ات، هنوز بر این پایه است که این نیروها دچار چپ‌روی و خیال‌پرستی در ارزیابی واقعیات هستند. تا هنگامی که این ارزیابی قوت خود را حفظ کند، تلاش ما در این جهت خواهد بود که این نیروهای سالم را که جای‌شان در جبههٔ متحد خلق است، از این گمراهی خارج سازیم.

همان‌طور که می‌دانیم در درون سازمان چریکهای فدایی خلق ایران هم که تا چندی قبل نظیر چنین ارزیابی‌هایی وجود داشت، تحول جدی در جهت شناخت علمی و منطبق با واقعیات بوجود آمد و اکثریت این سازمان

براشتباهات گذشته خود چیره شد. ما امیدواریم که تحولات و تجربیات آینده جنبش ما به نیروهای جوان دیگری هم، که هنوز در این گونه مواضع نادرست هستند، کمک کند.

در این ارتباط باید موضع گیری گروهی از شخصیت های سیاسی و به ویژه نمایندگان مجلس را مورد بررسی قرار دهیم که علی رغم این که در مجموع سمت گیری های سیاسی خود از خط امام خمینی هواداری می کنند در مواضع ضد امپریالیستی و مردمی قرار دارند، معذالک در برخورد با حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد در کنار لیبرالها قرار می گیرند، در عین اینکه ذرعمده ترین مسائل مربوط به سرنویست جنبش، مانند موضع گیری در برابر امپریالیسم و ضرورت دگرگونی های بنیادی به سود محرومان، به طور مشخص در مقابل لیبرالها قرار دارند.

به نظر ما مسئولیت پیدایش این پدیده به طور عمده به عهده انحصارطلبان در طیف هوادار حاکمیت کنونی است. سیاست این قشر که حاضر نیست هیچ گونه مخالفتی را با موضع گیری سیاسی اجتماعی خود، حتی برای همکاری در یک جنبه، تحمل کند، در «راندن» بسیاری از افراد که به تفکر مستقل و ارزیابی مستقل معتقد هستند، بسیار موثر است. بدون تردید این انحصارطلبی ها یکی از مهم ترین سدهای خطرناک در برابر مهم ترین ضرورت مبرم انقلاب، یعنی اتحاد همه نیروهایی است که هوادار تثبیت و تحکیم و گسترش

انقلاب در سمت گیری های ضد امپریالیستی هستند. تجاوزات آشکاری که از طرف گروه های فشار به حقوق دموکراتیک مندرج در قانون اساسی وارد آمده، در تشدید این پدیده تاثیر بسیار جدی داشته است.

## ب. در جبهه نبرد برای تامین آزادی های دموکراتیک

این که دستگاه تبلیغات امپریالیستی و ضدانقلاب و سازشکاران و تسلیم طلبان ادعا می کنند که گویا در ایران در زمینه محدودیت آزادی تغییر محسوس رخ نداده و استبدادی سرنگون شده و استبدادی دیگر جای آن را گرفته، يك دروغ بی پروا و مردم فریبی ناهنجار بیش نیست. واقعیت این است که یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب شکوهمند ما همین درهم شکستن کابوس وحشتناك اختناق ساواکی و به رسمیت شناختن آزادی های فردی و اجتماعی است. ولی البته نمی توان گفت که آزادی های به دست آمده و تامین شده در جامعه انقلابی ما همان حد معقول و منطقی آزادی هایی است که باید در پیامد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی تامین و تضمین و تثبیت شود. به تبعیت از محتوای طیف وسیع نیرو هایی که در انقلاب میهن ما شرکت داشتند، مفاهیم و چارچوب های گوناگونی برای آزادی در میدان مبارزات سیاسی کشور، وجود دارد و هر گروه به پیروی از موضع گیری طبقاتی خود آزادی را برای طبقه خود نامحدود و برای طبقات دیگر به تناسب تضادی

که با آن دارد، محدود و محدودتر می‌خواهد.

قشریون راست‌گرا درجبههٔ حاکمیت از آزادی مطلق بدون هیچ‌گونه پابندی به قانون اساسی برخوردارند. آن‌ها که خود را حافظ و نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند، به خود اجازه می‌دهند نه تنها در حرف‌ها و در نشریات خود، بلکه عملاً آن‌چه را که این قانون در زمینهٔ تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی در نظر گرفته است، لگدمال کنند، به مجامع، سخنرانی‌ها و دفاتر و مراکز فروش کتاب هر سازمانی که موافق مطلق نظریات آنان نباشد، حمله برند و بسوزانند و افراد را مجروح کنند و به کمک افراد خود در نهادهای انقلابی علیه آنان پرونده بسازند و مردم کم‌آگاه را علیه آنان بشورانند. این گروه‌های هوادار چماق و کسانی که به قول سرمقاله‌نویس روزنامهٔ اطلاعات (بهمن ۵۹) اولین «اقدامات درخشان» آنان را به‌دیدهٔ تحسین می‌نگریستند، بهترین امکان را برای ضدانقلاب و ماجراجویان حرفه‌ای فراهم کردند. آن‌ها فراموش کردند که برای ضدانقلاب خریدن چندصد مزدور قاچاقچی و هروئین‌فروش «جان‌به‌لب آمده» و جازدن آنان در صفوف هواداران «حزب‌الله» و تحریک جوانان متعصب کم‌آگاه، از آب خوردن آسان‌تر است. به این ترتیب این حامیان جمهوری اسلامی بهترین وسیله را در اختیار نیروهای براندازی برای ناتوان‌ساختن جمهوری اسلامی در اختیار ضدانقلاب گذاشتند تا در سایهٔ تشدید تشنجات اجتماعی و ایجاد جنگ داخلی زمینه را برای کودتای ضدانقلابی آماده

سازد و به سازشکاران و تسلیم‌طلبان امکان دادند که با مردم‌فریبی از این رویدادها بهره‌گیری کنند، خود را هوادار قانون و آزادی جا بزنند و قشر وسیعی از مردم را که به‌طور طبیعی و به‌حق خواستار آرامش و نظم و حکومت قانون هستند، جذب کنند.

ضدانقلاب خواستار آزادی مطلق دوران دولت گام به گام برای خود و محدود کردن آزادی برای پیگیرترین نیروهای ضدامپریالیستی و ضداستبدادی است. او به داشتن روزنامه‌هایی مانند «رنجبر» و «عدالت» و غیره اکتفا نمی‌کند و خواستار انتشار «آیندگان» و «بامداد» و «تهران مصور» و... خواستار آزادی تظاهرات ساواکی‌ها و «جبههٔ دموکراتیک ملی»، نزیه‌ها و متین‌دفتری‌ها و مقدم‌مراغه‌ای‌هاست، خواستار فعالیت علنی حزب جمهوری خلق مسلمان و گروهک‌های شبیه به آن است، درعین حال که خواستار تعطیل سازمانهای پیگیر انقلابی مانند حزب تودهٔ ایران است.

ضدانقلاب فریاد عدم آزادی می‌کشد، درعین‌اینکه به‌طور نسبی از وسیع‌ترین آزادی برخوردار است. ضدانقلاب که در سایهٔ عمل قشریون راست‌گرا باکمال آزادی، به تظاهرات مخالف خود با سنگ و چماق و اسلحهٔ گرم حمله می‌کند، کتاب‌فروشی‌ها را به نام حزب الهی آتش می‌زند، کلوپ‌های احزاب و دستجات ضدامپریالیستی را غارت می‌کند و تحت حمایت لیبرال‌ها و بابره‌گیری از شیوه‌های چماق‌داران راست‌گرا آن‌قدر جسور شده است که دیگر به سخنرانی‌ها و حتی به مراکز حزب جمهوری اسلامی که مهم‌ترین

سازمان سیاسی ائتلاف دولتی و اکثریت مجلس شورای اسلامی است، حمله می‌کند. ضدانقلاب خواستار آن است که این «آزادی» برای براندازی را قانونی کند.

به این ترتیب دیده میشود که درحقیقت بخشی از نیروهای قشری افراطی که در میدان نبرد برای ریشه‌کن ساختن تسلط امپریالیستی پیگیرانه رودرروی دشمنان انقلاب موضع گرفته و جانفشانی می‌کنند، در میدان نبرد برای تامین عملی آزادی‌های فردی و اجتماعی تضمین شده در قانون اساسی، به مساوات دشمنان انقلاب یعنی درجهت پایمال کردن آزادی‌های ضروری برای قوام گرفتن نظام جمهوری اسلامی عمل می‌کنند.

چنین است، با کمال تأسف، یکی از «ویژگی‌های» زیانبار مرحله کنونی انقلاب ایران.

طیف نیروهای سازشکار و تسلیم‌طلب هم خواستار همین آزادی‌ها در همین چهارچوب هستند. مهندس بازرگان رئیس دولت موقت که سیاستش تبلور خواست‌های سرمایه‌داری لیبرال ایران بود، در همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب که آزادی مطلق برای «تهران مصور» و «آپندگان» و ساواکی‌ها، تامین شده بود، بارها در مورد آزادی فعالیت حزب توده ایران، قانون سیاه ۱۳۱۰ رضاخانی را مطرح کرد و آن قانون سیاه را مشروع شناخت. این بهترین نمونه آن آزادی است که لیبرالها برای آن سینه می‌زنند. در سایه چنین آزادی مطلق برای ضدانقلاب، برای فلج کردن

نیروهای پیگیر انقلابی و لجام‌زدن به این نیروها زیر پرچم قوانین رضاخانی، سازشکاران می‌توانند به بهترین وجهی نقش تاریخی خود یعنی نقش «جاده‌صاف‌کن» برای هموار ساختن راه بازگشت وابستگی امپریالیستی را ایفا کنند.

دربرابر این ۳ جریان، هواداران واقع‌بین و روشن‌بین پیرو خط امام و نیروهای سالم و پیرو سوسیالیسم علمی قرار گرفته‌اند که خواستار اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی در تمام ابعادش هستند، یعنی تأمین و تضمین آزادی برای همه آن نیروهایی که خواستار تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند میهن ما و به بیان دیگر ریشه‌کن‌ساختن تسلط امپریالیستی و جلوگیری از بازگشت غارتگران، خلع‌ید از طبقات حاکمه پشתיیان رژیم طاغوتی یعنی بزرگ‌مانکان و کلان‌سرمایه‌داران وابسته، انجام دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان جامعه و خلاصه تأمین استقلال کامل سیاسی - نظامی - اقتصادی - فرهنگی میهن ما با تکیه به نیروی لایزال خلق‌های محروم. سخن کوتاه، آزادی برای پیش‌بردن انقلاب، نه برای براندازی آن. آزادی برای پیشرفت اجتماعی، نه برای تحمیل سیرقه‌برایی. آزادی برای کمک و جانفشانی در راه انقلاب، نه برای خرابکاری و قوطه و تحمیل اختناقی دیگر.

قوده‌های ده‌ها میلیونی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش، هوادار پابرجایی این آزادی هستند و برای آن پیگیرانه نبرد می‌کنند.

این است به‌طور خلاصه و عمده ویژگی‌های ۳

اردو گاه سیاسی در لحظه کنونی جامعه ما.

## ج. در میدان نبرد برای دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی

سومین آماج انقلاب شکوهمند مین ما که ده‌هزار نفر از محرومان جامعه - از زحمتکشان شهرها و آوارگان روستاها، جان خود را برای پیروزی آن فدا کردند و صدها هزار دیگر سلامتی خود را در راهش از دست دادند، این بود که نظام اقتصادی - اجتماعی رژیم وابسته استبداد سلطنتی متکی به بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران برجیده شود و به جای آن نظام عادلانه‌ای برقرار شود که در آن ثروت‌های ملی و محصول کار زحمتکشان برای بهبود شرایط زندگی کوخ‌نشینان و رنجبران شهر و روستا به کار افتد. در این میدان نبرد توده‌های ده‌ها میلیونی کارگران و دهقانان و پیشه‌وران و کسبه خرده‌پا و روشنفکران زحمتکش دریک سو و بزرگ مالکان و زمین‌داران و تجار و سرمایه‌داران و خیل وسیع غارتگران زمین‌خوار و سفته‌باز و دلال و سلفخر و میدان‌دار و واسطه، در سوی دیگر قرار گرفته‌اند.

با وجود خدمات گرانبهایی که از سوی نهادهای جرشیده از انقلاب، مانند جهاد سازندگی و هیئت‌های هفت نفره مامور انجام اصلاحات ارضی به سود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین انجام گرفته، این واقعیت هنوز



ادامه دارد که با کمال تأسف بخش چشم‌گیری از نیروهای  
 سیاسی فعال و پیکیر در نبرد برای تأمین استقلال ملی  
 هنوز به رابطه ناگسستگی و اجتناب‌ناپذیر مبارزه در  
 راه‌ریشه‌کن کردن تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیستی  
 و لزوم انجام دگرگونی‌های بنیادی در نظام اقتصادی  
 کشور به سود محرومان جامعه و در جهت محدود کردن  
 غارت غارتگران و سودجویان، معتقد نشده‌اند. دشمنان  
 انقلاب ایران و نیروهای سازشکاز و تسلیم‌طلب  
 سرمایه‌داری لیبرال که دشمن سرسخت و آشتی‌ناپذیر  
 این سمت‌گیری انقلاب در ایران هستند، تمام نیروی  
 خود را برای کند کردن پیشروی در جهت این سمت‌گیری  
 به کار انداخته‌اند و مهم‌ترین جنگ‌افزارهای آنان یکی  
 خرابکاری در دستگاه‌های اقتصادی بخش دولتی، و  
 دیگری تبلیغات وسیع تحریک‌آمیز و مردم‌فریبانه  
 علیه هر تلاش پیکیر در جهت ایجاد دگرگونی‌های  
 اجتماعی به سود محرومان جامعه است، تا آن‌جا که حتی  
 با زدن برچسب کمونیستی و ضد‌دینی بر جیره‌بندی  
 برای قند و شکر در دوران جنگ، می‌کوشند اقشار  
 کم‌آگاه مذهبی توده‌های مردم را علیه این‌گونه  
 اقدامات برانگیزند. جبهه‌گیری بی‌سابقه بزرگ مالکان  
 که با پشتیبانی تمام زرادخانه سرمایه‌داران لیبرال و  
 ارگان‌های تبلیغاتی‌شان، هم‌چنین با پشتیبانی بخشی از  
 روحانیت وابسته به بزرگ‌مالکی و سرمایه‌داری علیه  
 قانون اصلاحات ارضی که هدفش ریشه‌کن کردن  
 بقایای فئودالیسم از روستای ایران است، انجام می‌گیرد،

نشان می‌دهد که تاچه‌حد جنبه نیروهای براندازی و جنبه نیروهای لیبرال سازشکار و بخشی از روحانیون وابسته به استثمارگران، دست در دست هم و متحد و آگاهانه عمل می‌کنند. با کمال تأسف باید گفت که انحصارطلبی قشریون و عمل آگاهانه عناصر ضدانقلابی که با گذاشتن ریش و گرفتن تسبیح خود را در صفوف مبارزان مسلمان جا زده‌اند و به‌ویژه اکنون که بسیاری از مبارزان راستین در جنبه‌های جنگ‌خون می‌دهند، هر روز بیشتر در پست‌های حساس دولتی و اقتصادی رخنه می‌کنند، شرایط را برای ناکام‌ساختن اقدامات مثبت حاکمیت آماده می‌سازند و به لیبرالها امکان می‌دهد تا ادعا کنند که تنها آن‌ها می‌توانند چرخهای اقتصادی و دستگاه دولتی را به گردش درآورند. این بود بطور مختصر وضع نیروهای سیاسی درون کشور.

## نتیجه‌گیری

به‌طور کلی می‌توان عمده‌ترین پیامدهای مبارزات نخستین دو سال انقلاب را بدین‌سان بیان کرد:

- ۱- ژرف‌تر شدن و جدی‌تر شدن چشم‌گیر انقلاب در سمت‌گیری‌های اصلی‌اش یعنی در مبارزه برای پایان‌بخشیدن به تسلط امپریالیستی و در مبارزه برای دگرگونی‌های بنیادی به‌سود محرومان؛

- ۲- رشد و تثبیت قانونی اشکال مدیریت‌های

شورائی در زندگی اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان شهر ۵۹

و روستا و در چهارچوب معینی در ارکان‌های اجرائی دولتی و نیروهای مسلح، گرچه این روند مثبت از آغاز تاکنون با موانعی مواجه شده و هنوز بسیار ناقص است؛

۳- پیدایش و رشد نطفه‌های واقع‌بینی سیاسی در بخش مهمی از نیروهای راستین انقلاب در زمینه‌های: - آشناسدن با دشواریهای عظیمی که در مقابل روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب وجود دارند؛ - شناخت نسبی هواداران واقعی انقلاب در درون جامعه و دوستان واقعی انقلاب در میدان سیاست جهان امروز؛

- شناخت عمیق‌تر از امپریالیسم و دسائس رنگارنگ و امکاناتش؛

- شناخت یاران نیمه‌راه انقلاب، یعنی سرمایه‌داری لیبرال و نمایندگان سیاسی‌اش؛

۴- روگردان‌شدن قانونمندانه نیروهای سازشکار و تسلیم‌طلب یعنی سرمایه‌داری لیبرال و همه وابستگانش از انقلاب و گرایش به همکاری با دشمنان انقلاب؛

۵- رشد دشواریهای گوناگون بر سر راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب:

- دشواریهای ناشی از عوامل عینی، مانند محاصره اقتصادی امپریالیستی، دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی، خرابکاری ضدانقلاب و نقش ترمزکننده سرمایه‌داری لیبرال و پیامد شیوه‌های ماجراجویانه گروه‌های چپ‌گرا و بالاخره پیامدهای جنگ تحمیلی آمریکا - صدامی به میهن ما؛

- دشواریهای ناشی از عوامل ذهنی که در راس آنها ناتوانی حاکمیت کنونی در اتخاذ تصمیمات سریع قاطع علیه سودجویی سرمایه‌داران لیبرال و بازماندگان طبقات حاکمه رژیم «آریامهری» یعنی سرمایه‌داری بزرگ، تجاری و بزرگ مالکان قرار دارد. به این عامل مهم اضافه میشود.

- پیامدهای انحصارطلبی نیروهای افراطی در اداره اقتصاد که به حذف بخش مهمی از نیروهای سالم هوادار انقلاب در جریان بازسازی منجر گردیده است، میدان دادن به خرابکاری عناصر ماجراجو و عوامل ضد انقلاب در ایجاد تفرقه و نفاق، و بالاخره پیامدهای ندانم‌کاری و خودمحوری بسیاری از کارگردانان جمهوری اسلامی و عدم توجه به پیشنهادهای سازنده نیروهای دلسوز برای انقلاب؛

- پیامدهای زیان‌بخش عملکرد نیروهایی که در این گزارش زیرنام «نیروهای بینابینی» از آنها یاد شده است. با کمال تأسف این نیروها به جای آن که عمده توجه خود را به سمت‌گیری عمده انقلاب در لحظه کنونی، یعنی مبارزه علیه دسائس و قوطه‌های امپریالیستی متمرکز سازند و با پرهیز از قشری‌گری و انحصار-طلبی چپ‌گرایانه و با تکیه بر خرد و دانش خلاق انقلابی و واقع‌بینی و روشن‌بینی در شناخت درست دشمنان و دوستان انقلاب، خدماتی ارزنده به انقلاب شکوهمند خلق‌های میهن‌مان بنمایند، با موضع‌گیری و عملکرد نادرست خویش آب به آسیاب دشمنان انقلاب

می‌ریزند.

به این ترتیب ما امروز شاهد این واقعیت هستیم که انقلاب ایران به موازات یک رشته پیروزی‌های چشم‌گیر تاریخی، از یک سو با دشواری‌های بسیار دست به گریبان است، از سوی دیگر با توطئه‌های روزافزون دشمنان روبرو است و از سوی سوم هنوز نتوانسته است شیوه‌های قاطع تجهیز و گردآوری همه امکانات موجود را برای درهم شکستن توطئه‌های دشمنان انقلاب و چیره‌شدن بردشواری‌ها پیدا کند.

واضح است که ادامه و رشد دشواری‌ها، نیروهای انقلاب را مانند «خوره» بیمار و ناتوان خواهد ساخت و زمینه برای پیشرفت توطئه‌های دشمنان انقلاب آماده‌تر خواهد شد.

این مهم‌ترین نگرانی است که ذهن همه نیروهای راستین و آگاه هوادار انقلاب ایران را به خود مشغول ساخته است. این نگرانی به‌ویژه شدیدتر میشود، اگر اوضاع بفرنج کنونی ایران را در ارتباط با جریان‌هایی در نظر گیریم که در جهان امروز می‌گذرد و نشانگر آن است که محافل تجاوزکار امپریالیستی و ارتجاعی جهان به سرکردگی امپریالیسم‌ها آمریکا هر روز بر دامنه توطئه‌ها و تحریکات سیاسی و مداخلات تجاوزکارانه نظامی خود برای سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش ملی می‌افزایند. اشتباه بزرگی است اگر بخواهیم آن‌چه را که در ایران می‌گذرد، از مجموعه آن‌چه در جهان در حال تکوین است جدا سازیم. درست

به همین علت لازم است که این اوضاع جهان را مورد بررسی قرار دهیم.

## ب. اوضاع سیاسی جهان امروز:

بدون تردید سمت گیری تعیین کننده و اساس تحولات اوضاع سیاسی جهان در جهت تغییر تناسب نیرو به سود جبهه جهانی ضد امپریالیستی و به زیان امپریالیسم، به سود پیشروی سوسیالیسم و به زیان حاکمیت سرمایه داری انحصاری، به سود خلق های محروم کشورهای در حال رشد و به زیان مواضع استعمار نو، قرار دارد. این نبرد تاریخی که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر یعنی نخستین پیروزی تعیین کننده و بدون بازگشت نیروی کار بر سرمایه آغاز گردید، در طی دوران کوتاه ۶۳ ساله که از عمر تاریخی اش می گذرد، توانسته است چهره جهان را از ریشه دگرگون سازد و با شتابی روزافزون شرایط را برای پیروزی های دیگر خلق های محروم فراهم آورد. تنها مقایسه دگرگونی های جهان، در طول سال های سه دهه ای که از جنگ دوم جهانی می گذرد یعنی سال های ۵۰ و ۶۰ و ۷۰، نشانگر روشن این شتاب روزافزون است.

کافی است تنها به کامیابی های عظیم و تاریخی ده سال گذشته نگاه بیفکنیم. حتی یک بررسی کوتاه نشان می دهد که نبرد خلق های محروم در ۳ قاره آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در این ده ساله نه تنها از لحاظ کمی، بلکه از لحاظ کیفی نیز گام بزرگ

تاریخی در جهت تکامل به پیش برداشت. با پیروزی عظیم خلق ویتنام علیه تجاوز جنایت بارامپریالیسم آمریکا که در نتیجه آن برای نخستین بار در تاریخ دوست ساله اش، پوزه این ابرقدرت جنایت پیشه و متجاوز به خاک مالیده شد، دگرگونی های عظیمی در جهان به سود خلق های محروم آغاز گردید. در فاصله میان شکست تجاوز آمریکا در ویتنام تا امروز ما شاهد آن هستیم که بساط تسلط غارتگرانه استعمارنو در بیش از ۱۲ کشور در مهم ترین مناطق جهان برچیده شد. در ویتنام جنوبی، لائوس، کامبوج، آنگولا، موزامبیک، کینه بیسائو، اتیوپی، بنین، افغانستان، ایران، - نیکاراگوا، زیمبابوه با پیروزی انقلاب های ضد امپریالیستی و مردمی رژیم های سیاه ارتجاعی وابسته به استعمار نو سرنگون شدند. در اکثریت مطلق این کشورها نیروهای پیکر انقلابی سرکردگی انقلاب را در دست گرفتند و سمت گیری سوسیالیستی را برای رشد آینده جامعه خود تضمین کردند. در ۳ کشور اروپایی اسپانیا، پرتغال، یونان نظام های فاشیستی فرو ریختند. این بود برجسته ترین پیروزی در جبهه نبرد خلق های محروم با امپریالیسم جهانخوار و ارتجاع وابسته به آن.

در نبرد بین این دو سیستم جهانی یعنی سوسیالیسم و امپریالیسم با پیشرفت های وقفه ناپذیر بزرگ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در کشورهای سوسیالیستی و با تشدید انواع بحران های بنیادی در کشورهای امپریالیستی،

تناسب نیروها به‌طور چشم‌گیر به سود سوسیالیسم  
تغییر پذیرفت.

در این زمینه کافی است به‌رشد موزون وی‌بی‌گیر  
و وقفه‌ناپذیر اقتصاد در جامعه کشورهای سوسیالیستی  
و به تشدید بحران در کشورهای امپریالیستی توجه  
کنیم.

در سال ۱۹۸۰ که پایان آخرین برنامه پنج ساله  
اتحاد شوروی بود، تولید صنعتی این کشور از مرز  
۲۰ درصد تولید صنعتی سراسر جهان گذشت، در  
حالی‌که جمعیت آن کم‌تر از ۶ درصد جمعیت جهان  
است. برتری نظام سوسیالیستی وقتی آشکارتر می‌شود  
که در نظر گیریم تولید صنعتی این کشور در سال  
۱۹۱۳، یعنی بالاترین سطح تولید پیش‌از انقلاب اکبر  
فقط ۳ درصد تولید صنعتی جهان بود. در زمینه تولیدات  
کشاورزی نیز با این‌که در سه‌سال از پنج سال دوره  
برنامه شرایط جوی به‌طور کم‌مابقه‌ای برای کشاورزی  
نامساعد بود، میانگین تولید غله به‌میزان بی‌سابقه  
۲۰۵ میلیون تن در سال بالغ گردید. طی این برنامه  
درآمد سرانه واقعی مردم شوروی ۱۷ درصد افزایش  
یافت. بیش از ۵۰ میلیون نفر از مردم شوروی به ۱۲  
میلیون واحد مسکونی فوساز نقل مکان کردند. در  
پایان این برنامه تعداد پزشکان شوروی از مرز یک  
میلیون نفر گذشت. اینک برای هر ده‌هزار نفر مردم  
شوروی ۳۷ پزشک می‌رسد که بالاترین رقم درجهان  
است. تمام این پیروزی‌های عظیم در شرایطی به‌دست



آمده است که ۲۰ سال از ۶۴ سالی که از انقلاب  
اکتبر می‌گذرد، در راه جنگ داخلی، مداخله نظامی  
خارجی، جنگ جهانی و سال‌های ترمیم و بازسازی  
ویرانی‌های ناشی از این جنگ‌ها از دست رفته است.  
این رشد و گسترش پرشتاب و بدون درنگ در  
آینده نیز ادامه خواهد یافت. مثلاً طبق پیش‌بینی برنامه  
پنجساله ۸۵-۱۹۸۱، درآمد ملی در اتحاد شوروی  
۲۰-۱۸ درصد، صنایع ۲۸-۲۶ درصد و کشاورزی  
۱۴-۱۲ درصد رشد خواهد داشت و میانگین تولید  
غلات به ۲۴۳-۲۳۸ میلیون تن در سال خواهد رسید و  
بیش از ۵۰ میلیون نفر دیگر از مردم شوروی ۱۲  
میلیون واحد مسکونی نوساز به دست خواهند آورد.  
البته بلندگویان سرمایه‌داری جهانی که با بغض  
و کینه باین کامیابی‌های خیره‌کننده نگاه می‌کنند،  
با تمام بوق و کرنای تبلیغاتی خود در سراسر جهان،  
از جمله در روزنامه‌های «سیا» ساخته آمریکائی در  
ایران، به تحریف این واقعیت‌های عیان می‌پردازند. در  
کنار این بلندگویان، کوردلانی هم هستند که در دام  
این تحریفات می‌افتند و یا چشم‌های خود را به روی این  
واقعیت‌ها می‌بندند. ولی علی‌رغم این تلاش مذبوحانه  
سرمایه‌داری جهانی و علی‌رغم کوشش واپس‌گرایانه  
کوردلان، دوران ما دوران فروپاشی نهائی نظام غارتگر  
سرمایه‌داری و پیروزی بازگشت‌ناپذیر نظام سوسیالیستی  
در سراسر جهان است و هیچ دروغ و تزویر و توطئه  
و جنایت و زالت امپریالیسم و ضدانقلاب جهانی، قادر

نیست این روند تاریخ را تغییر دهد.

اما در کشورهای امپریالیستی هنوز بیماری‌های ناشی از بحران اقتصادی سال‌های ۷۵-۷۴ علاج نشده، دوران تازه‌ای از بحران آغاز گردیده است. از میانه سال ۱۹۷۹ فعالیت اقتصادی در عمده‌ترین کشورهای امپریالیستی در سرازیری افتاد. در نیمه دوم سال ۱۹۸۰ در مجموع ۲۴ کشور سرمایه‌داری رشد یافته، تولید اجتماعی یک درصد کم شد. این بحران در ایالات متحده آغاز شد، سپس به انگلستان و کانادا و در پی آنها به باثبات‌ترین کشور امپریالیستی، یعنی جمهوری فدرال آلمان غربی سرایت کرد. در اقتصاد آمریکا پیش‌بینی می‌شود که در سال جاری تولید داخلی در حدود ۳ درصد کاهش یابد.

اکنون در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بیش از ۲۰ میلیون نفر بی‌کارند و همه علائم نشانگر آن است که این ارتش عظیم بیکاران در سال جاری بازهم بیشتر خواهد شد.

بر پایه این تحولات عظیم در این دو میدان بزرگ نبرد جهانی، تلاش نیروهای هوادار صلح در زمینه تشنج زدائی کامیابی‌های چشم‌گیری به دست آورد، عاملی که امکانات نیروهای تجاوزکار امپریالیستی را در سراسر جهان برای مداخله به میزان زیادی محدود ساخت. کافی است به این واقعیت تاریخی توجه کنیم که اگر ایالات متحده آمریکا در شرایط سال‌های دهه شصت، یعنی هنگام لشکرکشی ناکام خود به ویتنام

می‌توانست به‌خود اجازه دهد که علی‌رغم سیل اعتراض مردم جهان، به‌منظور سرکوب جنبش رهائی‌بخش ویتنام، بزرگ‌ترین واحدهای نظامی خود را در تاریخ موجودیتش یعنی ۶۰۰ هزار سرباز با ساز و برگی چند برابر آنچه در جنگ دوم جهانی به اروپا فرستاد، به آن کشور گسیل دارد و ۳ برابر مجموع بمب‌های سراسر دوران جنگ جهانی دوم را روی خاک ویتنام بریزد، پس از چندسال در اثر تغییر محسوس شرایط جهانی، جرات این‌گونه دخالت‌ها را در ایران و نیکاراگوئه از دست داد و نتوانست به‌شیوه‌های همیشگی با انقلاب‌های این کشورها روبرو شود. همین مقایسه نشان می‌دهد که تغییر تناسب نیروها به‌سود سوسیالیسم و جنبش‌های رهائی‌بخش ضد امپریالیستی و پی‌آمد آن یعنی پیشرفت روند تشنج‌زدایی، امکانات عظیم نوینی را برای کامیابی جنبش‌های ملل محروم بوجود آورده است. در چنین شرایط تاریخی مناسب و درچارچوب دوستی و همکاری نیروبخش جنبش‌های رهائی‌بخش ملی با نیروی عظیم و شکست‌ناپذیر کشورهای سوسیالیستی است، که کشورهای کوچکی که تازه توانسته‌اند خود را از زیر سلطه امپریالیسم جهانی بیرون آورند، می‌توانند حتی در شرایط دشوار محاصره اقتصادی و فشار همه‌جانبه امپریالیسم جهانی به‌رشد و تکامل پیگیر خود ادامه دهند. کوبای انقلابی اکنون پس از ۲۰ سال هنوز در محاصره اقتصادی کشورهای امپریالیستی قرار دارد، ویتنام قهرمان و همسایگان مبارزش لائوس و کامبوج و یا جمهوری دموکراتیک

خلق یمن و اتیوپی که از همه طرف زیر فشار و حتی مداخلات تجاوزکارانه نظامی نیروهای امپریالیستی و ارتجاع وابسته به آن قرار دارند، نمونه‌های بارز این واقعیت دوران ما هستند. امروز ۲۰ کشور از ۱۱۰ کشور جهان که کشورهای در حال رشد می‌باشند، با جمعیتی بیش از ۱۵۰ میلیون نفر سمت‌گیری سوسیالیستی را برای تکامل آینده اجتماعی خود برگزیده‌اند. با آن که کیفیت اقتصادی-اجتماعی و فرهنگ انقلابی این کشورها در سطوح مختلف رشد قرار دارد، معذالک همه آن‌ها در عمده‌ترین مسائل مربوط به راه رشد و حل مسائل اجتماعی و اقتصادی خود تجارب گرانبهایی به دست آورده و می‌آورند.

عظمت تاریخی این تغییر تناسب نیروها در صحنه جهانی هنگامی بیشتر جلوه می‌کند که به یاد بیاوریم که این تغییرات چشم‌گیر و سرفروشت ساز در شرایطی انجام گرفته که بزرگ‌ترین کشور جهان از لحاظ جمعیت یعنی جمهوری خلق چین در همین ده ساله در موضع‌گیری جهانی‌ش سیر قهقرایی خطرناکی داشته است و بی‌پروا به جبهه جهانی ضد امپریالیستی خیانت کرده و برای سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش ملی، برای تشویق تجاوز نظامی امپریالیستی به کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول به اتحاد شوروی به‌سازش‌ننگین با سیاه‌ترین نیروهای امپریالیستی یعنی آمریکا و دولت‌های فاشیستی و نژادپرست مانند اسرائیل، آفریقای جنوبی و شیلی قن در داده است و برای این که «صداقت» بازگشت ناپذیر خود را در این

خیانت به اثبات برساند، بزرگ‌ترین فشار سیاسی و نظامی و اقتصادی خود را متوجه اتحاد شوروی در شمال و ویتنام و لائوس و کامبوج در جنوب ساخته است.

این پیروزی‌ها به ویژه شتابی که این دگرگونی‌ها در ده‌ساله اخیر به خود گرفته، در نبرد خونین خلق‌های به پا خاسته و نیروهای مترقی جهان علیه ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به دست آمده است.

امپریالیست‌ها و ارتجاع با تمام نیروی خود در برابر این سیل عظیم ایستادگی می‌کنند و حتی يك وجب از مواضعی را که جابرا نه در اختیار گرفته‌اند، بدون نبرد، رها نمی‌کنند. امپریالیسم و ارتجاع جهانی وابسته به آن می‌کوشند که با بهره‌گیری از همه امکانات سیاسی - اقتصادی و نظامی، با دست زدن به هر شیوه جنایتکارانه و مزورانه، مواضعی را که از دست داده‌اند، دوباره به‌چنگ آورند و یا لااقل از تثبیت و تحکیم و گسترش نظام‌های نوین انقلابی ضد امپریالیستی و خلقی جلوگیری کنند و از این‌راه از شتاب روزافزون دگرگونی‌های جهانی به زیان خود، بکاهند.

ویژگی مهم لحظه کنونی سیاست جهانی در همین تلاش مذبحانه امپریالیستی است. امپریالیسم جنایت‌کار آمریکا در پیشاپیش مجموعه امپریالیسم جهانی یعنی اروپای غربی - ژاپن و دیگر کشورهای ارتجاعی جهان، در لحظه کنونی هدف‌های زیرین را به‌عنوان

عمده‌ترین هدف‌های استراتژیک در برابر خود قرار داده است:

- با دامن زدن به تشنج سیاسی، فضای تشنج‌زدایی را مختل کند و دنیا را به دوران جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی بازگرداند و از این راه با تحمیل بودجه‌های سنگین تسلیحات به کشورهای سوسیالیستی حتی المقدور پیشرفت پرشتاب این کشورها را کند سازد؛

- پیشرفت و کامیابی جنبش‌های رهایی‌بخش ملی را ترمز کند و در صورت امکان جنبش‌های پیروز شده را با ناکامی روبرو سازد و مواضع گذشته را بازپس ستاند؛

- کشورهای در حال رشد را در سیستم سرمایه‌داری جهانی نکه دارد و با تمام‌قوا از گرایش این کشورها به درپیش گرفتن راه رشد غیر سرمایه‌داری و سمت‌گیری سوسیالیستی ممانعت به عمل آورد؛

- سیاست خارجی و جهانی این کشورها را در چهارچوب سیاست جهانی خود محصور کند و از نزدیکی و همکاری آنان با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای دیگر ازبند رسته و مستقل جلوگیری کند؛

- از پیشرفت اقتصادی مستقل و آزاد این کشورها جلوگیری کند و آن‌ها را در وابستگی به بازار امپریالیستی نگاه دارد.

امپریالیست‌ها برای رسیدن به هدف‌های خود در این نقشه جهانی همه نیروهای سیاسی و اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی - ایدئولوژیکی خود را به کار گرفته‌اند.

۷۱ اکنون به‌طور مسلم تمام منطقه کشورهای در حال

رشد میدان اعمال این سیاستهای امپریالیستی است. کافی است به اقدامات امپریالیسم و به ویژه ژاندارم جهانی آن - امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان - در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس، در آسیای جنوب خاوری، در آفریقا و در آمریکای لاتین توجه کنیم. در این میان منطقه خلیج فارس به علت اهمیت منحصر به فرد استراتژیکی اش، هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ نظامی، و به علت انفجار عظیم انقلابی که در آن روی داد، حائز اهمیت درجه اول گردیده است.

ما اکنون دو سال است که شاهد همهٔ دسائس و توطئه‌های امپریالیسم در این منطقه هستیم و می‌بینیم که چگونه تمام اهرم‌های حرثی و نامرئی نیروهای سیاه امپریالیستی و ارتجاعی در منطقه به کار افتاده‌اند تا دو انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی این منطقه، یعنی انقلاب ایران و انقلاب افغانستان را با فاکاهی روپرو سازند و حداقل از درون آن‌ها را مسخ کنند و به راه سازش و تسلیم یعنی به همان زندان وابستگی به دنیای سرمایه‌داری بکشانند.

ما اکنون شاهد آن هستیم که امپریالیسم آمریکا و یارانش یکی از بزرگ‌ترین تمرکز نیروهای نظامی و جنگ افزار را برای تجاوز در منطقه خلیج فارس گرد آورده‌اند و هر روز با حرکات تحریک آمیز و دست‌زدن به مانورهای نظامی در مصر و عربستان و عمان و اردن، محیط سیاسی این منطقه را متشنج‌تر می‌کنند و این محیط را برای تجاوز آشکار آمریکا به ایران آماده می‌سازند.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی  
پردامنه‌ترین اقدامات را برای درهم کوفتن انقلاب  
تدارک می‌بیند. کودتا در ترکیه، تحریک عراق بر  
تجاوز آشکار به ایران، تلاش برای سرهم کردن يك  
پیمان نظامی منطقه‌ای میان کشورهای خلیج فارس و  
دریای عمان علیه ایران، تلاش برای مسلح کردن  
رژیم‌های ارتجاعی عرب و پاکستان، تقویت پایگاه‌های  
نظامی و ایجاد پایگاه‌های تازه در ادور ایران، کمک  
نظامی بلاعوض و فوری ۵۰۰ میلیون دلاری به پاکستان  
و وام ۲۵ میلیارد دلاری بانک جهانی به این کشور،  
اقدام آشکار به مسلح کردن باندهای جنایتکار افغانی  
که به کارگردانی شاه مخلوع افغانستان و جتیارها و  
اویسی‌های افغانی و زیر نظر مستقیم عوامل «سیا» در  
پاکستان انجام می‌گیرد، همه و همه تدارکاتی هستند  
برای ایجاد يك حلقه آهنین ارتجاعی در اطراف ایران.

دیگوارسیا به بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا  
در سراسر جهان مبدل می‌شود و ارتش ۲۰۰ هزار نفری  
«واکنش سریع» ماموریت یافته است که حوزه عملیات  
خود را فقط به منطقه خلیج فارس محدود سازد. انگلیس  
آماده شده است که پایگاه نظامی عظیم خود را در  
قبرس در اختیار این ارتش تجاوزی قرار دهد. مذاکرات  
میان آمریکا و مصر و آمریکا و پاکستان برای ایجاد  
دو پایگاه نظامی جدید در آمریکا در این دو کشور در جریان  
است. این‌ها همه و همه اجزاء نقشه جهانی امپریالیسم  
جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب  
ایران و انقلاب افغانستان است که بنا به گفته



رشد می «تعادل» نیروها را در منطقه دگرگون  
کافی ند.

- جزء دیگر این نقشه تلاشی است که تمام  
دستگاههای وابسته به امپریالیسم خبری و کلیه عوامل  
وابسته به امپریالیسم آمریکا با کمک سازشکاران و  
تسلیم طلبان در ایران برای پیاده کردن «درهمود»  
برژینسکی در زمینه تیره کردن مناسبات ایران با اتحاد  
شوروی انجام می گیرد.

اکنون بیش از ۶۰ ناو جنگی آمریکا، فرانسه و  
انگلیس، ده ها هزار سرباز آمریکائی تربیت شده برای  
جنگ در شرایط ایران و آماده برای تجاوز در کنار  
ارتش های گوش به فرمان کشورهای وابسته، یعنی  
اسرائیل و مصر و عربستان و اردن و عمان و ترکیه و  
پاکستان هر روز اسلحه به رخ می کشند و هموار می طلبند.  
در آسیای جنوب شرقی امپریالیسم آمریکا و  
همدستانش یعنی اندونزی و مالزی و سنگاپور و به  
همیاری خائنین چینی، کشورهای ویتنام و کامبوج و  
لائوس را در محاصره گرفته و با تجاوز دائمی به  
سرحدات شمالی و شرقی آنها از چین و تایلند، تلاش  
می کنند تا خلق های تازه از بند رسته این کشورهای  
استعمارزده را از بازسازی میهن خود بازدارند. همین طور  
است اقدامات جنایت بار امپریالیستها در آفریقای سیاه،  
در منطقه کشورهای عربی و در آمریکای لاتین. ما  
مشخص ترین نمونه این سیاست جنایت بار را در  
السالوادور شاهد هستیم و می بینیم که قصاب های  
مزدور و اشنگتن با چه شقاوتی مبارزان راه استقلال و

آزادی این خلق کوچک را آماج مسلسل و بمب‌ناپالم  
قرار می‌دهند.

یکی دیگر از شکردهای محافل امپریالیستی برای  
ادامه تسلط خود بر کشورهای درحال رشد و خلق‌های  
محروم بهره‌گیری از هرگونه امکان برای ایجاد  
جنگ‌های محلی، برخوردهای نژادی و مذهبی و قومی  
و عشیره‌ای و هرچیز دیگر است. این ترفند تاریخی  
استعمار که «خلق‌ها را به‌جان هم‌انداز و بر آن‌ها حکومت  
کن»، در مقیاس‌های پهناتری امروز از طرف استعمار  
نوبه‌کار می‌رود. استعمار نو می‌داند که بی‌آمد این‌گونه  
نزاع‌ها، به ویژه اگر به صورت جنگ‌های تخریبی گسترش  
پیدا کند، در حال‌نا‌توان شدن نیروهای ضدا امپریالیستی  
و تحکیم مواضع استیلاجویان است. جنگ برادر کشی  
میان خلق‌هایی که زنجیر اسارت امپریالیسم بر دست و  
پای آنها است، جز سنگین‌تر کردن این زنجیر بی‌آمدی  
نمی‌تواند داشته باشد.

امپریالیسم و ارتجاع جهانی نظام‌های محکوم به  
مرگند و مانند ددهای زخم‌خورده با چنگ و دندان  
از زندگی جنایت‌بار خود دفاع می‌کنند. ولی نیروی  
عظیم خلق‌های محروم و توده‌های زحمتکشان سراسر  
جهان که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به حرکت  
درآمد، دیگر شکست‌ناپذیر است. این سیل عظیم  
که در این فاصله زمانی کوتاه، بخش چشم‌گیری از  
کاخ‌های هزاران ساله نظام جابرانه طبقات غارتگر را  
برانداخته است، هر روز منسجم‌تر، متحدتر و نیرومندتر  
می‌شود، دشمن را بهتر می‌شناسد و راه‌های مبارزه

برای ازباده آوردنش را دقیقتر محاسبه می‌کند و با گام‌های استوار و شتاب‌گیرنده به سوی پیروزی نهایی به‌پیش می‌تازد. مردم سراسر گیتی هر روز بیشتر درک می‌کنند که امپریالیسم و ارتجاع جهانی در آستانه فروپاشی تاریخی نظام غارتگر و جنایت‌بار خویش، آماده هرگونه جنایت تازه‌ای، هر اندازه هم برای تفکر انسانی غیر قابل تصور باشد، قرار دارند. تعجب آور نیست که یکی از این جرثومه‌های ناپاک مزدور امپریالیسم که در کودتای ۱۸ تیرماه شرکت داشت، اعتراف کرد که کودتاچیان در نظر داشتند به هر قیمت که تمام شود، نظام سیاه خود را بر ملت ایران تحمیل کنند و اگر ضرورت پیدا کنند، حتی ده میلیون نفر از مردم ایران را به خاک و خون بکشند.

مردم دنیا فراموش نکرده‌اند که جنگ دوم جهانی که از طرف امپریالیسم خودخواه با هدف نابود کردن اولین و یگانه کشور سوسیالیستی جهان قدارک دیده شد، ۵۰ میلیون کشته و بیش از همین تعداد معلول به‌جای گذاشت. مردم دنیا هر روز بیشتر به این حقیقت پی‌می‌برند که فاجعه جنگ اتمی که از طرف امپریالیستها قدارک دیده میشود در همان يك ساعت نخست آغاز جنگ صدها میلیون نفر را به قتلگاه خواهد فرستاد. همین شناخت روزافزون است که جبهه مبارزان راه‌تأمین صلح جهانی و هواداران فعال جلوگیری از فاجعه جنگ اتمی را نیرومندتر می‌سازد. هواداران دگرگونی-های اجتماعی به‌سود توده‌های زحمتکش در سراسر جهان هر روز به‌طور بارزتری به اهمیت مبارزه در راه

صلح که عنصر مهم آن مبارزه در راه جلوگیری از  
دسائس امپریالیست‌ها به منظور دامن‌زدن به تشنج  
فضای سیاسی جهان است، پی‌می‌برند و در این مبارزه  
شرکت می‌کنند. خلق‌های هنوز در بند کشورهای  
محروم هر روز بهتر درمی‌یابند که بهترین و شایسته‌ترین  
شرایط پیروزی مبارزه آنان برای پاره کردن زنجیرهای  
اسارت، وجود فضای صلح در جو سیاسی جهان است.

این واقعیتی است که بزرگ‌ترین موج پیروزی  
جنبش‌های رهائی‌بخش ملی در سال‌های ۷۰ هم‌زمان بود  
با کم‌تشنج‌ترین دوران‌های سیاست پس از جنگ دوم  
جهانی. هر قدر محیط سیاسی جهان کم‌تشنج‌تر باشد،  
امکانات پیروزی خلق‌ها علیه فشار غارتگرانه استعمارنو،  
افزایش می‌یابد. درست به همین دلیل است که  
امپریالیست‌های جهان‌خوار و به‌ویژه انحصارهای نظامی  
- صنعتی امپریالیستی از فضای بدون تشنج، از آرامش  
بین‌المللی، از پیشرفت هواداران صلح جهانی و حمیت  
تب‌آلود دارند و با تمام نیروی جهنمی تبلیغاتی خود،  
علیه آن تلاش می‌کنند. این گفته دالس، شیطان  
بزرگ سیاست تجاوزکارانه امپریالیستی ایالات متحده  
آمریکا در سال‌های ۵۰ درباره ضرورت ایجاد جنگ  
سرد نشان‌دهنده بی‌تفسیر این واقعیت است. دالس  
بی‌رودربایستی و بی‌پروا اظهار داشت:

«برای آن که ما کشور را مجبور کنیم  
بار سنگینی را که نگاه‌داری یک ارتش نیرومند  
ایجاب می‌کند، به دوش بکشند، لازم است که  
جو هیجان‌انگیزی شبیه اوضاع روانی دوران

جنگ بوجود آوریم. ضروری است این تصور را خلق کنیم که گویا کشور در معرض تهدید خارجی است.

این گفتار به بهترین وجهی، معرف آن جنجال تبلیغاتی امپریالیستی است که زیر پوشش «خطر کمونیزم»، «خطر شوروی»، سالیانه صدها میلیارد دلار بودجه جنگی را به خلقهای جهان تحمیل می کند و به موازات تحمیل این هزینه سنگین که از بزرگ ترین منابع غارتگری انحصارهای دستگاه نظامی - صنعتی کشورهای غربی است، ارتجاع سیاه و با دستیاری آن، وابستگی تزلزل ناپذیر کشورهای در حال رشد به انحصارهای امپریالیستی را، مسلط می سازد.

در تابستان سال ۱۹۷۹ یعنی همان دورانی که سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا به طور محسوس در راه تشدید تشنجات جهانی شتاب گرفت، وزیر دفاع آمریکا با روشنی حیرت انگیزی این سیاست را در يك جمله کوتاه توصیف کرد. آقای براون در يك مصاحبه با مجله یونایتد استیتس نیوزاندورلدریپورت اعلام کرد:

«من فکر می کنم که ما داریم از زخمی که بر اثر جنگ ویتنام برداشتیم، یعنی تشدید تمایلات ضد جنگ، شفا می یابیم».

این گفتار روشن يك جنگ طلب و تجاوزکار حرفه ای، یعنی همان فردی که گرداننده عمده حمله به طبرس و کودتای نوژه در میهن ما و صدها توطئه نظیر آن در سراسر جهان بوده، نشان می دهد که چگونه

«تعمیلات ضد جنگ» مانند زخمی دردناک بر بدن غارتگران  
امپریالیست احساس می‌شده و می‌شود.

درست به همین علت است که خلق‌ها می‌دانند که  
نگهداری از صلح جهانی، تلاش در تثبیت و تحکیم و  
گسترش دستاوردهای تشنج‌زدایی، تلاش برای ضربت‌زدن  
به امپریالیسم و ارتجاع به صورت تمامین پیروزی  
جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در راه استقلال و آزادی  
و پیشرفت اجتماعی در کشورهای محروم، تلاش برای  
ریشه‌کن کردن هرگونه وابستگی سیاسی و نظامی و  
اقتصادی و فرهنگی به امپریالیسم و پایان‌دادن به هرگونه  
تظاهر ارتجاع، همه و همه زخمهایی است که بر بدن  
نظام غارتگر محکوم به مرگ امپریالیستی و استعمارنو  
که آخرین تظاهر خارجی آن است، وارد می‌آید.

ولی دوران ما، دوران پیشرفت ظفر نمون جنبه  
جهانی نیروهای ضد امپریالیستی است؛ دوران ما،  
دوران شکوفائی روزافزون اقتصاد و فرهنگ در  
کشورهای سوسیالیستی و در کشورهای ازبند رسته‌ای است  
که راه رشد غیر سرمایه‌داری و یاسمت‌گیری سوسیالیستی  
را برگزیده‌اند؛ دوران پیروزی هر روز پهناورتر و  
ژرف‌تر جنبش‌های رهایی‌بخش ملی با آماج روشن  
پایان‌بخشیدن به هرگونه تسلط و تجاوز نو استعماری  
امپریالیسم جهانی است. دوران ما، دورانی است که  
تفوق قدرت نظامی سرکوب‌گر امپریالیسم جهانی پایان  
یافته و ماجراجوئی‌های محافل استیلاگر امپریالیستی  
هر روز بیشتر به شدیدترین وجه در مناطقی مانند ویتنام،  
آفریقای سیاه، ایران و افغانستان مجازات می‌گردد.

دوران جولاندهی غارتگران استعمارگر مدت‌ها است  
 سپری شده و هر روز که می‌گذرد امکانات جولاندهی  
 این محافل محدودتر و محدودتر می‌شود.  
 حماسه‌تحمین‌آفرین مبارزان راه‌استقلال و آزادی  
 و پیشرفت اجتماعی در ایران، صفحه‌درخشانی در تاریخ  
 پرافتخار نبرد خلق‌های محروم جهان علیه استعمار و  
 استثمار و عقب‌ماندگی گشوده است. مسامبارزان  
 توده‌ای سربلندیم که در این حماسه تاریخی خلق‌های  
 میهن‌مان شرکت فعال داشته و همیشه در اولین صفوف  
 این نبرد تاریخی کام‌برداشته‌ایم.

## دور ویداد مهم در سیاست جهانی

درارتباط با همه این مسائل جهانی بجااست که  
 به دو رویداد مهم دوران اخیر توجه ویژه‌ای بنمائیم.  
 یکی انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و دیگری  
 کنگره بیست‌وششم حزب کمونیست اتحاد شوروی.  
 با این دو رویداد واقعیت و ماهیت دو روش و دوبرخورد  
 متضاد در میدان سیاست جهانی باروشنی‌خیره‌کننده‌ای  
 دربرابر چشم جهانیان قرار گرفت.

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا که در آن  
 نماینده سیاست جنگ، تجاوز، تبعیض‌نژادی، غارت  
 ثروت‌های ملی میلیاردها ساکنین کشورهای «جهان‌سوم»  
 با کمی بیش از ۲۶ درصد آراء مردم آمریکا به کاخ  
 سفید راه یافت، گویای این واقعیت بود که امپریالیسم  
 جهانی و در زاس آن امپریالیسم آمریکا بادشواری‌های  
 کمرشکنی که محصول انواع بحران‌های سیاسی و

اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است، روبرو گشته و تنها امیدش بر آن است که با تشدید تشنجات بین‌المللی، با توسل به شیوه‌های دوران «جنگ سرد»، با اقدامات تجاوزکارانه نظامی، با ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای برای منحرف کردن افکار عمومی، با توسعه هرچه بیشتر مسابقه تسلیحاتی، با تقویت نیروهای ارتجاعی دزسراسر جهان جلوی سیل عظیم تاریخ را که پایه‌های سلطه جابرانه و غارتگرانه انحصارهای سرمایه‌داری را متزلزل ساخته و هر روز تکه‌ای از این پایه را ویران می‌سازد، سد کند.

بنیادین  
تاریخ

در برابر این رویداد، کنگره بیست‌وششم حزب کمونیست اتحاد شوروی با استحکامی تزلزل‌ناپذیر این واقعیت تاریخی را یکبار دیگر تأیید کرد که نظام نوین سوسیالیستی، نظامی که گورکن سرمایه‌داری انحصاری است، هر روز با گام‌های استوار به سوی شکوفائی بیشتر و بیشتر پیش می‌رود، هیچگونه بحرانی تهدیدش نمی‌کند و جامعه کشورهای سوسیالیستی به نیروی تعیین‌کننده تحول آینده جهان ما، نیروی پاسدار و نگهدار صلح جهانی، نیروی ترمزکننده تجاوزات امپریالیستی، نیروی پشتیبانی عظیم برای خلق‌هایی که برای به دست آوردن استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی بپا خاسته‌اند، مبدل گردیده است.

در کنگره بیست‌وششم حزب کمونیست اتحاد شوروی برنامه شکوفائی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور شوراها برای ۵ سال و ۱۰ سال آینده مورد تأیید قرار گرفت. این برنامه حاکی است که در آینده



نیز رشد و گسترش و شکوفائی جامعهٔ سوسیالیستی شوروی بدون وقفه و بدون بحران ادامه خواهد یافت و برتری نظام سوسیالیستی در جهان بر نظام پوسیدهٔ سرمایه‌داری باروشنی بازم بیشتر در برابر چشم جهانیان قرار خواهد گرفت.

درست در مقابل این برنامه اطمینان بخش است که وضع اقتصادی در حال رکود و مناسبات اجتماعی و فرهنگی و معنوی در حال انحطاط جوامع سرمایه‌داری بیشتر به چشم می‌خورد. آمریکا و اروپای غربی و ژاپن و سایر کشورهای وابسته به امپریالیسم جهانی چیزی جز بحران‌های گوناگون در افق آیندهٔ جوامع خود عرضه نمی‌کنند. انحطاط اخلاقی و معنوی در این کشورها باشتاب سهمگینی رو به افزایش است و مانند طاعونی گسترش می‌یابد. در ایالات متحدهٔ آمریکا، کشور «رهبر» جهان امپریالیستی، درصد «تورم» در زمینهٔ اعتیاد به مواد مخدر، دزدی و جنایت و فحشاء و آهنگ تسلط مافیا بر ارگان‌های دولتی باشتابی بیش از تورم اقتصادی و افزایش بیکاری به پیش می‌تازد.

در ارتباط با جنبشهای رهایی‌بخش ملی و مقاومتیهای ضد امپریالیستی در «جهان سوم» نیز این دو رویداد مظهر دو برخورد متضاد بودند. رئیس‌جمهور آمریکا بلافاصله پس از «جلوس» بر تخت فرمانروائی، این جنبش‌ها و هرگونه مقاومتی را در برابر امپریالیسم در هر گوشه جهان با اتهام «تروریسم» مورد اوپاشانه‌ترین ناسزاها قرار داد و به همهٔ آنها، از انقلاب ایران و افغانستان گرفته تا جنبش فلسطین و قیام السالوادور

وقیحانه اعلان جنگ داد و پشتیبانی بی‌دریغ خود را از صهیونیست‌های اسرائیل، نژادپرستان آفریقای جنوبی، فاشیست‌های شیلی و تمام رژیم‌های ارتجاعی جهان بی‌پرده اعلام داشت.

ولی در کنگره بیست‌وششم حزب کمونیست اتحاد شوروی با موضع‌گیری کاملاً متضادی روبرو هستیم. در این کنگره، رهبران اتحاد شوروی باردیکر پشتیبانی بی‌دریغ و همه‌جانبه خود را از همه جنبش‌های رهائی‌بخش ملی در جهت تأمین استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی با قاطعیت تمام تأکید کردند.

در مسئله حیاتی صلح جهانی و کاهش وخامت نیز با دوبرخورد کاملاً متضاد مواجه هستیم. رئیس‌جمهور آمریکا برای ترمز کردن پیشرفت امرتنش‌زدائی، دوران «جنگ سرد» جدیدی را آغاز می‌کند و تهیه جنایت‌بارترین جنگ‌افزار برای نابودی دسته‌جمعی مردم جهان، یعنی بمب فوترونی را در دستور کار دولت خود قرار می‌دهد و می‌کوشد تا اروپای غربی را با شبکه‌ای از موشک‌های اتمی مرگ‌آور بیوشاند.

ولی در مقابل، رهبری اتحاد شوروی در جهت پشتیبانی و تقویت روند تشنج‌زدایی و رویارویی مردم جهان با تهدید جنگ اتمی جهانی پیشنهادهای جدیدی که حتی برای غرب هم غیرمنتظره بود، مطرح می‌نماید که طبق آن منطقه آزاد از سلاح‌های اتمی بایسد از اروپای غربی تا تمام بخش اروپائی اتحاد شوروی یعنی تا سرحد اورال گسترش یابد.

رئیس‌جمهور آمریکا و رهبر اتحاد شوروی به‌طور چشم‌گیری بیان‌گر دو محتوای متضاد دو اردوگاه جهانی، یعنی اردوگاه جهانی تجاوز و جنایت امپریالیستی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا و اردوگاه سوسیالیستی خواهان صلح و دوستی و پیشرفت اجتماعی همه‌مخلوق‌ها است.

رئیس‌جمهور آمریکا که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را جنایتکار و آدمکش نامیده، در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ۱۳۵۹) درباره جمهوری اسلامی ایران چنین ارزیابی می‌کند:

«قبل از هر چیز باید مشخص شود که آیا اصولاً در ایران دولتی وجود دارد؟ من شخصاً به این موضوع شک دارم. من آرزو داشتم که در ایران روشنفکران و سیاستمداران قابل‌حکومت را در دست گیرند. آنوقت بله، من فکر می‌کنم که یک دلیل قانونی وجود داشت که ما با ایران پیوند برقرار کنیم... من شک دارم که هنوز هم آیت‌الله خمینی به‌عنوان رئیس حکومت تلقی شود...».

او در گفتار دیگری باز این‌طور اظهار عقیده می‌کند: «من شک دارم که در ایران دولتی وجود داشته باشد. برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است که عناصر میانه‌روتري در ایران روی کار آیند».

این‌هاست ارزیابی‌های هنرپیشه فیلم‌های

«بزن بکشی» هالیوود درباره انقلاب ایران! ۸۴

در برابر این ارزیابی، موضعگیری رهبر شوروی در گزارش به کنکره بیست و ششم قرار می‌گیرد. لتونید بر ژنرف دربر آمد خود در کنکره، در مورد انقلاب ایران چنین ارزیابی می‌کند:

«انقلاب ایران رویدادی بس مهم در حیات بین‌المللی در سال‌های اخیر بود که دارای ویژگی‌های خویش است. انقلاب ایران با همه پیچیدگی‌ها و تناقضات خود، انقلابی است در اساس ضد امپریالیستی، هر چند ارتجاع داخلی و خارجی تلاش می‌ورزند تا ماهیت این انقلاب را دگرگون سازند. مردم ایران راه خاص خود را برای نیل به آزادی و شکوفائی می‌پیمایند. ما از صمیم قلب خواستار موفقیت مردم ایران در این راه هستیم و آماده‌ایم که مناسبات حسنه خود را با ایران بر پایه اصل برابری حقوق و طبعا از راه اقدامات متقابل گسترش دهیم.»

گمان می‌رود که این داستانی است بدون شرح و احتیاج به هیچگونه تفسیری ندارد و نشان می‌دهد که کدام نیرو دشمن سوگند خورده و آشتی‌ناپذیر و کدام نیرو پشتیبان بی‌دریغ انقلاب شکوهمند میهن‌ماست.

## بخش دوم

# فعالیت رهبری حزب در فاصله میان پلنوم ۱۷۹۱۶

در گزارش هیئت اجرائیه به پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی ارزیابی شده بود که دوران بین پلنوم پانزدهم و پلنوم شانزدهم یکی از طوفانی‌ترین دورانهای میهن ما بود. اکنون که دوسال از آن تاریخ میگذرد، می‌توان گفت که این ارزیابی برای دوسال گذشته هم در همه ابعاد، ارزش خود را نگاه داشته است. واقعیت این است که ما طوفانی‌ترین ادوار تاریخ کهن - سال خود را می‌گذرانیم. ما شاهد آن هستیم که نظامی کهنه مانند دوران زلزله از هم فرو می‌ریزد و نطفه‌های نظامی تازه پدید می‌آید و جان می‌گیرد. ما شاهد آن هستیم که نظامی برپایه استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی استوار می‌شود و نبردی پرشور میان نو و کهنه در همه میدان‌های زندگی اجتماعی در جریان است.

حزب توده ایران در پیامد پیروزی انقلاب شکوهمند میهن مان پس از تحمل ۳۰ سال محرومیت و اختناق،

دوباره امکان یافت فعالیت آزاد و قانونی خود را از سر گیرد. فعالیت دوران نوین حزب، در شرایطی بسیار دشوار آغاز گردید. امروز می‌توانیم بگوئیم که با در نظر گرفتن این شرایط استثنایی دشوار، نبرد مبارزان توده‌ای در این دوران دوساله در واقع یکی از درخشان‌ترین بخش‌های تاریخ ۴۰ ساله مبارزات حزب ما و تاریخ بیش از ۷۰ ساله مبارزات پیروان سوسیالیسم علمی، مبارزان آگاه راه طبقه کارگر ایران را تدوین کرده است.

هیئت سیاسی تمام توان خود را در راه اجرای همه‌جانبه رهنمودهای پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی به کار انداخت و اکنون نتیجه این تلاش را به‌طور مختصر در معرض بررسی پلنوم قرار می‌دهد.

## ۱. فعالیت سیاسی

فعالیت دوران جدید حزب ما در جوی بسیار نا- مساعد برای حزب، آغاز گردید. این جو به هیچ‌وجه خلق‌الساعه نبود و در حقیقت محصول مجموعه عواملی بود که طی ۳۰ سال گذشته در جهت ایجاد پیش- داوری‌های منفی، تردیدآمیز، غیر دوستانه تا حد دشمنانه نسبت به جامعه کشورهای سوسیالیستی و بویژه نسبت به اتحاد شوروی، نسبت به مارکسیسم - لنینیسم به‌عنوان جهان‌بینی نو در جهان و در ارتباط با آنها نسبت به حزب ما در افکار عمومی مردم اثر گذاشته بودند. این جو محصول عوامل زیرین بود:

- تاثیر گمراه کننده ۶۰ سال تبلیغات زهر آکین نظام وابسته و سرسپرده بزرگ مالکان و کلان- سرمایه داران که دستگاه فاسد خائن وطن فروش خاندان پهلوی بر راس آن قرار داشت. این نظام که جنبش توده ای ما را بزرگ ترین دشمن تاریخی خود می دانست، در طی این مدت دراز در هر دوره به اندازه ای که در توانش بود برای بدنام کردن و سرکوب و ریشه کن ساختن این جنبش از هیچ جنایتی فروگذار نکرد و به ویژه در ۲۵ سال پس از ۲۸ مرداد که با کمک دستگاه جهانی ساواک قدرت مطلقه را به دست آورد، این تلاش در همه زمینه ها به اوج خود رسید.

- تاثیر گمراه کننده ملی گرایان وابسته به سرمایه داری ملی یعنی بازماندگان جبهه ملی که به راه دکتر مصدق پشت کرده و برای دفاع از سرمایه داری محبوب شان با امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه از در سازش درآمدند. این دارودسته برای پوشاندن سازش و تسلیم فنکین خود و با استفاده از تریبون آزادی که در این زمینه رژیم ساواکی در اختیارش می گذاشت، می کوشید مسئولیت سنگین خود را در شکست جنبش ملی و ضد امپریالیستی سال های ۳۲-۲۸ بپوشاند و آمریکا را از زیر ضربه اصلی به عنوان جنایتکار و دشمن شماره یک استقلال و آزادی میهن ما خارج سازد و تمام مسئولیت شکست ۲۸ مرداد را علیه آن نیرویی متوجه کنند که صرف نظر از اشتباهاتش در دوران

اول فعالیت دکتر مصدق، در بحرانی‌ترین و حساس‌ترین -  
دوران یعنی در فاصله زمانی بین ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و ۲۸  
مرداد ۱۳۳۲، فعال‌ترین و موثرترین پشتیبان موضع‌گیری  
ضد امپریالیستی دکتر مصدق بود و درست به همین  
علت با شکست ۲۸ مرداد آماج شدیدترین فشار  
سیاسی دستگاه سرسپرده رژیم کودتاچیان قرار گرفت.  
کافی است گفته شود که پس از ۲۸ مرداد، بیش از  
۴ هزار نفر از افراد حزب توده ایران بازداشت شدند  
که از آنها ده‌ها نفر اعدام و بقیه از چند سال تا چند  
ده سال در زندانهای ساواک ماندند. ولی تعداد زندانیان و  
محکومین جنبه ملی از تعداد انکشتان دست هم  
تجاوز نکرد.

- وجود يك کمونیسم‌ستیزی دوگانه بسیار شدید  
یعنی کمونیسم‌ستیزی از دیدگاه تعصبات مذهبی و  
کمونیسم‌ستیزی از دیدگاه سرمایه‌داری که این خود  
بخشی به صورت کمونیسم‌ستیزی گروه‌های غرب‌زده  
تربیت شده و ساخته و پرداخته آمریکا و اروپای غربی  
و بخشی به طور ساده به صورت کمونیسم‌ستیزی اقشار  
مرفه سرمایه‌داری متوسط و کوچک جامعه ایران تجلی  
می‌کرد.

- نفوذ مائوئیسم و افکار منحرف شبه‌مائوئیستی  
در قشر قابل توجهی از نسل جوان مبارز ضد امپریالیست  
که به صورت يك شوروی‌ستیزی بیمارگون گسترش  
یافته و از همین دیدگاه موضع دشمنانه‌ای علیه حزب  
توده ایران که به سمت‌گیری‌های راستین



انترناسیونالیستی اش پای بندی نشان می داد، اتخاذ کرده بودند. مبارزه اصولی حزب ما با موضع گیری های انحرافی و اشتباه آمیز این گروه ها در دوران اوج گیری جنبش انقلابی معاصر این دشمنی را به کینه آشتی ناپذیر رسانده بود.

- باید افزود که نقش خائنین و مرتدان از جنبش توده ای، چه آنها که در دوران اختناق از خود ضعف نشان دادند و به دشمن تسلیم شدند و چه آنها که در منجلاب مائوئیسم سقوط کردند و امروز در صفوف اول نیروهای ضد انقلابی گام برمی دارند، در ایجاد این جو نامساعد برای حزب، تاثیر زیادی داشته است. - به همه این عوامل ناحق باید عامل دیگری را که محصول اشتباهات حزب ما در دوران سال های ۲۹-۳۱ یعنی در آغاز جنبش میهنی برای ملی کردن نفت است و نیز ضعف هایی را که بخشی از افراد رهبری و مسئولان حزب پس از ۲۸ مرداد نشان دادند و کمبودها و نارسایی هایی که در کار حزب ما در دوران سیاه اختناق تا سال ۱۳۵۱ وجود داشت و از آن جمله موفقیت ساواک در مسلط شدن به بخشی از سازمان مخفی حزب در این دوران را اضافه کرد.

در چنین جو نامساعدی حزب ما دوران جدید فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرد و امروز کم تر کسی هست که تردید داشته باشد که این فعالیت علی رغم این دشواری ها و دشواری های تازه ای که طی این دو سال پدید آمد، کامیابی های چشم گیری به دست آورده است. ۹۰

در این میدان فعالیت، رهبری حزب کوشید، رهنمودهای درست و منطبق با واقعیت انقلاب میهنمان را در عین پایبندی تزلزل ناپذیر به اصول، با نرمش کامل در جریان عمل سیاسی خود پیاده کند. پلنوم شانزدهم سمت‌گیری عمده فعالیت سیاسی حزب را چنین تعیین کرده بود:

«اولین و مهم‌ترین وظیفه حزب ما در این زمینه (فعالیت سیاسی)، کوشش در این راه است که با همکاری همه‌جانبه با همه نیروهای راستین انقلابی خلق ما و در درجه اول با نیروهایی که تحت رهبری آیت‌الله خمینی قرار دارند، نهال جوان پیروزی به دست آمده را، که با خون ده‌ها هزار مبارز قهرمان‌آیاری شده است، تحکیم کند و این نهال را هر روز ریشه‌دارتر و بارآورتر سازد.

باید با تمام نیرو بکوشیم این کامیابی بزرگ تاریخی را که بدون تردید دارای برد عظیم جهانی است، بازگشت ناپذیر کنیم. در این راه باید به‌ویژه از تاریخ معاصر جنبش انقلابی ایران، از انقلاب مشروطیت تا کنون و همچنین از جنبش‌های انقلابی سایر خلق‌ها، چه آن‌هایی که پرچم پیروزی را در کشورهای خود برافراشته و چه آن‌هایی که با ناکامی و شکست روبرو گشته‌اند، بیاموزیم و باز هم بیاموزیم».

رهبری حزب با پیروی دقیق و همه‌جانبه و با ارزیابی علمی از واقعیت انقلاب ایران به این نتیجه رسید که از خط امام خمینی پشتیبانی کند. ما عناصر عمده و تعیین‌کننده پنج‌گانه زیر را در این خط تشخیص دادیم و زندگی دوساله نشان داد که ما در این تشخیص خود اشتباه نکرده‌ایم. چنین‌اند آن پنج عنصر:

۱- سمت‌گیری قاطع و تزلزل‌ناپذیر در جهت پایان دادن به تسلط همه‌جانبه سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا؛

۲- سمت‌گیری قاطع برای ریشه‌کن ساختن نظام استبداد شاهنشاهی و درهم‌کوبیدن پایه‌های بازگشت آن؛

۳- سمت‌گیری در جهت تامین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی برای نیروهای هوادار انقلاب که همیشه از آزادی محروم بوده‌اند یعنی همان محرومان شهر و روستا. کوخ‌نشینان و مستضعفان؛

۴- سمت‌گیری در جهت ضرورت دگرگونی‌های بنیادی در نظام غارتگر اقتصادی و اجتماعی جامعه به‌سود غارت‌شدگان و به‌زیان چاول‌گران و دزدان ثروت‌های ملی و دسترنج زحمتکشان شهر و روستا؛

۵- تکیه پیگیر بر لزوم اتحاد همه نیروهای راستین خلق برای رسیدن به آماج‌های چهارگانه بالا. حزب توده ایران از مدت‌ها پیش از پیروزی انقلاب به این نتیجه رسید که در این خط بسیاری از خواست‌های مردم زحمتکشان میهن ما بازتاب یافته است و تصمیم

گرفت با تمام نیروی خود برای کامیابی‌اش از آن پشتیبانی کند.

بدین‌سان مبارزه برای پیشرفت درجهت این هدف‌ها و مبارزه برای ایجاد وحدت‌عمل با سمت‌گیری درجهت تشکیل جبهه متحد خلق به‌صورت خط اصلی فعالیت سیاسی حزب تبلور یافت. براساس این سمت‌گیری، کوشش حزب در همه زمینه‌ها در این جهت بود که با دیگر نیروهای راستین هوادار انقلاب که به‌طور عمده در جهت رسیدن به این هدف‌ها عمل می‌کنند، اعم از نیروهایی که زیر پرچم اسلام و به‌پروی از امام خمینی مبارزه می‌کنند یا سایر نیروهایی که در مواضع ملی‌گرایی انقلابی و یا هواداری راستین از سوسیالیسم علمی قرار دارند، چو تفاهم و همکاری بوجود آوریم.

امروز شاهد این واقعیت هستیم که در این زمینه‌ها علی‌رغم همه دشواری‌های ناشی از پیش‌داوری‌های نامساعد برای حرکت به‌سوی چنین آماجی، علی‌رغم دسایس رنگارنگ دشمنان انقلاب یعنی ضد انقلاب ساواکی - «آریامهری»، بقایای طبقات حاکمه غارتگر و ستون پنجم امپریالیسم در چهره چپ‌نمایان آمریکائی (بیکار و رنجبر) و علی‌رغم انحصارطلبی‌ها و خودمجبوربینی‌های گروه‌ها و شخصیت‌های با نفوذ در صفوف نیروهای انقلابی، پیشرفت‌های محسوسی نصیب تلاش خستگی‌ناپذیر ما برای وحدت‌عمل گردیده است.

کافی است به برنامه پیشنهادی حزب ما برای  
جبهه متحد خلق نگاه کنیم. به آسانی در خواهیم  
یافت که بسیاری از هدفهای این برنامه اکنون انجام  
گرفته و یا در حال انجام است و برخی از آنها به  
صورت شعار و خواست وسیع‌ترین طیف نیروهای  
هوادار انقلاب که بازتاب خواست‌های توده‌های ده‌ها  
میلیونی زحمتکشان است، درآمده است.

بر اساس این سمت‌گیری سیاسی، حزب توده  
ایران در فروردین براندازی نظام پوسیده سلطنتی و  
استقرار جمهوری اسلامی شرکت کرد. در انتخابات  
مجلس خبرگان با نظریات روشن و پیشنهادهای مشخص  
برای تکمیل طرح تهیه شده برای قانون اساسی شرکت  
کرد، و بالاخره با حفظ نظریات انتقادی و اصلاحی  
خود قانون اساسی تدوین شده از طرف مجلس خبرگان  
را مورد تایید قرارداد.

علی‌رغم هو و جنجال تبلیغاتی که از سوی مخالفان  
و معاندان و دشمنان حزب ما علیه این سمت‌گیری  
سیاسی حزب بوجود آمد و دامن زده شد، امروز که  
دو سال از انقلاب گذشته است، درستی دقیق و بی‌خدشه  
این سمت‌گیری، بسیاری از کسانی را که مدت طولانی  
آنها را تخطئه می‌کردند قانع ساخته و به‌طور محسوس  
به‌بالارفتن حیثیت سیاسی حزب ما در جامعه ایران  
کمک کرده است. یکی از کامیاب‌ترین بخش‌های  
مبارزات سیاسی حزب، افضاء ماهیت سازشکار و  
تسلیم‌طلب بورژوازی لیبرال است که با بهره‌گیری

از پوشش اسلامی و شرکت لنگ‌لنگان مشروط و محدود خود در مبارزهٔ خلق، علیه «استبداد» - و تنها علیه استبداد - پس از انقلاب مواضع مهمی را در رهبری کشور به دست آورد و از این مواضع یعنی از مواضع دولت موقت «گام به گام» کوشید که انقلاب را از هدف‌های اصلیش منحرف سازد و به کوره راه سازش، نه تنها با امپریالیسم جهانی، بلکه با باقی مانده‌های نظام «آریامهری»، یعنی سرمایه‌داران و مالکان غارتگر فراری از کشور، بکشانند.

این مبارزه همان‌طور که سند تصویب شده گزارش پلنوم شانزدهم حزب نشان می‌دهد، از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب آغاز گردید. مدت‌ها حزب ما در این میدان مبارزه تنها بود، ولی گذشت زمان، تجربه مبارزاتی نیروهای راستین هوادار انقلاب، و موضع‌گیری‌های سازشکارانه و تسلیم‌طلبانه سرمایه‌داری لیبرال و مشکلات روزافزون ناشی از عمل اقتصادی موریانه‌وار سرمایه‌داری لیبرال در مجموعه اقتصاد کشور، لزوم مبارزه برای کوتاه کردن دست این سازشکاران را از مواضع قدرت‌حاکمه و قدرت اقتصادی، به شعار میرم و وسیع‌ترین طیف نیروهای انقلابی مبدل ساخته است.

در چارچوب همین موضع‌گیری بود که رهبری حزب اقدام جسورانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را از همان اولین لحظه به عنوان یک عمل عمیقاً انقلابی در جهت تشدید مبارزه با امپریالیسم آمریکا - دشمن شماره یک انقلاب شکوهمندمان -، مبارزه با سازشکاران و تسلیم‌طلبان که تا حد آغاز زدوبند با

برژینسکی، کین توزترین توطئه‌گر ضدانقلاب ایران، پیشرفته بودند، ارزیابی کرد و از آن‌طی تمام دوران و در برابر حملاتی که از طرف امپریالیست‌ها، ضد انقلاب و سازشکاران رانده شده از قدرت دولتی، بر آنها وارد میشد، پشتیبانی کرد.

اسناد افشاگرانه‌ای که در جاسوسخانه آمریکا یعنی ستاد تدارک کودتای ضدانقلابی برای برانداختن رژیم جمهوری اسلامی پیدا شد و انتشار یافت، با دقت بی‌نظیری درستی نظریات حزب ما را در زمینه دامنه توطئه براندازی امپریالیست‌ها و ضدانقلاب و نقش مزورانه سرمایه‌داری لیبرال در زمینه هموار ساختن راه بازگشت وابستگی به امپریالیسم، نشان داد. درست به همین علت است که این افشاگری‌ها تا این حد مورد پشتیبانی توده‌های وسیع محرومان جامعه از یکسو و مورد کینه و دشمنی آشکار نیروهای ضد خلقی از سوی دیگر قرار گرفته‌اند. حزب ما حق دارد به سهم به‌سنزایی که در این مبارزه داشته است، بی‌الد.

سومین بخش بسیار مهم در فعالیت سیاسی حزب، مبارزه پیگیر و آشتی‌ناپذیر ما با توطئه‌های ضدانقلاب، مبارزه برای تجهیز نیروهای مبارز خلق برای رویارویی و درهم‌شکستن این توطئه‌ها بوده است.

افراد و هواداران حزب ما با تلاش شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر خود در این میدان نبرد که در موارد بسیاری تا حد به‌خطر انداختن مسلم جان خود بوده

است، توانستند با وجود امکانات بی‌اندازه محدود علی‌رغم تمام دشواری‌هایی که از طرف نیروهای انحصارطلب و چماقداران، از راست و «چپ»، در راه فعالیت آزاد حزب ما ایجاد می‌شد، کمک‌های بسیار گرانبها و شایانی در زمینه کشف و خنثی کردن خطرناک‌ترین توطئه‌های دشمنان انقلاب به‌نهادهای انقلابی برسانند. ما در این زمینه وظیفه انقلابی‌خویش را انجام داده و می‌دهیم و به‌همین دلیل هم به‌نتایج مثبت آن و نه به‌امکان بهره‌گیری از آن برای تبلیغات اهمیت می‌دهیم. تنها در این چارچوب، ناچار از تکرار این واقعت هستیم که برخی شخصیت‌ها و گاهی ارگان‌های سیاسی، علی‌رغم آگاهی کامل به‌واقعت پشتیبانی بی‌دریغ حزب ما از انقلاب، می‌کوشند با تکرار رذیله‌ترین اتهامات ساواکی‌ها و تسلیم‌طلبان آمریکا زده مائوئیست، صداقت حزب ما را در این مبارزه مورد تردید و یا درسایه قرار دهند. ولی ما مبارزان پیرو سوسیالیسم علمی، بیش از صدوسی‌سال تجربه مستقیم مبارزه زیرچوبه‌دار، زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسا، زندگی در زندان‌های مخوف، زندگی زیر رگبار بدون انقطاع پست‌ترین اتهامات و افتراها را گذرانده‌ایم و این تجربه تاریخی را داریم که دروغ و تهمت و افترا، هراندازه هم که ظاهری مردم فریب داشته باشد، بالاخره در مقابل تاریخ رسوا خواهد شد. همین اطمینان تزلزل‌ناپذیر است که مبارزان پیگیر راه آزادی طبقه کارگر را مانند پولاد آبدیده می‌کنند.



در چهارچوب مبارزه برای افشای توطئه‌های رنگارنگ امپریالیستها و ضدانقلاب باید به مبارزه‌ای که حزب ما برای نشان دادن چهره واقعی «چپ» آمریکائی، یعنی گروهک‌های مائوئیست و شبه مائوئیست و تروتسکیست انجام داده است، اشاره کنیم. کامیابی حزب ما در این زمینه بدون تردید چشم گیر است. امروز «مائوئیست» در قاموس طیف وسیعی از نیروهای راستین انقلاب به ستون پنجم آمریکا و خائن به انقلاب شکوهمند میهن ما اطلاق می‌شود و آن قدر ننگین است که مائوئیست‌ها جرأت ندارند بگویند مائوئیست هستند و با انواع نام‌های پرطمطراق و مردم فریب خود را معرفی می‌کنند.

یکی از جنبه‌های قابل ستایش فعالیت سیاسی حزب ما در دوران اخیر شرکت فعال حزب در مقاومت خلقی در برابر تجاوز نظامی جنایت‌بار آمریکائی-صدامی به میهن ماست. ما از همان ماه‌های اول پیروزی انقلاب، توطئه‌ای را که بالاخره در شهریور ۱۳۵۹ به صورت تجاوز نظامی عراق به مرحله اجرا درآمد، افشا کردیم و هشدار دادیم. با کمال تأسف به این هشدارهای حزب ما ظاهراً کوچک‌ترین توجهی از طرف مقامات مسئول نشد. تاریخ آینده روشن خواهد کرد که چه دست‌هایی در پست‌های حساس مانع از این شدند که به این هشدارها توجه شود و به این ترتیب زمینه برای موفقیت‌های اولیه تجاوز فراهم گردد؟

در حال حزب ما با ارزیابی درست از این توطئه و تجاوز، آن رایک توطئه امپریالیستی - ضدانقلابی

درجهت سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی دانست و از همان اولین لحظه در کنار سایر مبارزان راستین راه انقلاب، در اولین صفوف مقاومت برای درهم شکستن این تجاوز قرار گرفت و همه امکانات خود را در این راه در اختیار قرار داد.

این نبرد سرنوشت ساز اکنون ادامه دارد. تجاوز عراق یکبار دیگر ارزیابی های حزب توده ایران را در باره نیروهای راستین هوادار انقلاب مورد تایید قرار داد و چهره زشت نیروهای دروغگو را عریان ساخت. حیرت انگیز است که سازمان های سیاسی سرمایه داری لیبرال مانند دفتر همکاری مردم با رئیس جمهور، نهضت آزادی و جبهه ملی، حتی يك نمونه هم از يك شهید در این نبرد سرنوشت ساز نمی توانند به پیشگاه مردم ایران عرضه دارند، در حالی که برای براندازی دولت کنونی، تظاهرات چنده هزار نفری در تهران و شهرستانها به راه می اندازند. همین طور است وضع شرم آور گروهکهای مائزاء انقلابی «چپ» آمریکائی مانند «رنجبران» و «پیکار» و یاران شان که همه مطابق دستور ریگان تمام تلاش خود را برای برانداختن دولت کنونی به کار گرفته اند.

چهارمین بخش فعالیت سیاسی حزب ما را تلاش سازنده برای کمک به حل دشواری ها و مشکلات اجتماعی تشکیل می دهد. حزب ما از همان اولین روز آغاز فعالیت مجدد قانونی و علنی خود از هر گونه «منفی بافی» پرهیز کرد و با ارائه پیشنهادهای مشخص و سازنده در همه زمینه ها سهم تاریخی خود را به انقلاب ادا نمود.

پیشنهاد‌های حزب توده ایران در زمینه حل مسائل حاد اجتماعی (از قبیل مسئله اصلاحات ارضی، بیرون کشیدن اقتصاد کشور از بحران، حل مسئله بیکاری، حل مسئله ملی و بویژه گشودن گره پیدا شده در کردستان، حل مسئله آموزش و پرورش، انقلاب فرهنگی و غیره) مانند نظریاتی که حزب ما در زمینه سیاست خارجی و تامین آزادی‌های اجتماعی مطرح نمود، هنوز به‌عنوان روشن‌ترین و سازنده‌ترین پیشنهادها که با واقعیت اجتماعی میهن ما و محتوا و سمت‌گیری‌های عمده و اساسی انقلاب شکوهمندمان دقیقاً منطبق هستند و خواست توده‌های ده‌ها میلیونی شهر و روستا را بازتاب می‌دهند، مطرح هستند.

ارزش واقعی این پیشنهاد‌های سازنده هنگامی بیشتر روشن می‌شود که مخالفین و دشمنان جنبش توده‌ای ما در حالی که صدها و صدها صفحه از نشریات خود را به ناسزاگوئی و اتهام‌زنی به حزب ما اختصاص داده‌اند، حتی در يك مورد هم نتوانسته‌اند درستی پیشنهاد‌های حزب ما را با استدلال منطقی مورد تردید قرار دهند.

از سوی دیگر زندگی دوسال اخیر نشان داد که عدم توجه مقامات موثر دولتی به این پیشنهادها همواره با تشدید دشواری‌ها و بغرنجی‌ها توأم بوده است. ما امیدواریم که با تجربه‌اندوزی از آنچه گذشته و با ارزیابی انتقادی از اشتباهات در مقامات مدیره جمهوری اسلامی برخوردارهای ذهنی‌گرایانه که بزرگ‌ترین تهدید برای تثبیت و تحکیم انقلاب است، جای خود را

به واقع بینی و روشن بینی بدهد.

این بود به طور کوتاه فعالیت رهبری حزب در زمینه سیاسی. هیئت سیاسی بر آن است که این فعالیت، کاملاً بر رهنمودهای پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی منطبق بوده و نتایج مثبت این فعالیت درستی آن رهنمودها را مورد تأیید قرار داده است.

## ۲. فعالیت رهبری حزب در زمینه کارهای تشکیلاتی

در زمینه کارهای تشکیلاتی اولین وظیفه‌ای که به پلنوم شانزدهم در برابر هیئت اجرائیه قرار داد، انتقال هرچه سریعتر رهبری حزب به ایران بود که تا آن تاریخ به طور عمده در مهاجرت به سر می برد. این رهنمود بلافاصله پس از پلنوم انجام گرفت. علی رغم دشواریهایی که از طرف دولت لیبرال برای بازگشت افراد رهبری مرکزی حزب که تقریباً همه از محکومین دادگاههای جنایت پیشه رژیم ساواکی بودند، ایجاد گردید، این رفقا توانستند به میهن بازگردند و فعالیت انقلابی خود را در درون کشور دنبال کنند.

رهبری مرکزی حزب با رفتاری از مبارزان درون کشور که در سالهای دشوار اختناق، در سیاه چالهای ساواک آبدیده شده و از احترام و محبت عمیق، نه تنها هواداران حزب ما، بلکه مخالفان عقیدتی حزب ما برخوردار بودند، تکمیل گردید. ترکیب این دو عنصر از فعالین سابقه دار حزب پایه محکمی برای وحدت و

یکپارچگی و رشد اعتبار حزب بوجود آورد.  
 رهنمودهای پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی درباره  
 ایجاد سازمان واحد سراسری، پذیرش افراد جدید و  
 توجه به خطرات احتمالی چیره شدن نیروهای ضد آزادی،  
 چه افراطی و چه ضدانقلابی، همه در چهارچوب شرایط  
 موجود عینی و امکانات و دشواریهای بسیار عملی  
 گردید.

رهبری حزب کوشیده است همواره با برخورد  
 انتقادی به کار خود، در همه زمینه‌ها اشتباهات و  
 کمبودها را پیدا کند و بر آن‌ها چیره شود.

### ۳. فعالیت حزب در زمینه وظایف ترویجی، تبلیغاتی و تعلیماتی:

به‌طور کلی بادر نظر گرفتن امکانات محدود انسانی  
 و فنی که در اختیار حزب قرار داشت، بادر نظر گرفتن  
 دشواری‌های گوناگون و سنگینی که بر اثر فشارهای  
 وارده به حزب ما به‌صورت تعطیل فعالیت آزاد و علنی  
 حزب یک‌بار در سال ۱۳۵۸ و یک‌بار پس از حمله  
 «چماق‌داران» به مراکز حزب در تهران و شهرستانها در  
 تیرماه ۱۳۵۹ بوجود آمد و متأسفانه تاکنون ادامه  
 دارد، فعالیت حزب و کامیابی‌هایش قابل توجه است.  
 در این دوران حزب توده ایران توانسته است، چه از لحاظ  
 انتشار آثار علمی و سیاسی و چه از لحاظ انتشارات

توضیحی - سیاسی و افشاگرانه فعالیت بسزائی انجام دهد.

ازلحاظ تامین امکانات مادی و رساندن این نشریات به خواستاران، هواداران حزب کمکی به مراتب بالاتر از انتظار ما به سازمان مرکزی حزب رساندند. این کمک فداکارانه گوشه‌ای از حماسه نبرد مبارزان توده‌ای در دوران دوساله پس از پیروزی انقلاب است. یکی از چشمگیرترین کامیابی‌های حزب در این زمینه انتشار «نامه مردم» و ماهنامه «دنیایا» است. این روزنامه و ماهنامه به‌حق ازلحاظ سطح محتویات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و هم‌ازلحاظ سنگینی برداشتها و پیگیری درخط سیاسی و ایستادگی در مواضع اصولی و هم‌ازلحاظ درستی ارزیابی‌ها و موضع‌گیری‌ها در پیشاپیش انتشارات دوران کنونی ما قرار گرفته‌اند.

## ۴. فعالیت حزب در زمینه کار توده‌ای

در این زمینه کار حزب بادشواری‌های گوناگونی که بخش عمده و تعیین‌کننده آن ناشی از ویژگی‌های انقلاب ایران است، روبرو بوده و هنوز هست. این دشواری‌ها، هم درمیدان‌های فعالیت صنفی و سندیکایی کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان و هم درمیدان مبارزات برای حقوق زنان و جوانان و دانشجویان به‌عنوان ترمز اصلی در راه تشکل این اقشار زحمتکش و محروم عرض‌اندام کرده و هنوز هم وجود دارند.

به‌طور کلی ما در این میدان مبارزه، با انحصارطلبی و سازمان ستیزی دوگانه از راست و از «چپ» روبرو هستیم.

از طرف راست با برخورد انحصارطلبانه گروه‌های مذهبی روبرو هستیم که از پشتیبانی نهادهای قدرت دولتی برخوردارند و از هرگونه همکاری در امور صنفی با سایر زحمتکشان که حاضر نیستند این روش انحصار-طلبانه آنان را تایید کنند، امتناع می‌ورزند. این روش موجب می‌شود که اتحاد داوطلبانه و آزاد همه زحمتکشان، صرف نظر از موضع‌گیری فکری و یا وابستگی‌های مذهبی و غیره متزلزل گردد و تخم نفاق و چنددستگی میان آنان پاشیده شود. در برابر این انحصارطلبی از سوی راست، ما در همه میدان‌های فعالیت توده‌ای با یک روش نفاق‌افکنانه چپ‌گرایان مانند سازمان مجاهدین خلق و بخش‌های انشعابی از سازمان چریک‌های فدایی خلق روبرو هستیم که از نوعی دیگر از «انحصارطلبی» پیروی می‌کنند و تنها در صورتی با وحدت سازمانی یک سازمان توده‌ای موافقت دارند که رهبری آن در دست آن‌ها باشد و در صورتی که در اقلیت قرار گیرند، دست به انشعاب و منفجر کردن آن سازمان می‌زنند.

در کنار دو انحصارطلبی، و یادقیق‌تر بگوئیم در سایه وجود این دوگرایش انحصارطلبانه، ستون پنجم دشمن انقلاب، یعنی عناصر ضدانقلاب، سواکی‌های متظاهر به مذهب و یا چپ‌نما به کمک عناصر وابسته به «چپ»‌های آمریکا ساخته، در جهت تشدید تفرقه و

تشنج در واحدهای صنعتی عمل می‌کنند. با کمال تأسف هنوز زحمتکشان کشور ما با وجودی که در زندگی روزمره، در مبارزه برای به‌دست آوردن مطالبات به‌حق خود، با دشواری‌های گوناگون روبرو هستند و لزوم ایجاد سازمان‌های مستقل صنفی خود را احساس می‌کنند، در اکثر موارد نتوانسته‌اند برای ۳ صد مصنوعی که عملکرد هر سه‌شان در جهت مخالف منافع محرومان جامعه یعنی زحمتکشان شهر و روستا است، چیره شوند.

فعالیت حزب توده ایران در زمینه کار توده‌ای در این جهت بوده است که در چهارچوب امکانات خود از راه توضیح و افشاگری، به زحمتکشان ایران در همه بخش‌های اجتماعی یعنی در میان دهقانان، کارگران، کارکنان موسسات دولتی و خدمات، زحمتکشان اصناف تولیدی و توزیعی و جوانان و زنان، دانش‌آموزان و دانشجویان و فرهنگیان، هنرمندان و نویسندگان و روشنفکران زحمتکش کمک کند تا برای دشواری‌ها چیره شوند و سازمانهای مستقل خودرایی ریزی کنند. در این چهارچوب باید به فعالیت قابل توجه زنان حزبی در تجهیز فعالیت زنان در راه به‌دست آوردن حقوق زن در جامعه و فعالیت جوانان حزبی، در گسترش فعالیت سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات که در سال گذشته به سازمان جوانان توده ایران پیوست و همچنین به فعالیت فعالین حزبی ما در میان دهقانان اشاره کنیم.



## سپاس از مبارزان توده‌ای

یکی از درخشان‌ترین ویژگی‌های فعالیت حزبی، در دوران پس از پیروزی انقلاب، شور انقلابی کم‌نظیر مبارزان توده‌ای در تمام سطوح فعالیت حزب است، از هواداران و افراد ساده حزب گرفته تا مسئولین مرکزی. مبارزان توده‌ای در همه زمینه‌ها از کار برای نشر نظریات حزب در جامعه و فداکاری مالی و جمع‌آوری کمک برای حزب گرفته تا جان‌بازی برای پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های جنگ از خودگذشتگی و فعالیت و ابتکار کم‌نظیری از خود نشان داده و می‌دهند و بدون تردید همین تلاش فداکارانه عموم افراد حزب یکی از عمده‌ترین عناصر تعیین‌کننده در مجموعه کامیابی‌های حزب ماست.

حزب ما هرگز در تاریخ چهل‌ساله خود از يك چنین وحدت فکری و تشکیلاتی، از چنین محیط سالم درون‌حزبی برخوردار نبوده است. ما باید این دستاورد بزرگ تاریخ مبارزاتی حزب‌مان را چون مردمک چشم پاسداری کنیم و هر روز بر کیفیت آن بیفزاییم.

کامیابی‌های حزب ما در برخی میدان‌ها به‌طور نسبی بیشتر و در برخی دیگر کم‌تر بوده است. در این ارتباط باید جو دشمنانه بی‌سابقه‌ای را هم که دشمنان انقلاب از يكسو و «دوستانی» که حزب ما را رقیب خود می‌پندارند ازسوی دیگر، علیه حزب ما

دامن می‌زنند، به‌عنوان یکی از عوامل منفی به‌حساب  
آورد.

می‌توان امیدوار بود که پیشرفت روند تثبیت و  
تحکیم و گسترش انقلاب، ضرورت رویارویی با  
دشواریهای ناشی از گسترش مبارزه تاریخی با عوامل  
ضدانقلاب، ضرورت تحکیم اتحاد و وحدت‌عمل همه  
نیروهای راستین هوادار انقلاب در این مبارزه و رشد  
شناخت واقعیات برپایه تجربه‌های گرانبهای نبردانقلابی،  
راه را برای چیره‌شدن زحمتکشان بر این دشواریها  
هموار خواهد کرد.

\* \* \*

درفقای عزیز این بود گزارش فعالیت هیئت‌سیاسی  
کمیته مرکزی در دو سال گذشته.



# برنامه حزب توده ایران

برای تثبیت و تحکیم و گسترش  
همه جانبه

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی  
ایران



زندگی و نبرد حماسه آفرین خلق‌های زحمتکش ایران، طی مدتی کوتاه درستی ارزیابی‌هایی را مورد تایید قرارداد که در برنامه حزب توده ایران مصوب پانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی مطرح گردیده بود. این برنامه که برپایه بینش علمی مارکسیسم - لنینیسم، تحلیلی همه‌جانبه و منطبق با واقعیات از اوضاع جهان و ایران به دست داده بود، نشان می‌داد که راه تامین استقلال و آزادی و پیشرفت جامعه ایران، ازسرنگون کردن نظام استبداد سلطنتی وابسته و برانداختن حاکمیت جابران و غارتگرانه رژیم خائن بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران که خاندان فاسد پهلوی براساس آن قرارداد داشت و به امپریالیسم وابسته بود، آغاز می‌گردد.

با پیروزی انقلاب شکوهمند میهن ما، که با فداکاری ده‌ها میلیون کارگر و دهقان و پیشه‌ور و روشنفکر زحمتکش انقلابی، یعنی محرومان جامعه،

تامین گردید، بخش قابل توجهی از هدف‌هایی که در برنامه حزب به‌عنوان هدف‌های مبرم انقلاب مطرح شده بود، عملی گردید. نظام استبداد سلطنتی وابسته برانداخته شد؛ ساواک منحل گردید؛ بخش مهمی از گرداندگان رژیم منفور و سرسپردگان به امپریالیسم جهانی از کشور رانده شدند و گروهی از مزدوران که به چنگ نیروهای انقلابی افتادند، به‌سزای جنایات و خیانت‌های خود رسیدند؛ بخش مهمی از ثروت‌های غارت‌شده به‌وسیله این مزدوران به مالکیت خلق درآمد؛ جمهوری اسلامی ایران مستقر گردید؛ به‌وابستگی سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کشور، به نظام غارتگر و فاسد و پوسیده امپریالیسم جهانی ضربات خردکننده وارد شد؛ ایران از پیمان سنتو بیرون آمد و این پیمان به‌زباله‌دان افتاد؛ ده‌ها هزار مستشار آمریکائی و اروپای غربی از کشور اخراج شدند و قراردادهای اسارت‌آور نظامی و خرید جنگ‌افزار، پاره و پایگاه‌های جاسوسی آمریکا برچیده شد.

همه این دستاوردها نکته به نکته در برنامه حزب توده ایران به‌عنوان خواست‌های مبرم انقلاب ایران مطرح گردیده بود. با این دگرگونی‌ها، انقلاب ایران به مرحله تازه، به مرحله بالاتری با وظایف گسترده‌تری ارتقاء یافته است.

حزب توده ایران، حزب طرازنویین طبقه کارگر ایران که جهان‌بینی مارکسیسم - لنینیسم را به‌عنوان راهنمای عمل خود برگزیده است، می‌کوشد تا در

پرتوی همین جهان‌بینی علمی و انقلابی مسائل انقلاب ایران را که دارای خصلت ضدامپریالیستی و مردمی است، در مرحله‌ای که در برابر ما است، بررسی کند و برنامه خود را بر پایه این بررسی تنظیم نماید و در اختیار همه زحمتکشان قرار دهد.

آماج نهایی حزب توده ایران استقرار سوسیالیسم و تکامل شکوفان آن است، یعنی آن نظام اجتماعی که در آن اصل پایان بخشیدن استثمار فرد از فرد (که پایه همه رژیم‌های غارتگر و جابر از دوران بردگی گرفته تا امپریالیسم - آخرین مرحله تکامل سرمایه‌داری - بوده و هست) به واقعیت مبدل شود؛ زنجیرهای عبودیت و بردگی توده‌های زحمتکش به سرمایه چپاولگر پاره گردد؛ جامعه‌ای که در آن آزادی واقعی انسانها، نه آن‌چنان که در جوامع طبقاتی، تنها برای طبقات جابر، بلکه برای توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان تامین شود. تلاش حزب توده ایران در راه ایجاد چنین جامعه‌ای والای انسانی است، جامعه‌ای که در آن همه استعداد‌های همه افراد جامعه به‌طور برابر حقوق در جهت ارتقاء رفاه و فرهنگ و اخلاق عموم خلق امکان رشد آزاد و همه‌جانبه داشته باشند.

بر پایه همین جهان‌بینی علمی، حزب توده ایران همواره می‌کوشد از جنبش انقلابی واقعا موجود در کشور حمایت کند، یعنی در هر مرحله و هر لحظه سیاستی را دزپیش‌گیرد که در جهت نیرومند ساختن جبهه نیروهای خلق علیه جبهه دشمنان خلق باشد. حزب



توده ایران عقیده دارد که انقلاب محصول عمل توده‌هاست و تا توده‌ها برای دیگر گونی‌های انقلابی آماده نباشند، گزاف‌گویی‌های انقلابی مآبانه و توسل به اقدامات توطئه‌گرانه به نام قهر انقلابی، اگر هم در تمام ابعادش صادقانه باشد، جز شکست و ناکامی و ناتوان ساختن نیروهای راستین انقلاب نمره‌ای نخواهد داشت.

به نظر حزب ما آن‌چه امروز در برابر طبقات و قشرهای انقلابی میهن ما، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش قرار گرفته است، این است که:

۱- با تمام نیرو در جهت تثبیت و تحکیم و بازگشت‌ناپذیر کردن دستاوردهای انقلاب ایران عمل کنند و با مبارزه آگاهانه خود، نقشه‌های براندازی دشمنان و گندخوردۀ انقلاب، یعنی امپریالیسم و ارتجاع جهانی و داخلی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را خنثی سازند و نگذارند تا سازشکاران و تسلیم‌طلبان با بهره‌گیری مزورانه از ضعف‌ها، کمبودها، اشتباهات و فرسایي‌ها، توده‌ها را بفریبند و از انقلاب روی‌گردان سازند و راه‌برای بازگشت وابستگی به امپریالیسم هموار کنند.

۲- در جهت انجام همه وظایف انقلاب دموکراتیک ملی و فراهم ساختن زمینه ارتقاء انقلاب به سطح سمت‌گیری سوسیالیستی بکوشند.

تمام عملکرد دشمنان انقلاب یعنی امپریالیستهای جهانخوار و ارتجاع جهانی و ضدانقلاب ایران به سرکردگی امپریالیسم آمریکا درست در جهت عکس این وظایف مبرم نیروهای انقلابی است.

دشمنان انقلاب ایران می‌کوشند هرگونه تثبیت و تحکیم انقلاب میهن ما را ناممکن سازند و در این راه از توسل به هیچگونه جنایتی روگردان نیستند. مهمترین و کاراترین وسیله عمل غیرمستقیم دشمنان انقلاب ایران، تجزیه نیروهای انقلابی، به‌جان یکدیگر انداختن آنان و از این‌راه ناتوان ساختن جبهه نیروهای انقلابی است. مردم ایران اکنون بیش از دو سال است که شاهد این شیوه عمل دشمنان انقلاب یعنی دشمنان جهانی و داخلی استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی میهن خود هستند.

## ۱. در راه تثبیت و تحکیم و بازگشت ناپذیر کردن دستاوردهای انقلاب

یکانه و اطمینان‌بخش‌ترین راه برای تثبیت و تحکیم انقلاب، تجهیز نیروهای خلق برای پاسداری و نگه‌داری آن است. انقلاب را توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستای ایران با نشان دادن بزرگترین گذشت انقلابی به پیروزی رساندند و از

این مبارزه این امید را داشتند که با سرنگون شدن نظام جنایت‌بار و غارتگر «آریامهری» سرسپرده امپریالیسم جهانی، پایه‌های این نظام در داخل (یعنی: استبداد سلطنتی از لحاظ سیاسی و بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری از لحاظ اقتصادی) درهم شکسته شود و همه زنجیرهای اسارت قرن‌ها وابستگی به استعمار و نواستعمار پاره شود.

**امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران** ده‌ها بار این حقیقت را یادآور شدند که انقلاب ایران انقلاب کوخ‌نشینان و محرومان بوده و کاخ‌نشینان و طبقات و اقشار ممتاز جامعه «آریامهری» در آن نقشی نداشته‌اند.

با این ویژگی، تثبیت و تحکیم و پاسداری و نگه‌داری دستاوردهای این انقلاب، حنثی‌ساختن توطئه‌های کین‌توزانه دشمنان آشتی‌ناپذیر انقلاب و دسیسه‌های مزدورانه سازشکاران و تسلیم‌طلبان، یعنی همان اقشار غارتگر سرمایه‌دار و مالک که با هزار نیرنگ می‌کوشند انقلاب را از مسیر خود خارج سازند، تنها با تجهیز این توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان امکان‌پذیر است و این تجهیز تنها از راه حرکت به سوی آن آماج‌هایی که این توده‌ها برای آن ده‌ها هزار کشته و صدها هزار معلول دادند، یعنی دگرگونی‌های بنیادی در جهت پایان‌بخشیدن به محرومیت‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی و اقتصادی آنان، امکان‌پذیر است.

باتکرار شعارهای بی‌پشتوانه فقط می‌توان توده‌ها را برای مدت کوتاهی درانتظار و امید نگه‌داشت، ولی سرانجام توده‌ها به‌این شعارها پشت می‌کنند: یا راه خود را ادامه خواهند داد و یا در دام عوام‌فریبان خطرناکی که دردادن «شعار» گوی سبقت را ببرند، خواهند افتاد. این واقعیتی است که در همه انقلاب‌های جهان و به‌ویژه درانقلاب‌های چنددهه اخیر، بدون کوچکترین خدشه، مورد تأیید قرار گرفته است.

توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان شهر و روستا (یعنی: کارگران و دهقانان و پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش میهن ما)، چه آن اکثریت عظیمی که زیر پرچم اسلام انقلابی و چه آن‌ها که با برداشت‌های غیرمذهبی پا به میدان‌های نبردسرنوشت‌ساز گذاشته‌اند، مشترکاً از پیروزی انقلاب انتظار داشتند که:

الف- نظام استبداد سلطنتی (که از آغاز دوران تسلط استعمار در جهان همیشه مهم‌ترین وسیله و ابزار سرکوب ملت‌ها و بازنگه‌داشتن راه غارت بی‌بندوبار غارتگران جهانی و داخلی بوده است) برای همیشه سرتگون و به‌زباله‌دان تاریخ فرستاده شود؛

ب- به تسلط امپریالیسم جهاننخوار به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا که با دستیاری خاندان پهلوی و پایگاه طبقاتیش (کلان‌سرمایه‌داران وابسته و بزرگ‌مالکان) تمام شریان‌های حیاتی ملت ما را در زمینه سیاست، اقتصاد و نیروهای مسلح و فرهنگ در دست

گرفته بود، پایان داده شود و استقلال همه‌جانبه و بی‌خدشه میهن ما تامین گردد؛

ج- نظام اختناق سیاسی که ابزار اصلی سلطه غارتگران داخلی و خارجی بود، برانداخته شود و برای محرومان جامعه و مبارزان راه‌رهایی این محرومان، آزادی‌های اجتماعی تامین شود تا بتوانند در سایه آن برای پایان‌بخشیدن به محرومیت‌های خود مبارزه نمایند؛

د- حرکت انقلابی درجهت دگرگونی‌های بنیادی برای پایان‌بخشیدن به محرومیت‌های توان‌فرسای ناشی از نظام غارتگر و جابر و جنایت‌بار وابسته و سرسپرده یعنی همه محرومیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ملی و فکری و عقیدتی آغاز گردد و راه برای تامین عدالت اجتماعی، که هسته اساسی و تعیین‌کننده آن پایان‌بخشیدن به استثمار فرد از فرد است هموار گردد.

این‌ها بود آماج‌هایی که توده‌های میلیونی زحمتکشان میهن‌ما، کوخ‌نشینان، پابرنه‌ها و گرسنه‌ها برای رسیدن به آن‌ها این حماسه تاریخی جهانی را آفریدند.

این‌ها هستند آماج‌هایی که به بخشی از آن‌ها انقلاب شکوهمند و پیروزمند ما رسیده و به بخش دیگر آن باید برسد.

دستاوردهای انقلاب درجهت این چهار آماج اصلی بدون تردید چشم‌گیر و قابل توجه است، ولی با کمال

تاسف باید گفت که یکسان نیست. در حالی که در جهت برانداختن نظام استبداد سلطنتی و محدود ساختن تسلط غارتگرانه و استیلاجویانه امپریالیست‌ها و قلع و قمع کارگزاران عمده رژیم وابسته کامیابی‌های دامنه‌داری به دست آمده است، در زمینه تامین واقعی آزادی برای محرومان جامعه که رهایی از غارتگری و بهره‌کشی اقتصادی پایه‌اساسی آن است و هم‌چنین دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان جامعه و در جهت لجام‌زدن به غارتگران باقی‌مانده از رژیم سرنگون‌شده، گام مهمی برداشته نشده است. سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان هنوز حیاتی‌ترین شریان‌های زندگی اقتصادی مردم مپهن ما را در چنگ‌های خود دارند و زالووار خون ده‌ها میلیون زحمتکش غارت‌شده را می‌مکنند. همین وضع منشاء بزرگترین تهدید برای انقلاب است. توده‌های وسیع مردم که آماده هرگونه فداکاری برای پیروزی انقلاب بوده و هستند، می‌خواهند که دولت انقلاب، دولتی را که آن‌ها با خون خود به قدرت رسانده‌اند، اقدامات جدی برای جلوگیری از این غارتگری، و تامین آزادی واقعی دهقانان برای گرفتن حقوق خود از بزرگ‌مالکان، و همه زحمتکشان از سرمایه‌داران، انجام دهد.

## جبهه متعد خلق - شورای تفاهم ملی

تشیت و گسترش دستاوردهای انقلاب تنها و تنها

در گرو تجهیز توده‌ها برای دفاع از این دستاوردها و برای گرفتن حقوق‌شان از غارتگران است و تجهیز توده‌ها تنها در گروی حرکت به سوی اتحاد و همکاری همه نیروهای خلق، صرف‌نظر از هر گونه تفاوت فکری و سیاسی و ایدئولوژیک، در جبهه متحدی است که از یک سو با تمام توان خود در مقابل دسائس و توطئه‌ها و تجاوزات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی دشمنان انقلاب و در راس همه، امپریالیسم آمریکا ایستادگی کند و یک گام عقب ننشیند و از سوی دیگر با تمام توان خود برای از بین بردن پایگاه‌های اصلی ضدانقلاب و امپریالیسم در پشت این جبهه نبرد در سراسر جامعه ایران، یعنی بزرگ‌مالکی و کلان سرمایه‌داری و همه جریانهای سیاسی و یاب‌ظاهر مذهبی وابسته به آن، مبارزه کند.

چنین اتحادی هنگامی پایدار و پابرجا و موثر خواهد بود که از درون صفوف خلق بجوشد و در جریان مبارزه برای هدف‌های انقلابی خلق آبدیده شود.

پی‌ریزی چنین اتحادی تنها از راه تقویت همه‌جانبه شوراهای عام مردمی میسر است، شوراهایی که به جز وابستگی و سرسپردگان سیاسی و اقتصادی به ضدانقلاب، همه مردم را دربرگیرد و از هر گونه انحصارطلبی این یا آن گروه آزاد باشد.

برای به راه انداختن یک چنین جریانی حزب توده ایران پیشنهاد می‌کند که برای بررسی راه‌ها و تصمیم‌گیری در زمینه تامین اتحاد عموم خلق بی‌درنگ

شورای تفاهم ملی از کلیه گروهها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی که اصول مشترك پاسداری و نگاهداری از انقلاب را صادقانه می‌پذیرند، تشکیل گردد - همان اصولی که طی رهنمودهای مختلف سیاسی و اجتماعی امام خمینی بازتاب یافته‌اند و مورد تأیید توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان جامعه، هستند.

در يك چنین شورا و یا كنكره تفاهم ملی می‌توان جبهه فراگیر اتحاد مردمی، جبهه متحد نیروهای راستین انقلاب و یا جبهه متحد خلق را شالوده ریخت.

## ۲. در راه گسترش و تعمیق انقلاب و شكوفایی جمهوری اسلامی ایران

انقلاب مردمی ایران اگر از حرکت به سوی تکامل و گسترش بازایستد، محکوم به فنا و بازگشت خواهد بود. به تبعیت از این قانون مسلم، وظیفه همه نیروهای راستین هوادار این انقلاب مردمی است که تمام توان خود را برای گسترش آن در همه جوانب زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و دفاعی به کار اندازند و از هیچ تلاش و از خودگذشتگی در این راه دریغ نورزند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که



بدون تردید مهم‌ترین میوه انقلاب شکوهمند میهن ماست، انقلابی که ۱۰۴۰مخیمینی آن را محصول فداکاری و از خودگذشتگی بی‌حساب کویخ‌نشینان و پابره‌نه‌ها و پایین‌شهری‌ها ارزیابی کرده‌است، با وجود برخی کمبودها و نارسائی‌ها، بخش مهمی از خواست‌های مردم میهن ما بازتاب یافته‌است. رفع کمبودها و نارسایی‌ها و پیاده‌کردن سمت‌گیری‌های مردمی قانون اساسی می‌تواند راه را از یکسو برای بازگشت‌نظام غارتگر و استیلاجوی وابسته گذشته سد کند و از سوی دیگر برای پیشرفت به‌سوی شکوفائی نظام مردمی در کشور هموار سازد. برپایه همین ارزیابی، حزب، با نگره‌داری نظریات انتقادی خود، این قانون اساسی را مورد تایید قرار داد و تمام نیروی خود را برای اجرای آن به‌کار انداخت.

حزب توده ایران حرکت جامعه را به‌سوی تامین عدالت اجتماعی، برابری و شکوفائی در چهارچوب این قانون اساسی ممکن می‌داند و برنامه‌زیرین را برای این حرکت، یعنی گسترش انقلاب ایران عرضه می‌دارد و حاضر است برای تحقق بخشیدن به آن با همه نیروهای مردمی جامعه، صرف‌نظر از اختلاف در دیدگاه‌های فلسفی و اجتماعی، صادقانه همکاری کند.

## الف. در زمینه تحکیم همه‌جانبه

### استقلال ملی

۱- پاسداری از تمامیت ارضی ایران، مهم‌ترین

ضامن وحدت ملی همهٔ خلق‌های میهن است که در جریان قرن‌های متمادی با هم زیسته، باهم رنج کشیده و باهم برای حفظ استقلال این میهن مشترک جانفشانی کرده‌اند. حزب تودهٔ ایران هرگونه جدائی‌طلبی را زیر هر نام و هر عنوان محکوم می‌داند و عقیده دارد که خلق‌های ایران در چهارچوب این وحدت بزرگ ملی به بهترین شکل می‌توانند به خواست‌های به‌حق خود در همهٔ زمینه‌های زندگی اجتماعی دست‌یابند.

۲- تحکیم استقلال سیاسی که ازپی انقلاب به‌دست آمده و گسترش دامنهٔ این دستاورد بزرگ تاریخی به‌عرصه‌های اقتصاد و فرهنگ و دفاع، به‌طوری که همهٔ راه‌های بازگشت تسلط استعمار نو زیر هر نوع نقاب ریاکارانه و مزورانه را سد کند، شرط پایداری برای پیشرفت و تکامل اجتماع ما است.

۳- ریشه‌کن کردن همهٔ وابستگی‌ها، به‌ویژه وابستگی‌های اقتصادی که از نظام منحوس سرنگون شده باقی مانده است، و رها کردن نیروهای دفاعی از وابستگی مطلق تسلیحاتی به امپریالیسم آمریکا و امپریالیستهای اروپای غربی، شرط اساسی تأمین استقلال ملی است.

۴- تأمین امنیت ملی و حیثیت بین‌المللی ایران شرط مهم و اساسی برای خنثی‌ساختن همهٔ دسیسه‌ها و توطئه‌هایی است که امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا (که هرگز با انقلاب ایران آشتی نخواهد کرد) علیه انقلاب، و علیه استقلال و آزادی

میهن ما بدان دست می‌زند.

## ب. نیرومند ساختن بنیه دفاعی کشور

امپریالیسم و ارتجاع جهانی و به‌ویژه ارتجاع منطقه که انقلاب ایران بر آنان ضربه دردناکی وارد ساخته، هرگز از توطئه برای ناکام‌ساختن این انقلاب دست‌برنخواهند داشت. ضدانقلاب شکست‌خورده ایران و نیروهای ارتجاعی منطقه هم، گوش به فرمان امپریالیسم جهانی، همیشه آماده هرگونه توطئه جنایت‌آمیز علیه انقلاب ایران هستند. تنها با نیرومندساختن بنیه دفاعی کشور و تامین همه‌جانبه امنیت داخلی می‌توان کامیابی هرگونه توطئه‌ای را غیرممکن ساخت.

برای دفاع از انقلاب ضرور است که نیروهای مسلح کشور به منظور دفاع در برابر هرگونه تجاوزی، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی آماده گردند. کیفیت نیروهای مسلح بستگی دارد به وفاداری خدشه‌ناپذیر این نیروها در تمام سطوحش به آرمان‌ها و آماج‌های انقلاب و در اختیار داشتن جنگ‌افزار امروزین و کاربرد دوام‌دگانه فنی و رزمی. برای رسیدن به این کیفیت باید:

۱- با دگرگونی بنیادی در نظام درونی ارتش، پایه‌های انسجام ارتش مردمی و انقلابی بوجود آید و با تامین کامل و فارغ از انحصارطلبی‌های تنگ‌نظرانه، با تامین حق شرکت همه افراد ارتش در زندگی سیاسی

کشور ما راه رشد سیاسی و شناخت اجتماعی کادر نیروهای مسلح هموار گردد؛

۲- کادر فرماندهی ارتش و سایر نیروهای مسلح از بقایای سرسپردگان رژیم سرنگون شده پاکسازی شود؛

۳- هرگونه وابستگی به امپریالیسم، که دشمن اصلی و آشتی‌ناپذیر انقلاب ایران است، ریشه کن گردد؛

۴- از تمام امکانات برای خودکفایی ارتش تاحد ممکن بهره‌گیری شود؛

۵- تدارک جنگ‌افزارهایی که تهیه آن در کشور ممکن نیست، تنها در صورت عدم پذیرش هرگونه شرط سیاسی و اقتصادی و براساس بهترین، ارزان‌ترین و بدون قید و شرط‌ترین پیشنهادها، می‌تواند عملی گردد.

۶- سپاه پاسداران انقلاب بطور همه‌جانبه-ازلحاظ آموزش، تجهیزات، تسلیحات امروزی سبک و سنگین و سازماندهی تقویت شود و جای‌شایسته خود را در دفاع از انقلاب احراز کند.

## ج. سیاست خارجی مستقل و فعال

تامین استقلال و امنیت ملی و شرایط مناسب برای شکوفایی اقتصاد کشور بدون اجرای سیاست خارجی مستقل و فعال و متناسب با نیازهای انقلاب ایران مقدور نیست. سیاست خارجی ایران در زمان رژیم سرنگون شده سلطنت وابسته تابعی بود از سیاست

تجاوزگرانه امپریالیسم جهانی. این سیاست باید از ریشه دگرگون شود و سیاست خارجی ایران بر اصول زیرین استوار گردد:

۱- برقراری مناسبات دوستانه با همه کشورهای جهان که استقلال میهن ما را به رسمیت می‌شناسند و حاضرند از تلاش خلق ما برای تحکیم این استقلال پشتیبانی کنند؛

۲- تلاش ایران برای شرکت فعال در جنبش غیرمتعهدها؛

۳- هواداری ایران از اصول همزیستی مسالمت آمیز و دفاع از صلح؛

۴- امتناع پیگیر ایران از شرکت در هرگونه پیمان تجاوزکار امپریالیستی نظامی و یا شبه نظامی؛

۵- تلاش سیاسی برای آزادساختن خلیج فارس و دریای عمان از هرگونه دخالت نیروهای بیگانه؛

۶- مخالفت و مبارزه فعال سیاسی برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای نظامی تجاوزکارانه در منطقه خلیج فارس و دریای عمان به کارگردانی امپریالیستها؛

۷- تلاش برای انعقاد یک پیمان امنیت جمعی در منطقه خاور نزدیک و میانه و سراسر آسیا؛

۸- حمایت همه جانبه از جنبش‌های رهایی بخش ملی در کشورهای استعمارزده، به ویژه از جنبش خلق فلسطین، برای درهم شکستن سلطه نظامی امپریالیسم در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس.

## د. تحکیم مبانی آزادی، تامین امنیت اجتماعی

شکوفائی جمهوری اسلامی نوبنیاد ایران تنها در صورت شرکت آزاد و فعال همه نیروهای خلق، یعنی توده‌های ده‌ها میلیونی کارگران و دهقانان و پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش در تعیین سرنوشت کشور امکان‌پذیر است. هرگونه کوشش برای تحمیل نظریات قشری و تنگ‌نظرانه، حرکت جامعه رابه‌سوی شکوفائی تا حد فلج، کند خواهد کرد.

۱. تامین حقوق و آزادی‌های مردمی وقتی میسر است که همه سازمان‌های اجتماعی و سیاسی و صنفی مردمی و مترقی بدون هیچگونه محدودیت و تبعیض، امکان فعالیت آزاد و برابر برای نشر و تبلیغ نظریات خود داشته باشند و به‌هیچگونه انحصارطلبی و اعمال فشار و تحمیل نظریات و تبعیض ازسوی هیچ‌کدام فردی، راه داده نشود و هرگونه تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی افراد و سازمان‌ها ازسوی هر مقام، مورد پیگرد قانونی قرار گیرد؛

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی که یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب شکوهمند میهن ما است و از همین رو مورد تأیید حزب توده ایران قرار گرفته، چهارچوب مناسبی برای تامین و تضمین این آزادی‌ها بوجود آورده است. ولی این قانون خالی از برخی

نارسایی‌ها و کمبودها نیست. برای ازبین بردن این کمبودها باید این قانون درجهت تامین حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی توده‌های محروم، درجهت غیرممکن ساختن هرگونه دستبرد به این حقوق تکمیل گردد؛

۳. در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و تکمیل آن باید آزادی عقیده، دین، بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، اتحادیه‌های صنفی، سکونت، مسافرت، انتخاب شغل، حق اعتصاب برای زحمتکشان و آزادی دفاع در محاکم و مصونیت‌های فردی به‌طور خدشه‌ناپذیر تامین گردد و هرگونه دستبرد به این آزادی‌ها مورد پیگرد قانونی قرار گیرد؛

۴. مواد قانون اساسی درمورد تشکیل شوراهای (به‌عنوان ارگان‌های اعمال حاکمیت محلی از روستا تا استان) باید بدون خدشه به‌موقع اجرا درآید؛

۵. زنان میهن ما که سهم عظیمی در پیروزی انقلاب داشته‌اند و هم‌اکنون برابر با مردان در پاسداری از انقلاب حماسه می‌آفرینند، با کمال تأسف علاوه بر محرومیت‌هایی که بر همه محرومان جامعه تحمیل می‌شده است، فشار طاقت‌فرسای یک‌رشته محرومیت‌های اجتماعی اضافی را به‌عنوان «زن» به‌دوش می‌کشند. با آن که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مقام والای زن مورد ستایش قرار گرفته است، ولی در عمل این محرومیت‌ها نه تنها ازبین نرفته، بلکه بر اثر عمل «قشریون» و «واپس‌گرایان» بر آن افزوده شده است. واقعیت این

است که زنان کشور ما هنوز هم نیمه محروم‌تر جامعه را تشکیل می‌دهند. شکوفائی میهن ما در گرو تامین برابری کامل زنان با مردان در همه میدان‌های زندگی اجتماعی است.

## ه. مسأله ملی

کشور ما کشوری است کثیرالمله که در آن خلق‌ها و اقوام گوناگون با زبان، فرهنگ و آداب و رسوم و عقاید مذهبی متفاوت طی تاریخ طولانی برای ساختن يك میهن واحد به هم جوش خورده و برای شکوفائی این میهن جان‌کنده‌اند و فرهنگ جهانی ارزنده‌ای بوجود آورده‌اند. در این میهن واحد، شرط ضرور تامین وحدت ملی و پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی، تامین اتحاد داوطلبانه و دور از هرگونه تحمیل خلقی بر خلق دیگر است. روا داشتن هرگونه محدودیت و تبعیض و یا تحقیر به خلق‌های کوچک‌تر از طرف خلق‌های بزرگ‌تر کشور، خیانت به وحدت ملی و استقلال کشور است و به دشمنان انقلاب و مردم ما امکان می‌دهد که تخم نفاق بپاشند و اتحاد و همبستگی خلق‌ها را متلاشی کنند و آن‌ها را به‌جان هم اندازند و از این راه جمهوری نوین‌یاد ایران رانان توان سازند و زمینه را برای بازگشت سلطه جبارانه خود فراهم آورند.

از این رو است که شناسایی حق خودمختاری (ویا خودگردانی) اداری و فرهنگی و رفع عقب‌ماندگی‌های



ناشی از سیاست ارتجاعی رژیم سرنکون شده، به وسیله انقلاب برای همهٔ خلق‌های غیرفارس یکی از پایه‌های اساسی وحدت ملی و یکی از مهمترین ضمانت‌ها برای استقلال و تمامیت ارضی کشور است. حل مسئله ملی یعنی پایان دادن به یکی از دردناک‌ترین محرومیت‌های جامعهٔ غارتگر سرمایه‌داری تنها و تنها از این راه امکان‌پذیر است. تاریخ يك‌صدسالهٔ اخیر ایران نشان داد که با سرکوب نظامی می‌توان سکوت مرگبار را بازم برای مدتی برقرار ساخت، ولی از این راه در جهت وحدت خلق‌ها حتی يك گام هم نمی‌توان به جلو برداشت.

اقلیت‌های مذهبی مقیم ایران که حقوق‌شان در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده باید در پناه جمهوری اسلامی در امنیت کامل زندگی کنند و در استفاده از زبان و گسترش فرهنگ و سنن ملی خود آزاد باشند.

## **و. تقویت نظام شورایی به‌عنوان بهترین شکل برای تأمین شرکت فعال مردم در تعیین سرنوشت خویش**

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دراصل مربوط به شیوه حکومت آمده است:

«قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و درخط گسستن از سیستم استبدادی، در سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند».

برای پیاده کردن واقعی این اصل، یگانه راه تقویت همه‌جانبه، نظام شورایی در همه سطوح و ابعاد است. با پی‌ریزی و شکوفائی این نظام، توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان حاکم به سرنوشت خویش می‌شوند و به‌بهترین وجهی ثبات امنیت اجتماعی را تضمین می‌کنند.

شوراها در روستاها و کارخانه‌ها و کارگاهها و مدارس و ادارات برای شرکت در مدیریت و برنامه‌ریزی و شوراهای اجرایی در روستا و بخش و شهر و شهرستان و استان و مناطق اقلیت‌های ملی، تا مجلس شورای اسلامی همه و همه پایه‌های دموکراسی واقعی مردم به‌شمار می‌روند و بهترین سازمان را برای شرکت مردم در اداره امور کشور بوجود می‌آورند.

## ز. برای شکوفایی اقتصاد کشور

اقتصاد کشور ما در تمام دوران چنددهه‌ساله تسلط امپریالیسم و همدستان ایرانیش، یعنی خاندان پهلوی، بزرگ مالکان و کلان‌سرمایه‌داران وابسته، به‌طور مشخص درجهت تامین منافع اقلیت ممتاز و حداکثر

غارتگری انحصارهای امپریالیستی و وابستگی‌شان در ایران تکامل یافته و با هزاران زنجیر به اقتصاد جهان امپریالیستی وابسته است. پی‌آمد چنین سیاست خائنانه‌ای این است که ما امروز شاهدش هستیم.

میهن ما ایران از لحاظ ثروت‌های طبیعی به درستی در فهرست غنی‌ترین کشورهای جهان جای دارد. کافی است در این چهارچوب اشاره شود که با آن که منابع نفتی به وسیله کنسرسیوم خون‌آشام امپریالیستی غارت می‌شود، تنها در ۵ سال قبل از انقلاب بیش از یکصد میلیارد دلار از فروش نفت به ما رسید که آن خود سهم کوچکی از ارزش واقعی نفت غارت‌شده بود. این خود سهم کوچکی از ثروت‌های عظیم ملی است که می‌توان برای رشد اقتصاد مورد بهره‌برداری قرار داد. مردم کشور ما از لحاظ فرهنگ ملی، استعداد، ابتکار و پشتکار در قیاس با هیچ‌یک از ملت‌های دیگر، کمبودی ندارد. نیروی انسانی و ثروت‌های طبیعی ما، زمین‌های پهناور قابل کشت و زرع، امکانات عظیم برای دامداری و دامپروری یعنی همه و همه عواملی که برای شکوفائی اقتصاد ضروری است، در میهن ما وجود دارد. ولی ما شاهد آن هستیم که در نتیجه تسلط جابرانه امپریالیسم غارتگر و سرسپردگانش، امروز میهن ما حتی برای سوزن و میخ و نان و گوشت و پنیر و هزاران مایحتاج کوچک و بزرگ دیگر دستش به سوی بازارهای امپریالیستی دراز است.

آنچه ما امروز شاهدش هستیم بی‌آمد تسلط ۶۰ ساله نظام بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم جهانی است و راه نجات از این وضع فلاکت‌بار تنها در پایان‌دادن به اقتصاد نیمه فئودالی و سرمایه‌داری وابسته است. تاریخ تمام آن کشورهای «جهان سوم» که در جادهٔ شوم رشد سرمایه‌داری افتاده‌اند، و تاریخ کشورخودمان، به‌روشنی بی‌سرانجامی و ناتوانی این راه رشد را برای چیره‌شدن بر عقب‌ماندگی تاریخی تأیید کرده است. تنها سمت‌گیری در راه رشد غیر سرمایه‌داری، یعنی پایه‌ریزی اقتصاد مردمی، اقتصادی که هدفش برقراری عدالت اجتماعی، پایان-بخشیدن به سلطهٔ غارتگرانهٔ بزرگ مالکان و کلان - سرمایه‌داران و کارگزارانشان از یک سو و گسترش و پیشرفت همه‌جانبهٔ اقتصاد کشور در جهت رسیدن به حداکثر خودکفائی و تأمین رفاه اجتماعی از سوی دیگر است، می‌تواند تیره‌بختی‌های حاکم در جامعهٔ کنونی ما را ریشه‌کن سازد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سنگهای بنیادین قابل‌توجهی برای یک‌چنین سمت‌گیری اقتصادی کار گذاشته است. لازم است بر این بنیاد، بنای اقتصاد مردمی و پیشرفته را برپا کرد. برای حرکت در این جهت حزب توده ایران ضروری می‌داند:

### ۱. مسألهٔ مالکیت و وسایل تولید و راه رشد

مهم‌ترین مسئله در سمت‌گیری اقتصاد کشور تعیین

دقیق راه رشد اقتصادی و اجتماعی و تعیین حدود مالکیت وسایل تولید صنعتی و کشاورزی، زمین و ساختمان‌های مسکونی است. در قانون اساسی به‌درستی برای اقتصاد کشور ۳ بخش دولتی و تعاونی و خصوصی در نظر گرفته شده و واحد معینی حدود عمل این ۳ بخش تعیین گردیده است.

حزب توده ایران بر آن است که شکوفائی اقتصاد کشور و تأمین عدالت اجتماعی تنها از راه رشد بدون وقفه بخشهای دولتی و تعاونی در اقتصاد و محدود کردن بخش خصوصی به فعالیت در رشته‌های کمکی با سرمایه‌گذاری متوسط و کوچک تحت کنترل همه‌جانبه دولت امکان‌پذیر است. این کنترل دولتی باید شامل حدود تراکم و تکاثر سرمایه و میزان سودبرداری از این سرمایه‌گذاری باشد. هرگونه راه حل دیگر که انباشت سرمایه و میزان سودبرداری را محدود نگرداند، راه را برای بازگشت تسلط نظام غارتگر سرمایه‌داری هموار خواهد کرد. هم‌اکنون عملکرد سرمایه‌داری تجاری و تا حد معینی سرمایه‌داری وابسته به زمین و مسکن این خطر را در مقابل چشم همه مردم قرار داده و ضرورت مبارزه همه‌جانبه برای ریشه‌کن کردن این تسلط غارتگرانه و محدود کردن فعالیت سرمایه در این زمینه‌ها را از طرف وسیع‌ترین اقشار جامعه ایران، مطرح کرده است.

راه رشد غیرسرمایه‌داری، متضمن محدود کردن عرصه‌های فعالیت سرمایه‌داری بخش خصوصی، محدود

کردن میزان مالکیت و محدود کردن میزان سودبرداری از یک سو و گسترش همه‌جانبه و فراگیر بخش‌های دولتی و تعاونی اقتصاد در همه زمینه‌های تولید صنعتی، تولید خرده‌کالایی صنعتی و کشاورزی و توزیع محصولات مصرفی، از سوی دیگر است.

## ۲. گسترش همه‌جانبه بخش دولتی و بخش تعاونی

یگانه ضامن تقویت سمت‌گیری مردمی در اقتصاد گسترش همه‌جانبه بخش دولتی و بخش تعاونی در همه زمینه‌های فعالیت اقتصادی، یعنی صنایع، کشاورزی و خدمات می‌باشد. تنها از راه گسترش همه‌جانبه بخش دولتی می‌توان بخش خصوصی را که همواره در جهت گسترش و ریشه‌دواندن نظام غارتگر سرمایه‌داری است، زیر کنترل قرارداد و مجموعه اقتصاد کشور را در جهت تامین خواسته‌های توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و پیشرفت همه‌جانبه کشور به سوی استقلال کامل اقتصادی هدایت کرد.

تنها با گسترش بخش دولتی و بخش تعاونی ممکن است اقتصاد را طبق برنامه رهبری کرد، چیزی که بدون آن تامین استقلال اقتصادی غیرقابل دسترسی خواهد بود.

گسترش بخش تعاونی امکان شرکت وسیع مردم و به‌ویژه زحمتکشان را در تعیین سرنوشت خویش تامین می‌کند و به آنان امکان می‌دهد که خود را،

چه در تولید و چه در زمینه به دست آوردن وسایل زندگی از چنگالهای غارتگر کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان آزاد سازند. گسترش بخش تعاونی یکی از پایه های تامین آزادی اقتصادی زحمتکشان می باشد که خود از پایه های آزادی سیاسی و اجتماعی است.

### ۳. برنامه ریزی علمی برای مجموعه اقتصاد

در دوران ما، با رشد گسترده نیروهای مولده و تکامل مناسبات تولیدی، و افزایش نیازمندیهای زندگی مردم و گستردگی مناسبات گوناگون با دنیای خارج، اقتصاد کشور به صورت مجموعه ای بس بغرنج درآمده است. در چنین شرایطی هماهنگ کردن همه عناصر تشکیل دهنده و موثر در این مجموعه اهمیت خاصی پیدا کرده است. افزایش بحران های مختلف و شدت یافتن بیماری های گوناگون بی درمان جوامع سرمایه داری، ضرورت و اهمیت برنامه ریزی علمی را در اداره اقتصاد کشور تاکید می کند. به ویژه در جریان تکامل آینده اقتصاد کشور ما که دوران تحولی بسیار دشوار و بغرنجی آغاز می شود، چنین برنامه ریزی علمی نقش تعیین کننده دارد. در جهان امروز ما، تجارب بسیار گرانبها و ارزشمندی برای تنظیم برنامه های اقتصادی برپایه شناخت علمی و در نظر گرفتن تناسب میان آماج های مشخص، اندوخته شده است که باید از آن برای تنظیم برنامه رشد اقتصادی کشور بهره جست.

## ۴. در زمینه اقتصاد کشاور

برای ایجاد يك اقتصاد کشاورزی و دامداری سالم و مردمی به سود دهقانان اقدامات زیرین ضرور است:

الف- بازمانده‌های اقتصاد فئودالی که به صورت مالکیت بزرگ بر زمین‌های قابل کشت و آب و وسایل کشاورزی، هنوز به میزان وسیعی وجود دارد، باید برانداخته شود. واقعیت این است که هنوز پس از دو سال که از پیروزی انقلاب می‌گذرد این تکیه‌گاه عمده رژیم سرنگون شده که بیش از ۱۰٪ تمام مردم کشور را در چنگال خود می‌فشرد، تقریباً دست‌نخورده باقی مانده است. بزرگ مالکان هنوز قدرت اقتصادی و سیاسی خود را در روستای ایران نگاه داشته‌اند و هنوز هم خطرناکترین تکیه‌گاه ضدانقلاب به حساب می‌آیند.

در آستانه پیروزی انقلاب بیش از ۵۰٪ از بهترین زمین‌های حاصل خیز کشور و درصد به مراتب بیشتری از آب و وسایل کشاورزی و دام در مالکیت بزرگ مالکان بوده است و با کمال تاسف تاکنون تغییر محسوس و دگرگون‌کننده‌ای در این وضع پیدا نشده است. آمار جمهوری اسلامی حاکی است که هم‌اکنون بیش از ۵۰٪ جمعیت روستایی ایران را دهقانان بی‌زمین تشکیل می‌دهند. پی‌آمد این وضع این بوده و هست که چند میلیون نفر از ساکنان روستای ایران یا کلاً



چه در تولیدی کشت هستند و یا مقدار ناچیزی  
از آن بکارند.

آخرین آمار دولت جمهوری اسلامی نشان می‌دهد  
که از ۱۶۴ میلیون هکتار مساحت کشور، تنها کمتر  
از ۱۰ میلیون هکتار سالیانه زیر کشت است که از  
آن ۶۳ میلیون هکتار کشت دیم و تنها ۳۷ میلیون  
هکتار کشت آبی است.

جمعیت دهقانان زحمتکش ایران بالغ بر ۱۸ میلیون  
می‌شود که مجموعاً حدود ۳۵ میلیون خانوار را تشکیل  
می‌دهند. به این ترتیب اگر تمام زمین‌های زیر کشت  
به‌طور مساوی بین خانواده‌های دهقانی تقسیم شود،  
به هر خانوار ۵ نفره فقط یک هکتار زمین آبی و ۱۷  
هکتار زمین دیم خواهد رسید.

میزان آب قابل‌استفاده برای کشاورزی در حدود  
۲۶ میلیارد مترمکعب است که همین مقدار نزدیک به  
۴ میلیون هکتار زمین را می‌تواند سیراب کند.

این آمارها نشان می‌دهد که حل مسئله اصلاحات  
اراضی تاچه اندازه برای تامین حداقل زندگی «بخور و  
نمیر» زحمتکشان تهیدست روستا، این محروم‌ترین  
قشرهای جامعه ما ضرور و تاخیرناپذیر است.

این آمارها این را هم نشان می‌دهد که مسئله  
افزایش اراضی قابل کشت و تهیه آب با استفاده از  
همه امکانات علمی و فنی پیشرفته تاچه حد به‌صورت  
یکی از مبرم‌ترین مسائل پایه‌ای اقتصاد کشور ما  
درآمده است.

تصمیم انقلابی شورای انقلاب درباره اصلاحات ارضی که پس از برکناری دولت بورژوازی لیبرال گرفته شد، گام مهمی برای ریشه کن ساختن این پایگاه ضدانقلاب بشمار می آمد. باکمال تاسف، ارتجاع در وجود بزرگ مالکان، کلان سرمایه داران و بخشی از روحانیت وابسته به آنان (یعنی وعاظ السلاطین) توانسته است با توسل به انواع تحریکات و بویژه استفاده از دشواری های ناشی از جنگ تحمیلی آمریکا-صدام، از انجام این تصمیم مردمی و خلقی به سود محرومان روستا جلوگیری کند. حزب توده ایران انجام این اصلاحات را یک گام اساسی در زمینه دگرگونی های بنیادی در نظام اقتصادی کشور به سود محرومان می داند و خواستار تحقق بی خدشه آن است.

ب- تشکیل و تقویت همه جانبه تعاونی های تولید کشاورزی دهقانان برپایه داوطلبی دومین گام اساسی در راه پایان بخشیدن به فلاکتی است که روستای ایران را فرا گرفته است.

تنها با واگذاری زمین - بدون کمک به شکل و همیاری دهقانان، بدون کمک مادی برای تهیه آب کافی، وسایل کشاورزی، بذر و کود و سموم، اقتصاد کشاورزی را نمی توان از بن بست کنونی بیرون آورد. بالا بردن تولید کشاورزی بدون کمک گیری از شیوه های علمی و فنی (یعنی بدون کاربرد ماشین های کشاورزی و کود شیمیایی و سموم و روش های نو و پیشرفته کشاورزی) امکان پذیر نیست و به کار گرفتن این امکانات

در چهارچوب واحدهای کوچک تک خانواری تولید کشاورزی غیرممکن است. تنها باتشکیل تعاونی‌های تولید و نیز انواع تعاونیهای دیگر (مانند تعاونی‌های اعتبار و فروش و مصرف) و پشتیبانی همه‌جانبه آنها از دهقانان زحمتکش و نیز تامین بیمه‌های لازم کشاورزی می‌توان به هدف‌های انقلاب درزمینه کشاورزی نزدیک شد.

ج- خرید مازاد محصولات کشاورزی از دهقانان و از تعاونی‌های تولید کشاورزی به وسیله دولت و ریشه‌کن ساختن غارتگری سلف‌خرها، واسطه‌ها، «عمدالتجارها» و کارگزاران آنان.

د- تعیین قیمت خرید محصولات کشاورزی بر پایه ارزیابی دقیق اقتصادی در ارتباط با شرایط جوی و تولید به طوری که دشواری‌های حاصله از نامناسب بودن شرایط جوی برای کشاورزی به صورت فاجعه‌ای، اقتصاد ناتوان دهقانی و تعاونی رازیر فشار نگیرد.

ه- به کار انداختن امکانات مادی در زمینه بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و فنی برای تهیه آب، از راه جلوگیری از به هدر رفتن آب‌های موجود. استفاده از آب‌های زیرزمینی، بی‌نمک کردن آب‌های شور و استفاده از اینگونه آب‌ها برای کشت محصولات معین یکی دیگر از اقدامات حیاتی برای رشد کشاورزی میهن ماست.

و- برای کمک موثر به اقتصاد دهقانی، صرفه‌جویی در نیروی کار و بالابردن بازدهی کشت و در مراحل بعدی برای کمک به اقتصاد تعاونی، ایجاد مراکز

ماشین آلات کشاورزی و تعمیرگاهها و به طور کلی حرکت در جهت ماشینی کردن همه بخش های تولید کشاورزی دارای اهمیت تعیین کننده برای رسیدن به خودکفایی است.

ز- حزب توده ایران بر آن است که به موازات تقویت همه جانبه تعاونی های کشاورزی در همه زمینه ها (یعنی تولید، تهیه مواد اولیه، فروش مازاد) تا حد فراگرفتن عمده ترین بخش اقتصاد دهقانی باید به بخش دولتی اقتصاد کشاورزی، چه در زمینه کشت و زرع و چه در زمینه دامداری، توجه خاص مبذول داشت. نگاهداری و گسترش واحدهای بزرگ کشت و صنعت مانند دشت مغان، اراضی زیر سد دز و نظایر آنها و ایجاد واحدهای نظیر دز مناطق دیگر کشور باید در صدر برنامه دولت قرار گیرد.

ح- یکی از بزرگترین کمبودهای تولید داخلی کشور، در زمینه تولیدات دامی، یعنی گوشت و مرغ و ماهی، مواد شیری، تخم مرغ و غیره است. برای چیره شدن بر این کمبود و جلوگیری از صدور سالیانه مبالغ هنگفتی ارز حاصله از نفت برای خرید از کشورهای دیگر، باید با برنامه ریزی دقیق ۳ بخش اساسی تربیت و نگاهداری دام، یعنی دامداری سنتی طبیعی (عشایری)، دامداری تک خانواری دهقانی و دامداری صنعتی در تعاونی ها و دز واحدهای بزرگ دامداری دولتی را تقویت کرد و گسترش داد. تنها از راه گسترش تربیت دام در همه این رشته ها می توان به خودکفایی

## دست یافت.

ط - عشایر توده چندمیلیونی را در کشور تشکیل می‌دهند که در امر دامداری و کشاورزی نقش غیر قابل انکاری دارند. بررسی و شناخت مسائل ویژه آنها و پیدا کردن راه‌های مشخص حل این مسائل با تمام جوانب اقتصادی و فرهنگی و سنتی و سیاسی آن، يك وظیفه مهم در برابر انقلاب است. باید این توده نزدیک به شش میلیونی را از مواهب تمدن و پیشرفت و دستاوردهای علوم و فنون برخوردار کرد و قبل از آن ابتدایی‌ترین شرایط زندگی انسانی شایسته عصر انقلاب را برای آنها فراهم نمود. باید بدون شتابزدگی و ساده‌اندیشی زمینه را برای ارتقاء مداوم سطح تولید عشایری و غلبه بر واپس‌ماندگی‌ها آماده نمود؛ به‌نقشی عشایر در تامین بسیاری از فرآورده‌های ضرور در اقتصاد کشور ارج شایسته نهاد و آن را از نظر کمی و کیفی بهبود بخشید.

ی - جنگل يك ثروت بزرگ و بسیارگران‌بهاست که در صورت توجه لازم و محافظت، پایان‌ناپذیر و سرچشمه منافع بیشمار است. باید در نگاهداری و توسعه جنگل حداکثر کوشش را به کار برد و جنگلبانی را به يك نهاد فعال و موثر در اقتصاد ملی بدل کرد و جلوی هرگونه غارت بی‌رویه جنگل و قطع خودسرانه درختان را قاطعانه گرفت و برنامه دقیق و علمی و مسئولانه استفاده از جنگل را به‌مثابه يك منبع خودزا تدوین کرد.

ك - ایجاد يك تحول اساسی در سیستم

اعتبار کشاورزی اقدام مهم و ضرور دیگر است. هدف این است که در مرحله کنونی وام به طور جمعی (به تعاونی یا به شورای ده) در محل، به موقع، به میزان کافی، موثر در تولید، زیر نظارت پرداخت شود. بانک تعاون کشاورزی می تواند نقش مهمی و موثری در احیای کشاورزی ما و بهبود شرایط کار و زندگی دهقانان و تحکیم نهادهای واقعی تعاونی دهقانی در روستا داشته باشد.

ل - عمران روستایی و بهسازی دهات و ایجاد راه های روستایی از جمله مسائلی است که تاثیر مستقیم و بلاواسطه در احیای اقتصاد کشاورزی ما دارد. زیرا از این لحاظ وضع به قدری اسفناک و سطح به اندازه ای نازل است که بدون حداقل تغییر در وضع مسکن و عمران روستایی و پایان دادن به نابسامانیهای وحشتناک آموزشی و بهداشتی در روستاها و همچنین حداقل بهسازی محیط زیست و ایجاد راه های فرعی نمی توان امیدى به تحول جدی و تغییر بنیادی در اقتصاد کشاورزی داشت. برای رسیدن به این هدف همکاری و هماهنگی نهادهای انقلابی و موسسات دولتی مربوطه طبق برنامه معین و زمان بندی شده ضرورت دارد.

م - ایجاد يك سیستم برنامه ریزی کشاورزی با مدتهای کوتاه و متوسط و دراز، در زمینه های مختلف، با توجه به اولویتها و ضروریات احیاء و رشد اقتصاد سالم و مستقل کشاورزی، با توجه به تنوع تولید، با توجه به نقش بخش های سه گانه دولتی و تعاونی و

دست یافت.

سی و سهم هر يك باید حتما عملی شود تا بتوان  
به هدفهای برنامه‌ای انقلاب رسید.

## ۵. صنایع و معادن

روند صنعتی کردن کشور، در دوران تسلط و وابسته  
سلطنتی، تنها با سمت‌گیری در جهت تامین سود  
حداکثر برای انحصارهای سرمایه‌داری کشورهای  
امپریالیستی و طبقه غارتگر سرمایه‌دار وابسته ایران  
انجام گرفت و سر تا پا بیمار است. گسترش بی‌بندوبار  
صنایع موتناژ که بخش عمده‌ای از صنایع کشور را  
تشکیل می‌دهند در همین سمت بوده و زیانهای دردناک  
آن را امروز که کشور ما می‌خواهد در راه گسستن  
زنجیرهای وابستگی اقتصادی گام بردارد، با گوشت  
و پوست خود احساس می‌کنیم.

یگانه راه تامین استقلال اقتصادی میهن (که پایه  
تامین استقلال در زمینه‌های دیگر نیز هست) از گسترش  
همه‌جانبه صنایع سنگین و بهره‌گیری حداکثر از  
منابع و ثروت‌های طبیعی در داخل کشور آغاز می‌شود.  
اهمیت این برداشت را نقش بی‌اندازه مثبت یگانه  
واحدهای مهم صنعتی که در این عرصه بوجود آمده‌اند،  
یعنی مجتمع ذوب آهن اصفهان، کارخانه‌های ماشین-  
سازی اراک و تبریز و کارخانه تراکتورسازی که همه  
در چهارچوب همکاری فنی و اقتصادی با کشورهای  
سوسیالیستی ساخته شده و برخی در اثر سیاست  
نواستعماری مثل گردیده‌اند، نشان می‌دهد.

بر این اساس، حزب توده ایران بر آن است که روند صنعتی کردن کشور باید با قائل شدن اولویت برای صنایع سنگین که همگی در بخش دولتی متمرکز باشند، طبق برنامه ریزی علمی دقیق پایه ریزی شود. هرگونه انحراف از این یگانه سمت گیری برای پیشرفت اقتصادی کشور، تامین استقلال اقتصادی را به خطر خواهد انداخت و راه را برای بازگشت وابستگی به دنیای امپریالیستی باز خواهد کرد.

کشور ما این امکان بزرگ را در اختیار دارد که حتی با صادرات محدود نفت و گاز می تواند به موازات تامین ضروریات روزمره زندگی مردم، سرمایه های لازم برای ایجاد صنایع سنگین در اختیار داشته باشد و با بهره گیری از همه امکانات مساعد و متناسب برای انقلاب ایران در صحنه جهانی و به ویژه امکانات مناسبی که کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای مستقل از تسلط امپریالیسم، می توانند در اختیار انقلاب ایران بگذارند، بنای این استخوان بندی اساسی اقتصاد ایران را بالا ببرد.

ثروت ملی میهن ما اجازه می دهد که به موازات گسترش صنایع سنگین، به ویژه ذوب فلزات سیاه و رنگین و پتروشیمی و ماشین سازی، ما بتوانیم همه رشته های صنایع سبک یعنی تهیه کالاهای مصرفی را گسترش دهیم و در راه تامین خود کفائی گام های پر-  
شتابی برداریم.



درمورد گسترش فعالیت اقتصادی در زمینه بهره- برداری از ثروت‌های طبیعی به‌ویژه نفت و گاز و دیگر ثروت‌های معدنی، حزب توده ایران بر آن است که این ثروت متعلق به نسل‌های آینده میهن نیز هست و ارزش همه این مواد هر روز بیشتر می‌گردد. بهره- گیری از معادن باید تنها در چهارچوب مورد لزوم برای تامین سرمایه‌گذاری در رشته صنایع سنگین و رسیدن به خودکفائی باشد. هرگونه بهره‌گیری از این معادن برای تهیه لوازم مصرفی لوکس و غیرلازم، خیانت به نسل‌های آینده مردم ما است. در این زمینه حداعلاهی صرفه‌جویی یک وظیفه بزرگ میهنی است.

## ۶. تجارت خارجی

تجربه جهانی و در تایید آن تجربه ۶۰ ساله اخیر میهن ما این واقعیت را تایید کرد که تجارت خارجی یکی از عمده‌ترین مجراهای تسلط سرمایه‌های انحصاری امپریالیستی بر اقتصاد کشور، یکی از مجراهای تامین غارت مشترک‌غارترگران خارجی و داخلی و فرار بدون مانع عمده‌ترین بخش از ثروت‌های ملی و محصول رنج زحمتکشان کشور است.

درست بر پایه همین شناخت، در قانون اساسی جمهوری اسلامی مسئله ملی کردن تجارت خارجی به عنوان یکی از اصول مهم اقتصادی در نظر گرفته شده است.

اجرای تام و تمام و بدون خدشه این اصل قانون

اساسی جمهوری اسلامی از مهمترین خواست‌های مردم ایران در راه تامین استقلال اقتصادی است.

حزب توده ایران بر آن است که این اصل در تمام ابعادش در کوتاهترین مدت به موقع اجرا درآید. حزب توده ایران بر آن است که در چهارچوب تجارت خارجی ملی شده، تمام مبادلات اقتصادی با دنیای خارج باید براساس زیر استوار باشد:

الف - برای واردات: مرغوبیت کالا و مناسب بودن بها و اجتناب از هرگونه قید و شرط سیاسی؛  
ب- برای صادرات: مناسب بودن قیمت و اجتناب از پذیرش هرگونه قید و شرط تحمیلی

## ۷. تجارت داخلی و توزیع کالا

تجارت داخلی و توزیع کالاهاى مورد مصرف همگانی یکی از مهمترین بخشهای اقتصاد کشور و یکی از عوامل تعیین کنندهٔ مجموعهٔ اقتصاد است. پیش از انقلاب این بخش تقریباً بطور انحصاری در دست سرمایه‌داری و خرده‌بورژوازی تجاری بود و به وسیله کلان سرمایه‌داران وابسته به رژیم سلطنت مطلقه و امپریالیسم اداره می‌شد و یکی از راه‌های غارت بی‌بند و پار حاصل دسترنج توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش‌شان شهر و روستا بود. پس از انقلاب هم تاکنون، صرفنظر از برخی اقدامات بسیار محدود (مانند توزیع قند و شکر)، نه تنها تغییر محسوسی در این وضع حاصل نگردیده و گام‌های مؤثر در راه محدود کردن واردات غیر ضرور

برداشته نشده، بلکه بی‌بندوباری و بی‌پروایی تجار بزرگ یعنی گردانندگان بازار و دلالان و واسطه‌ها در غارت مردم از راه گران کردن روزمره کالاهای مصرفی ابعاد خطرناک و تهدیدکننده‌ای به خود گرفته است. با کمال تاسف دولت جمهوری اسلامی تاکنون بیشتر به نصیحت و موعظه پرداخته است و فکر می‌کند از این راه می‌توان دزدان زالوصفت را تغییر ماهیت داد. البته روشن است که این شیوه‌ها تنها به درد این می‌خورد که برای مدت کوتاهی مردم کم‌آگساز را امیدوار سازد و خواب کند.

واقعیت این است که بهره‌گیری از اهرم اقتصادی برای سرمایه‌داری که موجودیت خود را در خطر می‌بیند، نه تنها یک شیوه غارتگری است، بلکه به‌عنوان یک اهرم سیاسی برای ناراضی کردن مردم و روگردان شدن آنان از انقلاب به کار می‌رود. پیروزی انقلاب مردمی در این میدان نبرد تنها از این راه میسر است که:

۱. حلقه تدارکات یعنی خرید عمده کالاهای تولیدی از کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی، از تولیدکنندگان خرده‌پا از دست سرمایه‌داران بزرگ گرفته و به بخش دولتی و تعاونیهای بزرگ انتقال یابد؛
۲. کلیه واسطه‌ها چه در بخش تدارکات و چه در بخش توزیع حذف گردد و مراکز عمده تدارکات مستقیماً با حلقه پائینی توزیع، یعنی فروشندگان جزء و تعاونیهای توزیع و شبکه فروشگاه‌های دولتی مربوط.

کردند؛

۳. به موازات شبکه توزیع کوچک خصوصی يك شبکه توزیع دامنه دار و فراگیر دولتی و تعاونی که یگانه عامل تثبیت قیمت ها و مبارزه با گرانفروشی و احتکار در شبکه توزیع است، بوجود آید.

### ۸. خدمات

همانگونه که شاهدش هستیم، بخش خدمات با ده ها و ده ها رشته ویژه هر روز در جامعه در حال رشد میهن ما گسترش بیشتری پیدا می کند و هم اکنون یکی از بخش های مهم اقتصادی را که با زندگی روزمره وسیعترین اقشار جامعه در پیوند است، تشکیل می دهد. این بخش تاکنون در چهارچوب اقتصاد انجام گسیخته و بی بندوبار سرمایه داری رشد کرده و به تدریج به صورت یکی از بخش های غیر قابل کنترل اقتصادی درآمده است.

رفاه عمومی ایجاد می کند که در این بخش برای تامین احتیاجات مردم نظم و تناسب عادلانه بین کار انجام شده و دستمزد مورد تقاضا، برقرار گردد. رسیدن به این هدفها تنها از راه ایجاد يك شبکه دولتی خدمات برای تثبیت و تعیین دستمزدها و ایجاد تعاونیهای فراگیر برای این بخش، امکان پذیر است. در ضمن این تعاونیها کمک موثری برای تامین تدارکات مورد نیاز بخش خدمات هستند.

## ح. اصلاحات اجتماعی

### ۱. توزیع عادلانه درآمد ملی

تنظیم توزیع عادلانه درآمد ملی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده، یکی از مهم‌ترین وظایف دولت انقلابی خلقی است.

اساس حاکمیت نظام سلطنتی بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران وابسته بر برداشت غارتگرانه طبقات حاکمه از درآمد ملی و استثمار جانفروسی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش‌شان استوار بود. پیروزی نهایی انقلاب در گرو برانداختن و ریشه‌کن ساختن این نظام غارتگر و استقرار یک نظام عادلانه در زمینه توزیع درآمد ملی برجای آن است. دسترسی به این هدف و الا تنها از این راه ممکن است که:

تناسب معقول بر حسب شرایط و امکانات و با در نظر گرفتن مبانی و محاسبات علمی میان بخش ضروری برای انباشت اجتماعی در مجموعه اقتصاد و بخش مناسب برای مصرف و تقسیم علمی و معقول این بخش به دو رشته مصرف عمومی و مصرف خصوصی، مشخص شود؛ فاصله و تناسب عادلانه‌ای مبتنی بر امکانات درآمد ملی و ضروریات رشد اقتصادی در میان حداقل و حداکثر درآمد - نه تنها در بخش دولتی و تعاونی، بلکه در بخش خصوصی نیز - مشخص و تأمین گردد؛ قانون دقیق برای مالیات‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای تنظیم این تقسیم عادلانه درآمد و ابزاری برای جلوگیری از افزایش غیرعادلانه ثروت تدوین شده و

به طور قاطع و پیکیر به موقع اجرا گذاشته شود. بودجه دولت نباید وسیله تجدید توزیع درآمد ملی به سود غارتگران باشد، بلکه باید به افزار تجدید توزیع درآمد ملی به سود مردم زحمتکش بدل شود.

## ۲. کار، دستمزد، حقوق

در قانون اساسی جمهوری اسلامی مسئله تامین کار و وسیله کار برای همه افراد جامعه که آمادگی و توانایی کار کردن دارند به عنوان اصول در نظر گرفته شده است.

مسلم این است که با رشد بدون وقفه جمعیت کشور و محدود بودن امکان فعالیت در روستا و ادامه سیل مهاجرت به شهرها، جمعیت شهرها و درخواست کنندگان کار هر روز بالا خواهد رفت و آنچه امروز به صورت يك مسئله بسیار دشوار در برابر دولت قرار گرفته است. هر روز دشوارتر خواهد شد. در این زمینه دولت انقلابی مردمی باید وظایف زیرین را عملی سازد:

الف- تامین اشتغال برای این توده های میلیونی؛

ب- بالابردن پیکیر تخصص کارگران با رشد امکانات فنی و آموزشی کار؛

ج- تامین حداقل دستمزد و حقوق بر پایه احتیاجات ضروری و به تناسب شرایط کار و شرایط جغرافیایی با در نظر گرفتن پایه متحرك تعیین حقوق برای جلوگیری از تاثیر نامطلوب نوسانات اقتصادی بر زندگی زحمتکشانشان، پرداخت مدد معاش به کارگران

و کارمندان معیل به نسبت افراد خانواده؛  
د - تنظیم يك قانون کار مترقی بر پایه خواسته  
های به حق کارگران؛

ه - تامین حقوق بازنشستگی برای همه زحمتکشان  
شهر و روستا؛

و - کم کردن حداکثر ساعت کار در هفته به  
تناسب پیشرفت و گسترش اقتصاد کشور و کم کردن  
فوری ساعت کار برای مشاغل دشوار (مانند کار در  
معادن و در برابر کوره های ذوب فلزات و نظایر آنها)  
و زیان بخش برای تندرستی (مانند موسسات بهداشتی  
و کارخانه های شیمیایی و غیره) و تامین مرخصی سالانه  
برابر برای کارگران و کارمندان؛

ز - به رسمیت شناختن قراردادهای دسته جمعی  
برای کارگران واحدهای صنعتی و کشاورزی؛

ح - اجرای اصل دستمزد و حقوق مساوی برای  
کار مساوی در مورد زنان کارگر؛

ط - ایجاد يك شبکه وسیع فراگیر از شیر-  
خوارگاه ها و کودکانستان ها برای کمک به زنان  
زحمتکش و ایجاد امکان تربیت اجتماعی نوباوگان در  
سال های پیش از مهرسه و نیز ایجاد واحدهای زایشگاهی  
برای چند روستای به هم نزدیک به منظور کمک به  
روستائیان.

### ۳. بهداشت عمومی و بیمه های اجتماعی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی تامین بهداشت  
مجانی و عمومی و تنظیم بیمه های اجتماعی برای همه

مردم در نظر گرفته شده است.

واقعیت زندگی جامعه ما شاهد آن است که خدمات بهداشتی و درمانی در کشور ما در سطح بسیار عقب مانده ای است. تنها اقشار مرفه و پردرآمد جامعه می توانند از این خدمات استفاده کنند. تنها با یک انقلاب واقعی می توان به این عقب ماندگی دردناک پایان بخشید و برای این کار ضروری است که:

الف - بخش خدمات درمانی و بهداشتی در تمام ابعادش ملی گردد و دولت مسئولیت تامین همه وسایل برای خدمات بهداشت و درمان و توزیع عادلانه آن را در شهر و روستا به عهده بگیرد؛

ب - با توسعه دانشکده های پزشکی، دانشسراهای بهداشتی و درمانی، شبکه مدارس برای تربیت کادر کمکی درمانی و پذیرش دانشجویان محلی برای تربیت کادر پزشکی و بهداشتی به نسبت احتیاج و امکان باید در جهت رفع کمبودهای عظیم در این زمینه گام برداشت؛

ج - با ایجاد شبکه وسیع درمانگاه ها، بیمارستانها، زایشگاه ها و آسایشگاه ها برای دوران نقاهت در سراسر کشور و برای استفاده همه مردم، در جهت از بین بردن این عقب افتادگی دردناک حرکت کرد؛

د - برای نقاط کم جمعیت و پراکنده باید یک سیستم فراگیر آزمایشگاه ها و درمانگاه های سیار بوجود آورد؛

ه - برای معلولان و سالخوردگان و بیماران لاعلاج، موسسات مخصوص آماده کرد؛



و - در مورد بیمه‌های اجتماعی در کشور قوانینی با بردی بسیار محدود وجود دارد که به هیچوجه جوابگوی ضروریات زندگی زحمتکشان میهن ما نیست. باید این کمبود از راه تدوین و اجرای قوانین مترقی و فراگیر بیمه‌های اجتماعی، به سود زحمتکشان شهر و روستا، رفع گردد، قوانینی که پاشخکوی همه خواست‌ها در زمینه درمان و بهداشت، در زمینه بیکاری، در مورد بیماری، معلولیت و پیری و از کارافتادگی باشند.

#### ۴. حل مسئله مسکن

یکی از بزرگترین دشواریهای توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان جامعه ما مسئله مسکن است، که در عین حال یکی از میدان‌های غارت بی‌بندوبار سرمایه‌داران «پساز و بفروش» و اجاره‌خوار است. زمین‌خواران و در راسشان خاندان پهلوی در دوران ۵۰ ساله حکومت گذشته صدها و صدها میلیارد تومان از ثروت ملی و درآمد ملی و حاصل کار زحمتکشان را از راه بالا بردن مصنوعی قیمت زمین در شهرها دزدیدند و آنرا یا به صورت ارز از کشور خارج کردند و یا به صورت سرمایه برای غارت مجدد در درون کشور به کار انداختند. در تمام دوران این نظام غارتگر، عمده فعالیت ساختمانی جامعه در راه ایجاد کاخها و کاخچه‌ها، برای غارتگران و کارگزارانشان، در راه ایجاد تاسیسات شهری برای بالاشهری‌ها، یعنی اقشار ثروتمند و مرفه جامعه به کار می‌رفت و در شرایط مسکن رقت‌بار

میلیونها و میلیونها نفر از زحمتکشان شهر و روستا  
تغییری پیدا نشد. هنوز میلیونها نفر در زاغه‌ها و  
شبه‌زاغه‌ها مانند زورآبادها، حصیرآبادها، حلبی‌آبادها  
و یا درخانه‌های گلی و نمناک روستایی زندگی میکنند.  
با کمال تاسف باید این واقعیت را یادآور شد  
که پس از پیروزی انقلاب هم تاکنون حتی برپایه  
امکانات موجود، یعنی حل مسئله مسکن در چهارچوب  
تقسیم عادلانه ساختمانهای مسکونی موجود، اقدام موثری  
انجام نکرده است. تنها در تهران بیش از صد هزار  
واحد مسکونی عریض و طویل خالی و بدون استفاده  
که متعلق به بزرگ «محتکرین» زالوصفت صاحب  
مستغلات است، وجود دارد؛ در حالی که هزاران  
خانواده زحمتکش در جستجوی خانه‌اند و میلیونها نفر  
از محرومان جامعه در سوراخهایی به نام خانه و اتاق  
زندگی رقت‌باری را می‌گذرانند.

حل مسئله مسکن یکی از مهمترین وظایف دولت  
مردمی است و باید آن را به عنوان یکی از مهمترین  
بخش‌های اقتصادی مربوط به زندگی مردم به‌طور  
عمده و تعیین‌کننده در بخش دولتی و تعاونی متمرکز  
ساخت. تنها از راه تدارک و عملی ساختن یک برنامه  
جامع و درازمدت می‌توان بر این مشکل اجتماعی چیره  
شد و تنها از راه توسعه همه‌جانبه فعالیت بخش دولتی و  
تعاونی در زمینه تهیه مسکن ارزان‌قیمت برای زحمت-  
کشان می‌توان بخش خصوصی فعال در زمینه خانه‌سازی  
را زیر کنترل قرار داد و امکاناتش را در چهارچوب  
برنامه‌ریزی عمومی به کار گرفت.

کمک به خانه‌سازی انفرادی از راه دادن وام‌های مسکن نیز تنها در چهارچوب چنین برنامه‌ریزی عمومی از لحاظ استفادهٔ عقلانی از مصالح ساختمانی و نیروی کار و ضروریات شهرسازی، می‌تواند به نتایج مثبت برسد.

## ۵. آموزش و پرورش

یکی از دردناک‌ترین و خشم‌آورترین ارثیه‌های نظام وابسته و استعمارزدهٔ دودمان پهلوی همین عقب‌افتادگی در زمینهٔ آموزش عمومی است. هنوز بیش از ۶۰ درصد مردم ما بیسواد هستند و بیسوادی در میان زنان روستایی که بیش از ۳۰ درصد جمعیت میهن ما را تشکیل می‌دهند، بیش از ۹۵ درصد است. گسترش آموزش حرفه‌ای و متوسطه و عظیم هم به همین نسبت از احتیاجات روزافزون جامعهٔ ایران عقب‌افتادگی نشان می‌دهد. کافی است تنها تعداد دانشجویانی را که در سال ۱۳۵۸ در آموزشگاه‌های عالی رشتهٔ پزشکی مشغول تحصیل بوده‌اند، با تعدادی که برای رفع احتیاج جامعهٔ ما لازم است، مقایسه کنیم.

برای رفع این کمبود باید نبرد عظیمی را آغاز کرد. اقدامات دولت جمهوری اسلامی در زمینهٔ ساختمان مدارس در روستاها، برچیدن مدارس «ممتاز» و سوادآموزی، قابل تأیید است؛ ولی این قطره‌هانی‌توانند جوابگوی تشنگی جامعهٔ ما به آموزش باشند. این هدف تنها در صورتی می‌تواند در دسترس واقعی قرار گیرد که:

الف - تکمیل و پخش شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور با توجه مقدم به مناطق عقب افتاده در ردیف مهمترین و مبرم ترین وظایف دولت انقلابی قرار گیرد؛

ب- آموزش اجباری ۸ ساله رایگان برای تمام کودکان در شهر و روستا تامین گردد؛

ج- در مناطق غیرفارس به تناسب امکانات موجود آموزش به زبان مادری عملی شود؛

د - شبکه وسیع آموزش حرفه ای در سراسر کشور بوجود آید، به طوری که همه جوانان امکان گرفتن تخصص حرفه ای را داشته باشند؛

ه - شبکه دبیرستانها به تناسب احتیاجات کشور بسط یابد؛

و - برنامه گسترش شبکه آموزشگاه های عالی و گسترش کمی و کیفی آنها، به ویژه رشته های فنی و علوم و پزشکی و رسیدن به خود کفائی در کوتاهترین فرصت ممکن تنظیم و به موقع اجرا در آید؛

ز - به ایجاد فرهنگستان علوم ایران و تشکیل شبکه وسیع پژوهشگاه های علمی و فنی و بهره گیری همه جانبه از دستاوردهای علم و فن در سراسر جهان اقدام گردد.

## ۶. فرهنگ اجتماعی

دستاوردهای فرهنگی یکی از پرازشترین محصول تلاش تاریخی توده های مردم، اقوام و ملت ها

در جریان حرکت بسوی تعالی و تمدن انسانی هستند. خلق‌های میهن ما این افتخار را دارند که طی تاریخ دراز خود در صف نخستین خلق‌های آفریننده فرهنگ جهانی قرار داشته‌اند و از گنجینه بسیار غنی فرهنگ ملی برخوردارند.

وظیفه بزرگ نیروهای انقلابی و پیشرو جامعه است که این فرهنگ غنی مردمی و ملی را در تمام ابعاد رنگین، زیبا، دلنشین و ارزشمندش گرامی بدارند و با تمام نیرو درجهت شکوفایی باز هم بیشتر آن گام بردارند.

یکی از دردناکترین پیامدهای تسلط جنایت بار نظام شاهنشاهی وابسته در قرن اخیر باز شدن راه تسلط فرهنگ استعماری بر میهن ما و تلاش طبقات حاکمه خودفروخته در به‌فراموشی سپردن فرهنگ ملی بوده است و درست به همین علت است که انقلاب فرهنگی یعنی مبارزه قاطع با بیسوادی و کم‌سوادی و پاک‌کردن جامعه و جو فرهنگی میهن از انواع گوناگون علف‌های هرز فرهنگ استعماری و امپریالیستی یکی از مهم‌ترین وظایف انقلاب شکوهمند میهن ما است. در این زمینه باید توجه داشت که نبرد برای استعمارزدایی از جو فرهنگی، با بیماریهای گوناگون فرهنگ‌زدایی در مقیاس وسیع و تسلط گرایش‌های واپس‌گرایانه همراه نکرده. این خطر به‌طور عینی و بدون شبهه وجود دارد و هم‌اکنون پیامدهای ناگوار آن در جامعه ما دیده می‌شود.

درست است که فرهنگ ملی خلقهای میهن ما با فرهنگ بسیاری از خلقهای ساکن کشورهای مجاور ایران پیوند تاریخی دارد، ولی این به آن معنا نیست که ما شخصیت و هویت مشخص تاریخی فرهنگ ملی خلقهای ساکن ایران را در همهٔ زمینه‌ها یعنی ادبیات، موسیقی، تئاتر و نقاشی و غیره نفی کنیم و بخواهیم آن را در بستر فرهنگ عمومی خلقهای دیگر که به خودی خود برای ما ارزشمند است، دفن کنیم. شعار همهٔ نیروهای راستین انقلاب ایران باید این باشد که ریشه‌های فرهنگ استعماری و امپریالیستی را در جو فرهنگی میهنمان بخشکانیم و زمین را برای رشد و نمو بی‌سابقهٔ فرهنگ ملی، یعنی گنجینهٔ فرهنگ همهٔ خلقهای برادر میهنمان: فارس‌ها و آذربایجانی‌ها و کردها و بلوچها و عرب‌ها و ترکمن‌ها آماده سازیم. حزب توده ایران هرگونه تلاش برای به زندان کشیدن فرهنگ ملی را نشانی از عقب‌ماندگی فرهنگی می‌داند و بر آن است که این‌گونه عقب‌ماندگی تنها به تقویت گرایش‌های واپس‌گرایانه میدان می‌دهد و نتایج دردناکی برای پیشرفت اجتماعی میهن ما به بار خواهد آورد.

## ۷. شکوفایی علم و فن

رشد همه‌جانبهٔ زندگی اجتماعی میهن ما در همهٔ زمینه‌ها، بدون بهره‌گیری از دستاوردهای علم و فن امکان‌پذیر نیست. باید به‌دوران بهره‌گیری از این

دستاوردها به صورت يك كالای وارداتی به بهاء كمرشكن پايان بخشيد و اين تنها از اين راه ممكن است كه پيشرفت در اين گستره به صورت يکی، از مهمترين نکات برنامه پيشرفت اجتماعی درآيد و همه زنجيرهای اسارت آور واپس گرایی و کهنه پرستی از دست و پای رشد همه جانبه علوم و فنون پاره گردد.

حزب توده ايران بر آن است كه هرچه زودتر فرهنگستان علوم با رشته های گوناگون برای علوم طبیعی، علوم انسانی و اجتماعی، علوم پزشکی، علوم کشاورزی و غيره، همچنين پژوهشگاه های علمی و فنی برای همه رشته های مهم فنون تاسيس کردند و امکانات کافی برای گسترش آنها تأمین شود.

## ۸. ورزش

در جوامع متمدن و پيشرفته امروز جهان، ورزش به صورت يکی از مهمترين وسيله ها، نه تنها برای تأمین تندرستی و بهداشت عمومی جامعه، بلکه برای قربيت روحیات انسان دوستانه و يکی از مهمترين وسيله سرگرمی و خستگی زدائی از کار سنگين درآمده است. ورزش برای تندرستی بدنی و سلامت اخلاقی جوانان ضرورت حیاتی دارد.

حزب توده ايران بر آن است، كه ورزش در جامعه به صورت يك اشتغال عمومی برای خردسالان تا بزرگسالان درآيد و تأمین وسایل و امکانات برای اين اشتغال در شمار وظایف درجه اول همه ارگانهای ۱۶۰

اجرائی و نهادهای اجتماعی از شورای ده گرفته تا دولت مرکزی جمهوری اسلامی قرار گیرد. ورزش را باید از چهارچوب تنگ کنونی بیرون کشید و آن را در مدارس، کارخانه‌ها، موسسات دولتی، شهرکها و روستاها در دسترس عموم خلق قرار داد.

### ۹. تربیت همه‌جانبه جوانان

برای آنکه کودکان و جوانان کشور ما برای انجام وظایف تاریخی خود در آینده آماده شوند، توجه به ایجاد امکانات برای رشد همه‌جانبه آنان ضروری است. تجربه جوامع پیشرفته نشان داده است که علاوه بر آموزش منظم در مدارس، ایجاد شبکه وسیع موسسات و سازمانهای ورزشی، پژوهشی، هنری، علمی و فنی برای فعالیت آزاد و داوطلبانه جوانان نقش عظیمی را ایفا خواهد کرد.

حزب توده ایران بر آن است که ایجاد باشگاه‌های جوانان که بتواند امکانات ضروری را در همه این زمینه‌ها در اختیار جوانان بگذارد، از وظایف مبرم دولت و همه نهادهای اجتماعی مردمی است.



حزب توده ایران برنامه خود را که بیانگر آرمانهای میهنی و دموکراتیک توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان و زحمتکشان شهر و روستای جامعه ما در مرحله کنونی تاریخی است، عرضه می‌دارد. نبرد در راه تحقق این برنامه وظیفه هر ایرانی میهن‌دوست و



هوادار پیشرفت همه‌جانبه اجتماعی است.  
حزب توده ایران همه اعضا و هواداران حزب،  
همه اقشار و طبقات مترقی جامعه و بویژه طبقه کارگر  
و متحدینش: دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش  
همه خلق‌های ایران را فرامی‌خواند که برای عملی  
شدن این برنامه که تنها راه تامین آزادی و سعادت  
مردم ایران و راه‌کشی حرکت به سوی شکوفایی  
همه‌جانبه میهن ماست، تلاش ورزند.

پیام

پلنوم هفدهم (وسیع)

کمیته مرکزی

حزب توده ایران

به همه رفقای حزبی،

همه هواداران و دوستان حزب



## رفقا و دوستان عزیز!

پلنوم هفدهم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران که در شرایط حساس تاریخی میهن ما، در شرایط گسترش و تعمیق انقلاب ازسوئی و حدت بی سابقه دسایس دشمنان خارجی و داخلی آن، به سرکردگی امپریالیسم جهانخوار آمریکا از سوی دیگر، تشکیل شده، وظیفه خود می داند که دروذهای آتشین خویش را به همه شما رفقا و هواداران و دوستان حزب در اکناف و اطراف کشور کهن سال و پهن اور ما که زادگاه و پرورشگاه خلق های گوناگون و مهمل نبردهای حماسه آمیز آن ها است، ابلاغ نماید.

طی دوران انقلاب و دوران پس‌از آن، شما با گام برداشتن در نخستین رده‌های مردم قهرمان ایران و با پشتیبانی از مشی اصولی حزب و خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی در انقلاب، توانستید نقش شایسته و اثربخشی را ایفا کنید که حتی دشمنان سوگندخورده حزب قادر به انکار آن نیستند. خاک میهن ما، در کنار خون دیگر شهیدان، از خون شهیدان توده‌ای در میدان‌های رزم‌های انقلابی، در میدان‌های جنگ عادلانه با رژیم متجاوز صدام رنگین شده و توده‌ای‌ها حد بالای آگاهی سیاسی و فداکاری انسانی خود را بارها و بارها به ثبوت رساندند و می‌رسانند. بیموده نیست که اعضاء و هواداران و دوستان حزب از زن و مرد، پیر و جوان، شهری و روستایی و عشیره‌ای، از سوئی‌مورد مهر و اعتماد روزافزون یاران اصیل انقلاب قرار می‌گیرند، و از سوی دیگر خشم ددمنشانه دشمنان انقلاب را علیه خود برمی‌انگیزند.

پایداری، متانت، منطقی روشن، خردمندی و درک واقع‌بینانه و علمی، شکیب در برابر دشواری‌ها، عدم توسل به شیوه‌های

غیرمنطقی و ضداخلاقی، پی‌گیری در نبرد  
تاحد گذشتن از جان، بیش از پیش به  
مشخصات اساسی توده‌ای‌ها مبدل می‌شود که  
آرزو دارند به انسان‌های طرازنوی که  
عالی‌ترین فضایل معنوی انسانی را بر  
خودخواهی‌های حسابگرانه شخصی مرجح  
می‌شمرند، بدل گردند.

### رفقا و دوستان گرامی!

چنان‌که در اسناد مختلف پلنوم می‌خوانید  
انقلاب ما، مردم ما، میهن ما و حزب ما وارد  
مرحله حساسی می‌شوند که طی آن باید همه  
نیروهای پیگیر و اصیل انقلابی هوادارمشی  
امام موفق شوند به اتکاء قانون اساسی  
جمهوری اسلامی ایران انقلاب را تحکیم‌کنند  
و تعمیق بخشند و دسایس رنگارنگ  
امپریالیسم و ارتجاع منطقه و ضدانقلاب  
ایرانی داخل و خارج از کشور را عقیم  
گذارند. در این مرحله، حزب از همه اعضا  
و هواداران و دوستان خود هشیاری، آمادگی  
برای نبرد و سرسختی در ادامه راه را، می‌طلبد.  
پلنوم و وظیفه خود می‌شمرد از همه رفقا

و هواداران و دوستان عزیز حزب که از بذل  
مساعدی گوناگون برای تقویت حزب و امر  
مشترك انقلاب ذره‌ای دریغ نورزیدند،  
صمیمانه سپاسگزاری کند. اعتلاء و رهایی  
هر خلقی بوجود چنین زنان و مردان، دختران  
و پسران پیشاهنگه وابسته است که امر  
جامعه و مردم را بالاتر از امر شخصی  
می‌دانند.

پلنوم، یاد شهیدان حزب را گرامی  
می‌دارد و به بازماندگان این قهرمانان جنبش  
کارگران و زحمتکشان ایران به گرمی درود  
می‌فرستد.

ما امیدواریم که همه پیروان سوسیالیسم  
علمی در کشور ما بتوانند بر تفرقه‌ها و  
اختلاف‌های خود غلبه کنند تا استواری و  
سربلندی هرچه بیشتر حزب طراز نوین طبقه  
کارگر به بهترین شکل و در کوتاه‌ترین فاصله  
زمانی تامین گردد.

ما امیدواریم که پیروان راه سوسیالیسم  
علمی در کنار پیروان بینش اسلام انقلابی  
و همه دیگر نیروهایی که به انقلاب و استقلال  
و آزادی و ترقی ایران علاقمندند، موفق

شوند جبهه متعهد خلق را در برابر دشمنان  
استقلال، آزادی، ترقی و عدالت اجتماعی  
بوجود آورند.

توطئه‌های پی‌درپی امپریالیسم و عمال  
داخلی آن علیه نیروهای انقلاب‌هشداردهنده  
است. ما حق نداریم لحظه‌ای از هشیاری  
انقلابی خود بکاهیم. ولی برغم تمام این  
بفرنجی‌ها ما با امید به آینده می‌نگریم،  
زیرا در ایران و جهان شرایط مساعد برای  
تامین هدف‌های شریف مردم انقلابی و  
قهرمان ایران وجود دارد و با پیشرفت  
ظفرنمون و پرشتاب مجموعه جبهه ضد -  
امپریالیستی جهانی این شرایط هر روز  
مساعدتر می‌گردد.

**رفقا و دوستان عزیز!**

یکبار دیگر درودهای گرم و صمیمانه  
ما را بپذیرید!





پیام

پلنوم هفدهم (وسیع)

کمیته مرکزی

حزب توده ایران

به همه نیروها و سازمان‌ها و

نهادهای انقلابی



### دوستان عزیز!

انقلاب شکوهمند بهمن در زیر رهبری  
دوربینانه و پیگیر امام خمینی و با شرکت  
جانبازانه و یکپارچه توده‌های ده‌ها میلیونی  
کشور ما بر رژیم منحوس پهلوی و اربابان  
امپریالیستی‌اش، و بر راس آن شیطان  
بزرگ آمریکا، پیروز شد و اکنون، پس از  
عقیم‌گذاردن انواع توطئه‌های امپریالیستی  
و ضدانقلابی و نیروهای سازشکار، سومین  
سال خود را می‌گذرانند. ولی هنوز انقلاب  
در راه است و هنوز به تثبیت و تحکیم قطعی  
و نهایی خویش دست نیافته است.  
امپریالیسم جهانی و در پیشاپیش آن  
آمریکا، همراه همه نیروهای ارتجاعی منطقه،

همراه همه نیروهای ضدانقلابی داخل و خارج از کشور، با استفاده از مواضع نیروهای سازشکار سرمایه‌داری لیبرال، با سوءاستفاده از روش‌های خودخواهانه، یا اشتباه‌آمیز برخی افراد یا گروه‌ها در اردوگاه انقلاب، می‌کوشد انقلاب ایران را، یا از طریق مسخ درونی، یا از طریق سرنگونی، نابود سازد و فاجعه‌ای بسی شوم‌تر از فاجعه ۲۸ مرداد را در ایران تجدید کند و نتایج جنبش عظیم و پرایثار مردم را به هیچ‌مبدل سازد.

امپریالیسم که در رژیم گذشته، به غارت منابع عظیم نفت ایران و تحمیل میلیاردها جنگ‌افزار در مقابل دریافت سهم بزرگی از درآمدهای نفتی ما و سوءاستفاده از سیاست «درهای باز» برای انباشتن بازار عظیم کشور ما از محصولات مصرفی خود، می‌پرداخت و رژیم سلطنتی مستبد شاه را به ژاندارم خویش در منطقه‌علیه مردم ایران و جنبش‌ها و نظام‌های مترقی و به همدست نزدیک صهیونیسم بدل ساخته بود، از انقلاب ایران سخت خشمناک است و چنان‌که سرشت اوست و بارها و بارها در تاریخ نشان داده

است، از هیچ دسیسه و خدعه و از هیچ جنایت دژخیمانهای روی گردان نیست تا مواضع از دست رفته خود را در کشور ما بار دیگر به دست آورد.

شکست توطئه‌های رنگارنگ گذشته، امپریالیسم آمریکا را هرگز به این نتیجه نرسانده است که باید با مردم ایران و انقلاب ایران برپایه برابری حقوق روپرو شود. بلکه برعکس امپریالیسم آمریکا و دیگر متحدانش در غرب و نیز صهیونیسم و دولت سیطره جوی چین و حکومت‌های ارتجاعی منطقه، مساعی خود را ده چندان کرده‌اند تا از راه محاصره اقتصادی، ایجاد تفرقه و سوءظن و اختلاف بین نیروهای انقلابی، توسل به ترور و آشوب و شایعه و افتراء، و کلیه سلاح‌های دیگری که در زرادخانه اهریمنی خویش دارند، به تدریج انقلاب و رهبری آن را تضعیف و منفرد کنند و زمینه را برای مقاصد شوم خویش فراهم نمایند.

تنها و تنها وحدت عمل کلیه نیروها و سازمان‌ها و نهادهای انقلابی در زیر رهبری آزموده و بادرایت و مقاوم امام خمینی قادر است کار بزرگ آغاز شده را به سرانجام

مطلوب خود برساند، یعنی ایرانی مستقل، غیر متمدن، آزاد، برخوردار از عدالت را در این مرز و بوم کهن برپای دارد و کشور ما را به عامل صلح و ثبات در خاورمیانه و جهان مبدل سازد.

آنچه به حق نگرانی همه دوستان انقلاب را در سرزمین ما برمی انگیزد، موفقیت عمال آشکار و نهان امپریالیسم، در ایجاد تفرقه و نفاق در میان صفوف نیروها و سازمانها و نهادهای انقلابی و افکندن آنها به جان یکدیگر است، که متأسفانه صحنه‌های آن در گوشه و کنار کشور دیده می‌شود. نیروهای ارتجاعی جامعه ما مانند بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران با تشویق و پشتیبانی امپریالیسم و صهیونیسم و استفاده از نیروهای بورژوازی لیبرال ایران، با تمام قوا می‌کوشند به نیاتی که ریگان رئیس‌جمهور آمریکا آن را در مورد کشور ما بیان داشته، جامعه عمل پپوشانند.

پلنوم هفدهم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس مسئولیت عمیق از این وضع ابراز نگرانی می‌کند و از همه نیروها، نهادها و سازمانهای اصیل انقلابی،

اعم از دولتی یا غیر دولتی، اعم از این که دارای چه معتقدات و نظریاتی هستند، دعوت می‌کند که در زیر رهبری آزموده امام خمینی گردآیند و از اتلاف عبث نیروی خود و تضعیف یکدیگر از راه‌های مختلف، اکیدا خودداری ورزند.

انقلاب ایران، خواه در دوران براندازی رژیم استبداد سلطنتی، خواه در نبردهای مختلف علیه امپریالیسم و ضدانقلاب و خواه اینک در جنگ علیه صدام متجاوز، ده‌ها هزار کشته و معلول و آسیب‌دیده، صدها و صدها هزار آواره داده است. این انقلاب که در تاریخ کشور ما همتایی ندارد، بهای گرانی برای رهایی مردم ما پرداخته و تضعیف آن وزیان رساندن به آن گناهی است بزرگ. این انقلاب، انقلاب توده‌های زحمتکش مردم بود و زاغه‌نشین‌ها و کوخ‌نشین‌ها در آن جان خود را نثار کرده‌اند و باید نتایج اجتماعی آن به سود توده‌های میلیونی کارگران و دهقانان باشد.

ما به آزادی‌های دمکراتیک و ضرورت تامین امکانات قانونی حیات و عمل کلیه نیروها و سازمان‌ها و نهادهای اصیل خلقی



و انقلابی (که در قانون اساسی جمهوری اسلامی کشورما تصریح شده) معتقدیم ولی در عین حال معتقدیم که مسئله دفاع از انقلاب و به پیروزی رساندن آن، مسئله تأمین حقوق حق زحمتکشان شهر و ده، امر مشترک خلق است و احدی حق ندارد به این امر مشترک و مقدس، بر اساس نیت و محاسبات مضر به منافع خلق و یا تنگ نظری های انحصار طلبانه زیان رساند. باید تا دیر نشده از این روش ها که در حکم تسهیل عمل دشمن تبه کار انقلاب است اکیداً پرهیز کرد.

پلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران امیدوار است که نیروها، نهادها و سازمان های اصیل انقلابی بتوانند با تجمع کلیه قوای خود و با پشتیبانی از مشی ضد امپریالیستی و مردمی امام و در چهارچوب احترام به قانون اساسی جمهوری اسلامی بر مشکلات غلبه کنند و انقلاب را به مرحله تحکیم و تعمیق برسانند تا دست بزرگ مالکان از زمین هایی که حق دهقان زحمتکش ایرانی است کوتاه شود و یک بار برای همیشه فتوالیسم در ایران خاتمه یابد و با کوتاه کردن دست های غارتگر کلان سرمایه داران

زالوصفت و کارگزارانشان از مجموعه اقتصاد کشور، راه برای شکوفایی همه‌جانبه اقتصاد کشور، درجهت تامین خواست‌های به‌حق توده‌های ده‌های میلیونی محروم شهر و روستا، هموار گردد و بازرگانی خارجی (موافق قانون اساسی جمهوری اسلامی) در عمل ملی شود و مردم زحمتکش شهر و ده از چنگ خفه‌کننده گرانی و آن دشواری‌های اقتصادی که پیامد این غارتگری بدون حساب است، رها گردند و سیاست خارجی برپایه عدم تعهد از روی واقع‌بینی و تدبیر، دوستان و دشمنان انقلاب ما را از هم تمیز دهد و در سیاست داخلی آزادی‌های مندرجه در قانون اساسی، دور از هرگونه انحصارگرایی و قشرگرایی، محترم شمرده شود و حقوق ملی خلق‌های ساکن سرزمین ایران تامین گردد. انقلاب ما که از همان آغاز به وحدت و جنبش وسیع توده‌های زحمتکش شهر و ده متکی بود، امروز بیش از همیشه به این دو خصیصه شاخص و اساسی خود نیازمند است. پلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران از فرصت استفاده می‌کند و گرم‌ترین دروهای خود را به امام خمینی، رهبرانقلاب

و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران و همه  
نیروها، سازمان‌ها و نهادهای اصیل انقلابی  
(اعم از دولتی و اجتماعی) ابلاغ می‌دارد و  
برای آن‌ها کامیابی در پیشبرد امر مقدس  
مردم ایران را آرزومند است.

# دربارهٔ اساسنامه



## رفقای عزیز!

باتوجه به نیاز گسترش کار سیاسی و سازمانی حزب و تغییر شرایط پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، پیشنهاد می‌شود که اساسنامه حزب در سه مورد زیرین اصلاح و تکمیل شود:

۱- اصطلاح «هیئت اجراییه کمیته مرکزی» به «هیئت سیاسی کمیته مرکزی» تبدیل شود. این اصطلاح برای وظایف و اختیاراتی که اساسنامه برای هیئت اجراییه منظور کرده و همچنین برای بیان جای واقعی این ارگان در زندگی کنونی حزب، کامل‌تر و دقیق‌تر است.

۲- در اساسنامه ماده‌ای به رابطه حزب

و سازمان جوانان توده ایران اختصاص یابد. در اساسنامه کنونی حزب جای خاص سازمان جوانان توده ایران تعیین نشده و در بند مربوط به سازمان‌های توده‌ای (ماده ۳۵) به‌طور کلی از سازمان‌های جوانان در کنار سایر سازمان‌های توده‌ای یاد شده است. از آنجا که سازمان جوانان توده ایران با سایر سازمان‌های توده‌ای ماهیتاً تفاوت دارد، سازمان نسل‌باند توده‌ای، وفادار به ایده‌نولوژی و مشی‌حزب و یاور و نیروی ذخیره حزب است، باید رابطه ویژه آن با حزب به‌طور جداگانه و مشخص در اساسنامه قید شود.

پیشنهاد می‌شود ماده زیرین با شماره ۳۵ به‌جای ماده مربوط به سازمان‌های توده‌ای اضافه شود و ماده سازمان‌های توده‌ای پس از آن و تحت شماره ۳۶ درج گردد.

#### «سازمان جوانان توده ایران»

ماده ۳۵- سازمان جوانان توده ایران، سازمان وسیع‌جوانان انقلابی، ضدامپریالیست و ترقی‌خواه ایران است که طبق برنامه و مشی حزب توده ایران فعالیت می‌کند. سازمان جوانان توده ایران یار و یاور فعال

و نیروی ذخیره حزب توده ایران است و جوانان را با روح وفاداری نسبت به حزب، خدمت صادقانه به جنبش انقلابی توده زحمتکش مردم ایران، دفاع از میهن انقلابی، پشتیبانی از جنبش‌های رهایی‌بخش ملی اسیل و زحمتکشان جهان و علاقه به کار خلاق پرورش می‌دهد و سطح فرهنگ آنان را به‌طور همه‌جانبه‌ای بالا می‌برد.

ارگان‌های رهبری سازمان جوانان از بالا تا پایین و در همه سطوح زیر رهبری ارگان مربوط حزبی قرارداد شده و از طرف آن کنترل می‌شوند.

ارگان‌های حزبی ضمن رهبری سازمان جوانان، کمک می‌کنند تا اعضای این سازمان مشی حزب را هرچه کامل‌تر درک کرده و ابتکار و خلاقیت خود را در همه عرصه‌های فعالیت انقلابی گسترش دهند.»

۳- بر اثر پیروزی انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، حزب توده ایران فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده و لذا ماده ۳۶ اساسنامه که مربوط به مقررات کارمخفی است، در شرایط نوین زائد است و باید حذف شود.





قطعه‌نامهٔ عمومی  
پلنوم هفدهم (وسیع)  
کمیتهٔ مرکزی  
حزب تودهٔ ایران



پلنوم هفدهم (وسیع) کمیته مرکزی  
حزب توده ایران در تهران در محیط رفاقت  
صمیمانه و در شرایط وحدت و همبستگی  
سیاسی و ایدئولوژیک و سازمانی و روحیه  
نیرومند رزمندگی انقلابی تشکیل شد. در  
پلنوم گزارش هیئت سیاسی درباره تحلیل  
وضع کنونی کشور و جهان و طرح برنامه  
جدید حزب مورد بحث و بررسی قرار گرفت.  
پلنوم در پایان کار خود ضرور می‌داند نکات  
زیرین را به‌مثابه نتیجه‌گیری‌های اساسی  
خویش تصریح نماید:

۱- هفدهمین پلنوم کمیته مرکزی  
حزب توده ایران به‌خاطره جاودان همه  
شهیدان، قطع‌نظر از تعلق آن‌ها به نهادهای

مختلف جمهوری اسلامی ایران و جریانات و گروههای انقلابی مختلف عقیدتی و سیاسی، درود می‌فرستد و در مقابل جانبازی آنان سر احترام و تجلیل و سپاس فرود می‌آورد. مردم قهرمان ایران، چه در انقلاب و چه در جنگ علیه متجاوز، در زیر رهبری مدبرانه، قاطع و بی‌تزلزل امام خمینی صفحات زرینی بر کارنامه کهن خود افزودند که می‌توان آنرا در تاریخ کشور ما بی‌همتا شمرد. ما بر آنیم که خلقی با چنین روح‌ایثار و پایداری خواهد توانست در برابر دشواری‌های تکامل انقلابی و نوسازی جامعه ایستادگی کند و از عهدۀ وظایف دشوار خویش برآید. ما حق داریم از تعلق به چنین مردم و به چنین سرزمینی بخود بیالیم.

۲- پلنوم يك بارديگر پشتيبانی حزب را از دفاع عادلانه در قبال تجاوز رژیم جنایتکار صدام ابراز می‌دارد و به همه خانواده‌های شهیدان و معلولین جنگ و همه آوارگان جنگ همدردی و درود پر شور خویش را ابلاغ می‌کند. پلنوم به مردم خوزستان و غرب کشور، که دستخوش تجاوز وحشیانه و

ویرانی‌ها و مصائب بی‌شمار شده‌اند، درود می‌فرستد و دلاوری و پایداری هموطنان گرامی مراکز آسیب‌دیده از جنگ را می‌ستاید. پلنوم از نیروهای مترقی عراق که تجاوز صدامی را محکوم می‌کنند، سپاسگزار است. پلنوم امید کامل دارد که میهن ما در نبرد عادلانه خود علیه تجاوز به پیروزی قطعی دست یابد و از تمام نیروهای مترقی جهان و از کلیه نهادهای هوادار صلح و دموکراسی و حقوق خلق‌ها خواستار است که ایران را در جنگی که از سوی امپریالیسم و رژیم صدام بر آن تحمیل شده است، مورد پشتیبانی مادی و معنوی خود قرار دهند.

۳- همان‌طور که در گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی به شکل گسترده و مستدلسی بیان شده است، انقلاب پیروزمند ضد امپریالیستی و مردمی کشور ما، که موفق شد رژیم فرتوت سلطنت استبدادی را در ایران سرنگون سازد و جمهوری اسلامی را برپای دارد و به پایه‌های سلطه غارتگرانه و جبارانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ضربات شکننده‌ای وارد سازد، هم‌اکنون در اثر تحرکات پیاپی

امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم جهانخوا  
آمریکا و ضدانقلاب داخلی لحظات حساس  
و دشواری را از سر می‌گذراند.

انقلاب، از سوئی با امپریالیسم و رژیم  
متجاوز صدام و از سوئی با نیروهای  
رنگارنگ ضدانقلابی و یا سازشکار با  
امپریالیسم، برای راهگشایی به پیش، یعنی  
تحکیم و تعمیق انقلاب، درگیر مبارزه حیاتی  
است. نیروهای ضدانقلابی و سازشکار با  
استفاده از شیوه‌ها و نقاب‌های مختلف  
می‌کوشند انقلاب را از درون مسخ کنند.  
علی‌رغم دشواری‌های فراوان، انقلاب توانسته  
است با تکیه بر نیروهای مردم شهر و ده و  
با برخورداری از پشتیبانی همه نیروهای  
مترقی جهانی، دستاوردهای خود را حفظ  
کند، نهادهای دولتی و انقلابی را بوجود  
آورد و توطئه‌ها و نقشه‌های شیطان‌سی  
امپریالیسم و صهیونیسم را یکی پس از  
دیگری عقیم گذارد.

حزب توده ایران در پیکار بزرگ  
انقلابی مردم ایران، در جهت پشتیبانی از  
مشی ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی

و رهروان راه او، در گسترهٔ مقابله با نیروهای مخالف انقلاب و افشاء دسایس ضدانقلابی، شرکت فعال و موثری داشته است. اعضاء حزب با صداقت و پیگیری تمام در این راه از بذل همه چیز خود تا حد نثار جان دریغ نورزیدند و نمی‌ورزند. پلنوم مشی برگزیدهٔ حزب را در پشتیبانی از خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی یک مشی اصولی می‌شمرد و مقابلهٔ پیگیر حزب را با امپریالیسم، صهیونیسم و ضدانقلاب و نیز مبارزه‌اش را با لیبرالیسم و قشری‌گری و انحصارگرایی، روشی درست می‌داند. پلنوم روش اتخاذشده حزب را برپایهٔ اتحاد و انتقاد با دمکراسی انقلابی کشور ما که با بینش اسلام انقلابی در انقلاب نقش مهمی ایفاء نمود و اکنون در برابر دشمنان خارجی و داخلی کشور ما و انقلاب ما ایستادگی می‌کند، مشی صحیح و اصولی می‌شمرد و هیئت سیاسی آینده را به ادامهٔ این مشی، با ابراز همه‌نوع تلاش و ابتکار لازم، موظف می‌سازد. هیئت سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران و دیگر ارگان‌های حزبی تحت رهبری وی، طی دوران انقلاب و سال‌های



پس از آن توانسته است با ابتکار و جسارت و در عین حال با اصولیت پیگیر و متانت، در شرایطی که امپریالیسم و ارتجاع و نیروهای محافظه‌کار و سازشکار، حزب را آماج تاخت و تازهای افتراآمیز و جنگ عصبی و حملات همه‌جانبه خود قرار داده‌اند، در مواضع درست دفاع از انقلاب ایستادگی کند و وظایف دشوار خویش را از جهت سیاسی و سازمانی و ایدئولوژیک انجام دهد. پلنوم تایید و خرسندی خود را در این باره ابراز می‌دارد و ادامه این راه و روش را ضرور می‌شمرد.

۴- پلنوم طرح برنامه جدید حزب را مورد بررسی قرار داد و تصویب کرد. مسئله راه رشد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور ما پس از این انقلاب و نوسازی جامعه بر پایه منافع خلق به نحوی که استقلال کشور و شکوفایی و آبادانی آن و بهروزی و پیشرفت مردمش را تامین کند، مسئله مرکزی انقلاب است. پلنوم بر آن است که حزب ما طی فاصله دو پلنوم در این زمینه کوشش فراوانی کرده و در برنامه جدید خود

منطقی‌ترین راه ترقی را در گستره‌های مختلف نشان داده‌است. حزب باید بکوشد تا این برنامه که در توافق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تنظیم شده هرچه بیشتر بتواند تحقق عملی یابد. پلنوم، هیئت سیاسی منتخب از این پلنوم را موظف می‌سازد، براساس مذاکرات مطروحه در پلنوم طرح را تکمیل و منتشر نماید و براساس این برنامه نظریات گسترده حزب را در زمینه‌های مختلف به ارگان‌های ذیصلاحیت جمهوری اسلامی ارائه دهد و با تمام نیرو و به شکل مشخص و در عرصه عمل از استقلال و آزادی‌های دمکراتیک و عدالت اجتماعی مانند گذشته مدافعه به عمل آورد.

۵- امپریالیسم جهان‌خوار با تمام دسایس شیطانی در تلاش است تا منطقه خاورمیانه را به یک اجاق خطرناک جنگ و تحریک بدل سازد، برای آن که بتواند مواضع غارتگرانه خویش را در آن حفظ کند. امپریالیسم به سرکردگی آمریکا در صدد محو آن آثار تشنج‌زدایی است که نیروهای ضد-امپریالیستی جهان و در پیشاپیش آن

کشورهای سوسیالیستی او را به قبول آنها  
و ادار ساخته‌اند.

امپریالیسم و دست‌نشانده‌گانش درصدد  
سرنگون‌ساختن رژیم انقلابی‌کشور ما هستند.  
در این شرایط و وظیفه‌مقدس سوق‌دادن اندیشه  
و عمل حزب طبقه‌کارگر به سوی کامیابی‌های  
تازه، وظیفه‌ تثبیت و تحکیم و تعمیق  
دستاوردهای انقلاب در برابر همه‌ حزب و  
رهبری آن قرار دارد. پلنوم برای حزب و  
رهبریش در اجراء این وظیفه‌ خطیر آرزوی  
موفقیت دارد و امیدوار است که انقلاب ایران  
بتواند به پیروزی نهائی دست یابد. این امر  
رویدادی عظیم در تاریخ خلق‌های اسیر و ستم  
برجسته‌ای خواهد بود که مردم ما به تکامل  
عمومی تاریخ عصر ما ادا می‌کنند. اعضاء  
حزب توده ایران در همه‌جا باید با همان  
از خودگذشتگی و روحیه‌ پایداری و شکیبایی  
منطقی و متانت اصولی که تاکنون از خود  
نشان داده‌اند، بکوشند تا در خوردنام و سنن  
جنبش انقلابی‌کشور ما باشند و در نخستین  
رده‌های این جنبش گام بردارند و صفوف  
حزب را بویژه با جلب هرچه بیشتر کارگران  
و زحمتکشان تقویت و تحکیم بخشند.

۶- پلنوم از کلیه احزاب و سازمان‌های انقلابی و کارگری و مترقی بین‌المللی در سراسر جهان که از انقلاب ما به انحاء مختلف در مقابل دسایس قطع‌نشدنی امپریالیسم و ضدانقلاب دفاع و پشتیبانی کرده‌اند، عمیقاً سپاسگزار است. خلق‌های جهان تنها در شرایط چنین هم‌بستگی و هم‌پشتی قادرند غول‌خون‌آشام امپریالیسم را از سر راه تاریخ بردارند و راه را به سوی افق‌های روشن رهایی انسانیت بگشایند.

۷- پلنوم به مبارزان دلیر جنبش‌های رهایی‌بخش جهان و از آن جمله رزمندگان راه رهایی فلسطین، السالوادور، نامیبیا و مردم شرافتمند عراق که علیه رژیم صدام نبرد می‌کنند با شور تمام درود می‌فرستد و کامیابی آن‌ها را در پیکار بحق و عادلانه‌شان آرزومند است.